

حماسه مهدی

جمال عباسی

آگاهانه به پیشوا ز مهدی برویم

انتظار شیعه و مکتب مهدی

فلسفه وجود و دلیل غیبت

مهدی، دین و سیاست

مهدی در ادیان دیگر

استعمار و مهدی نماها

بهائیان چه میگویند؟

جوآنان ایران در خدمت مهدی

سید جمال الدین، مدرس و ...

مارکس، راسل و ...

حماسہ مہدی

جمال - عباسی

بہ نام خدا

شنا سنامہ کتاب :

نام : حماسہ مہدی

نگارش : جمال عباسی

چاپ : رشیدیہ

تعداد ۳۰۰۰

حق چاپ محفوظ است .



پیشکش ہے...

اسماعیل "ہاجر" درمنا

عیسیٰ "بریم" درصفا

حسین "زہرا" دروفا

مہدی "نرگس"

سوسن - دربقا

"ع"

ازما...

سدا بر تو...

وارثت . آرم .
آیت . عالم .
سبیل . آمن .

سدا بر تو...

در هر سینه ام
در هر نگاه
و به هر نگاه

سدا بر مهدی...

از ازل تا به امروز
از زمین تا به آسمان
از ... تا

چرا؟؟؟

بعضی ها میگویند که :

چرا خداوند همه نظام هستی را درهم میریزد تا انسانی ویژه

حیاتی ویژه یابد ؟ ...

بعضی ها میپرسند که :

فلسفه وجودی حجت آخر در چیست ؟ ...

بعضی ها تردید دارند که :

رسالت غیبت در چیست و این همه انتظار چرا ؟ ...

بعضی ها در این اندیشه اند که :

یکنفر منجی چگونه میتواند به تنهایی تاریخ ساز جهان گردد؟

بعضی ها میخواهند بدانند که :

بزرگان غیر اسلامی و فلاسفه غرب درباره مهدی چه میگویند ؟ ..

وبالآخره غالب تحصیلکرده ها ، متجددها ، درس خوانده ها و با اصطلاح روشن فکران

جامعه مان تنها و تنها ملاک منطق را شعار خود کرده ، با اشاره به رابطه علت

و معلولی جهان هستی به زعم خود نارسائی دلایل مادی را در این زمینسه

به رخ میکشند .

وبعضی های دیگر

* * *

تلاش من از نگارش این دفتر ، جمع آوری اطلاعاتی در این خصوص و پاسخ گفتن

به گوشه هائی از این چراها است .

" ج - عباسی "

فهرست مطالب

- مقدمه

۴-۱

۲۴-۵

۱. فلسفه انتظار

انتظار مکتب سازش و مصلحت - انسان تسلیم - انتظار مکتب هوچی و تردید - انسان مسخ شده و از خود بیگانه - *ALIÉNE* خدا - ادیان و آدم در جامعه مدنی و شهری - انتظار مکتب اعتراض و مقاومت - انسان در ایدئولوژی اسلامی - خط ظالم و صف مظلوم و رسالت آیندو - انتظار در غیبت - حکومت های ایدآلی - رسالت شیعه در زمان غیبت - خودسازی و دیگر سازی - چه باید کرد و

۲. جهان در رابطه با مهدی ۲۵-۳۹

مهدی از دیدگاه قرآن - بیان پیامبر از مهدی - بشارات ائمه معصومین - نظرات ادیان دیگر - عقاید هندوان ، ایرانیان قدیم و یونانیان - نظرات جامعه اهل تسنن - فرقه وهابیان و مهدی - نظریه فلاسفه غربی - برتراند راسل انیشتین - کانت - مارکس - و

۵۴-۴۰

۳. ولادت

محیط اجتماعی - چگونگی تولد - سخن گفتن نوزاد - شهادت به عیسی - نامگذاری القاب مهدی - کسانی که مهدی را دیدار کردند - شهادت امام عسکری (ع) نقش خلافت عباسی - چرا سلاطین همیشه بظاهر طرفدار دینند - محاصره خانه امام - مادر امام در زندان و

۷۲-۵۵

۴. امامت مهدی

رابطه امامت با سن و سال - کودکان استثنائی - فلسفه غیبت - آغاز غیبت صغری سفر و نواب چهارگانه - متن نامه امام در مورد غیبت کبری - مسئولیت نایب عام - دلایل علمی و عقلی غیبت - غیبت از دیدگاه قرآن - چرا غیبت - آیا غیبت امری سابقه ای است - دلیل و راز طول عمر - نقش امام زمان در دوران غیبت - مستشرقین و خاورشناسان چه میگویند و

۵. مهدی نماها

چگونگی پیدایش مهدی نماها - قبل از تولد حجت آخر - مهدی نماهای زمان تولد منصور حلاج و دیگران - نقش استعمار جهانی و مهدی نماهای قرن اخیر - مبارزات روحانیت متعهد - جدائی دین و سیاست - فرقه های فرمایشی - باب و با بیگری بها و بهائیکری عباس افندی - شوقی افندی - دست نشانده های سیاست های استعماری ، روسیه تزاری - انگلیس - امریکا و اسرائیل - بها ئیان چه میگویند به چه معتقدند؟ چرا حمایت میشوند ؟ چه باید کرد؟

۱۰۸-۹۵

۶. شناختی از مهدی

خصوصیات مهدی موعود - نشانه های ظهور - خردجال و سفیانی و مهدی در کجا ظهور میکند؟ خصوصیات ظاهری - مشخصات یاران اولیه - پیام امام - جهان و مردم پس از ظهور - شکل دین و حکومت - فلسفه رجعت و زنده شدن مجدد شواهدی از قرآن و

۱۲۳-۱۰۹

۷. راهیان راه

یادداشت ها و برداشت ها - سمبل هائی از راهیان راه - سید جمال الدین سدا بادی - محمد اقبال لاهوری - مدرّس - دکتر علی شریعتی - آیت الله طالقانی و امام خمینی .

۱۳۵ - ۱۲۴

۸. فریادی در سکوت

۱۳۱

سخن آخر

۱۳۲

منابع کتاب

این کتاب ، آن نشد که باید •
 آن شد که شاید

به هوای مقدمه

روزگار عجیب و غریبی است و شاید همین عجیب و غریب بودن روزگار است که آدمی را دل خوش کرده است که امیدوار قدم به افق های دور بگذارد چه افق گرچه سرخ است و سوزان ، اما نشانه هایی از پایان سیاهی ها دارد و سیه کاری ها

روزگاری ترس از این بود که اگر آنچه در چنته داری ، بنویسی ، سرو کارت باقیچی است و سانسور و سین و جیم مفتش و بندوزنجیر گزمسه و امروز هم ترس از نوشتن است و کتابت ، منتهی در جهتی مخالف و رسالتی متضاد که بقول معروف " هر دو تا ترسانند اما این کجا و آن کجا "

ترس دیروز از این بود که مبادا نیش قلم ، خفته های خوش خیال را از خواب خرگوشی بیدار کند و به خود آرد و ترس امروز از این است که مبادا بیدارهای خفته از خواب قرن ها را منحرف کند و از خود بی خود که آن چه تلخ و ننگین بود و این چه داغ و شیرین

دیروز رسالت نوشتن و خلق الله مظلوم را سرگرم کردن در چند و چون شکل و شمایل حضرات از ما بهتران بود و خوی و خصایل و حسن و فضایل این و آن آنهم بر بنای علوم لطیفه و فنون ظریفه و قضایای خفیفه مربوط به شکم بی هنر پیچ پیچ یا نیاز زیر شکم گیج و ویج ولی امروز امالت قلم در خدمت خلق محروم باید و در راه شناخت خط حقیقت و آزادی و چرا که دیروز حکومت " ظل الله " بر سر داشتیم و امروز حکومت " الله " را در پیش این شد که از عده انگشت شماری از صاحبان قلم دیروز که بگذریم (که همه چیز را بجان و دل خریدند اما خریده نشدند) به روزگار سیاه دیروز دچار شدیم که خود میدانی و از همت راهیان حق و حقیقت به چنین روزگاری رسیدیم که خود می خواهی و این " رسیدن " و " خواستن " را چه قیمتی گزاف

پرداختیم ، دهها هزار کشته - دهها هزار زخمی

و این تاوان گران است که هرآدمی را در هر سنگری از " بودن " می ترساند و می لرزاند که مبادا قلمی تیره به خون آن بهترین فرزندان خلق کشیده شود و یا قدمی آلوده به راه آن پاک باخته ترین راهیان راه حق برداشته شود، چه امروز بر روی دریایی از خون نشسته ایم که می نویسیم ، می خوانیم و می خواهیم که در هوایی تازه ، تولدی دوباره یابیم و زندگی را آغاز کنیم و انسانی بشویم که " اشرف مخلوقات " شدن را شایسته است و جامعه ای "متعالی" بسازیم که هدف نهایی از خلقت انسان بوده است .

و وقتی در این مملکت تلاش و حرکت برای رسیدن به این هدف سرلوحه زندگی باشد باید بپاخاست و دور از های و هوی غربی و دنگ و ونگ شرقی هرکس بقدر همت خود همتی بکند و بار تعهدی را بر دوش که من بی همت هم ، تلاشی کردم در این جهت و در این خط ، آنهم با قلمی ناتوان و دانشی فقیر اما بادلای اسیر و دنیایی از امید تا چه قبول افتد و چه در نظر آید... و بر این هدف شد که به یاری سخن ها و دفترها ، برای شناخت رسالت انسانها " سمبل " را انتخاب کردم مهدی را

و هدف نهایی را شناسایی کردم حکومت عدل الهی - قسط و آزادی و وسیله تشخیص راه را از چاه اسلام راستین محمدی .

و مسئولیت هایمان را در این راه مبارزه مکتبی در راه رهبری .
 و اگر پرسید چرا مهدی را ؟ پاسخ ، ضرورت فعلی جامعه انقلابی و در راه اسلامی ماست که بیش از هر زمان دیگر نیاز شدید به شناختن واقعیت های اسلامی ما دارد اسلامی که بخلاف همه سیستم ها و مکتب های جهانی نظر به تجلی و شکوفائی معنویت انسانی دارد و حکومت حق را در پناه قانونی الهی و اخلاق انسانی غایت مقصود میدانند .

و حال اگر در زمانی هم دیده و یامی بینیم که جوامع اسلامی بخصوص

در قرون اخیر از قافله تمدن و ترقی اجتماعی فاصله داشته‌اند، عوامل مختلفی دست‌اندرکار بوده که از نقش استعمار - موقعیت جغرافیائی - فقر - وابستگی و خیانت رهبران این جوامع که بگذریم ، مهمترین مساله پشت‌پازدن و از پشت‌خنجر فروکردن به اصالت اسلام واقعی بوده است تحت نام دفاع از اسلام و دوستی با اسلام و و این درد قرن‌ها جامعه اسلامی محمدی است که از این دردها دلها ریش‌است و سرها پریش که پوستین دین را به تعبیر " علی " پشت‌روتن کرده است .

اسلام بخودی خود ندارد عیبی هر عیب که هست زنا مسلمانی ماست

که همیشه ادعای مسلمانی کرده‌ایم درحالیکه قدمی در راه " حر " شدن و " سلمان " بودن برنداشته‌ایم و دلیلش آن بوده که اسلام و اسلامیت نیاز به انقلابی مکتبی و بنیانی پیدا کرده بود تا از صورت مسخ شده و فرمایشی خود خارج شود و چهره نماید و اینک ما در آستانه این دگرگونی با تعهدی سنگین و راهی دشوار که شناخت سبیل این راه ضرورت زمانه ماست که در این دفتر به حکایت‌اش نشسته‌ایم .

روش این شناخت نه بر پایه ستایش بوده و نه پرستش (که این دو مخصوص خداست و بر هر کس دیگر که باشد کفر است و بت‌پرستی و شرک) بلکه نظر آن بوده که بآدیدی انقلابی ، دریابیم که این " سبیل " انسانی کیست ، و این رهبر اسلامی چرا هست ؟ مکتبش چگونه است ؟ راهش کدام است و هدفش چه ؟

بخصوص در این زمان که به پشتوانه " لاله های گلگون کفن بهشت زهرا " طلوعه قرن پانزدهم هجرت را شاهد هستیم و حکومت " علی گونه " - زبان های سرخ و سرهای سبز - رادر پیش‌رو داریم ، تعهد و رسالت اجتماعی ما بعنوان شیعه متعهد علوی در چیست ؟ آنهم نه فقط در حرف و شعار و تعظیم و تکریم بلکه در عمل و در حرکت و

و این تمامی کوشش من بوده است در این راه.....
 راهی که هدف (لاله‌الاله) است و وسیله " واعتصموا بحبل الله "
 ونه جبل مال و مقام و نه جبل زرو زور ونه جبل فردپرستی و بیگانه پرستی
 ونه هیچ جبل و ریسمانی دیگر
 و امید من بر داشت توشه‌ای از این رهگذر،.....
 از بادها نلرزیدن - چون کوه مقاوم بودن و بقول پدر طالقانی
 قابلیت انسانی خود را نشان دادن تا به الله رسیدن .

جمال - عباسی

بهار ۵۹ - تهران

۱

فلسفه انتظار

در ایدئولوژی اسلام

چرا انتظار ؟ ...
صبر انقلابی کدام است ؟
برنامه ها و هدفها ...

در این مقال ،

از اسلامی‌بیان می‌رود که :

نه اسلام عالمانه است و نه اسلام
عامیانه ، بل اسلام آگاهانه است ...

و از مسلمانی سخن دارد که :

نه مسلمان عالم است و نه مسلمان
عامی ، بل مسلمان روشنفکر است و
متعهد

و از انتظاری بحث دارد که :

"نه" گفتن است به آنچه که هست و
بدنبال رفتن به آنچه که درحقیقت
باید باشد ولی فعلا " نیست ":

" گزیده هائی از سخن زنده یاد شریعتی "

دیدگاه...

در کتابها خوانده‌ایم که مهدی موعود زمانی ظهور میکند که افکار پریشان بشر بسوی هدفی مشخص و والاتر مرکز شده و همه معبودهای دروغین، خواسته‌ها، تمایلات و علایق مادی بشری که لبریز از تباهی و فساد شده است، نتواند پاسخگوی نیازهای واقعی او گردد.

همچنین بسیار شنیده‌ایم که زمان ظهور جامعه بشریت در ظلم و ستم فرورفته به قهر و غضب گرفتار شده است بطوریکه تنها و تنها راه نجات ورهائی و بدست آوردن آسایش و آرامش روحی و جسمی در داشتن نظامی اجتماعی، در سایه حکومتی مردمی بر پایه فضیلت، تقوی، حق و حقیقت جویی امکان پذیر می‌گردد و از طرفی بشر با آگاهی به این موضوع بحد درشد عقلی رسیده و پذیرفتن چنین نظام و حکومتی را آگاهانه آرزو دارد و خود نیز آمادگی انجام وظیفه و ایفای نقشی در این گونه حکومت را پذیرا است و این مایه اصلی کار است.

در این بخش سعی ما بر این است که نشان دهیم برای رسیدن بآن زمان و تا ساختن و ایجاد کردن (شدن) چنان حکومتی انسانی و جهانی و مردمی و وظیفه و مسئولیت (۱) بشر در چیست و مهمتر آنکه مسئولیت و رسالت من و توی مسلمان در پناه نام "شیعه" و مذهب و تشیع سرخ علوی در چیست؟ (۲)

(۱) اینکه در اینجا به جامعه بشریت و مسئولیت آن اشاره میشود بدان جهت است که همه ادیان و مذاهب لزوم ایجاد چنین حکومتی را برای نجات بشریت ضروری دانسته‌اند.

(۲) در مقابل تشیع علوی، تشیع مسخ شده صفوی است که معجونی ساخته شده از رژیم حکومتهاست با اضافه قومیت با اضافه نصوص... این سه عنصر با هم درآمیخته و برویش یک پوشش فریبنده‌ای بنام تشیع کشیده شد که دشمن اراده، آگاهی و نفی تشیع راستین علوی است.... "تشیع علوی و تشیع صفوی دکتر شریعتی".

آیا فقط با اعتقادی نیم بند به مشتی اصول و احکام اسلامی و معترف (کمتر قلبی و بیشتر زبانی) به اصول دین بودن و فروع دین را کم و بیش مراعات کردن و در ستایش خدا و پیرو پیغمبر و ائمه اطهار و مذمت ائمه کفر، داد سخن دادن و مدح یا شعری ساختن و تحویل دادن کافی است؟ ... و درباره مهدی موعود، آن که برپائی حکومت و احداث باجارت خدا و قیام مسلحانه اش با همکاری مردم مؤمن و مبارز پایه می‌گیرد، تنها در زمان غیبت با انتظارش نشستن و یا گریه و نندبسه سردادن (که مثلاً فرج را با گریه و اشک نزدیک تر کنیم) معنی انتظار انجام و مسئولیت پایان یافته است؟! ... و اگر این صبر و انتظار فردا و یا هم اکنون با ظهور مهدی به پایان رسد من و تو بعنوان شیعه که مکتب و رسالتش در مبارزه حق بر باطل عنوان شده چه آمادگی جسمی و یا روحی، یا حتی ذهنی درباره پذیرفتن حضورش داریم؟ ... و ما که مشتاقان و اغلب آرزومندان طلب کرده و می‌کنیم که "یا صاحب الزمان بظهورت شتاب کن" تا در رکاب فرماندهی ات بعنوان سربازی مجاهد و جانبازی مبارز ادای وظیفه کنیم، آیا به سلاح و ابزار این قیام مسلحانه مجهز شده‌ایم؟ و اصولاً جنبه و خط و صف امام راستین را شناخته‌ایم؟ اصولاً چگونه آموزشهایی را در برداریم؟ برنامه کار چیست؟ رسالت شیعه متعهد در این باره بر چه پایه‌ای است؟ و بالاخره فلسفه انتظار در این برهه از زمان چگونه تعبیر و تفسیر میشود؟

در این جا فلسفه انتظار را از سه دیدگاه مختلف بطور بسیار مختصر بررسی میکنیم و سپس به ماهیت انسان منتظر و وظیفه او در زمان انتظار اشارتی میشود بدون آنکه اعتقاد بر این باشد که دیدگاههای دیگری وجود نداشته و یا قابل طرح نیست که معتقد اصولاً انتظار یعنی یک دنیا حرف و دود دنیا کار و برنامه

انتظار

مکتب سازش

متأسفانه بعضی از مردم انتظار را بمعنی غلط و برداشتی نادرست تعبیر کرده اند و معنی لغوی آنهم چنین بنظر میرسد که خود آگاهان به توسط دستگاههای مسئول در پرده ابهام و گاه در مسیری غلط و استعماری بکار گرفته شده است و یا چنین بخورد ما داده اند

تصور عام از انتظار و صبر در رسیدن بحکومت و احادیثی مهدی چنین است - مگر نه این که مهدی زمانی قیام میکند که جهان پراز ظلم و ستم و تبااهی شده است و مگر نه اینکه اگر فساد و تباهی کمتر باشد قیام مهدی دیرتر تحقق پیدا میکند پس باید دو کار کرد :

۱- نخست آنکه ز طرف هر کس و یا هر گروه و یا هر مقام و منصبی ظلم و ستمی بر ما وارد شد و بر آن شدند که این ظلم و ستم را تا آنجا بکشانند که مال و جان و ثروت و ناموس و حق و حقوق و حتی حیثیت اجتماعی و اخلاقی و ملی ما را زیر پا بگذارند نه اعتراض نکنیم و معترض آنها نباشیم ، بلکه کاری کنیم که این جباران و از خدا بی خبران (که خدا خودش آنها را بعداً در روز قیامت عذاب خواهد کرد و در جهنم کیفر میدهد) دامن ستم و ظلم خود را وسیع تر و بیشتر کنند تا بسطج جهانی و لزوماً ظهور امام زمان منتهی شود (۱) !!

دوم - مگر نه آنکه برچیدن هر نظام ظلم و فساد و در نهایت با قیام مسلحانه صاحب الامر میباید و کارها هم همه دست خداست ، پس باید صبر کرد و منتظر شد تا مصلحت و رأی خدا " هر زمان که خود خواست (و بما هم هیچ مربوط نیست که مداخله در کار خدا بکنیم) بر ظهور حضرتش قرار گیرد و آن روز فرا رسد و خدا خودش بوسیله امام زمان

(۱) از نظر فرقه اشاعره که فرقه ای اسلامی نیز هست انسان در دنیا مجبور است نه مختار و جمیع کردار و رفتار را و بقضا و قدر خداست بنا بر این خدا زما مداران را مجبور بظلم کرده و ما هم باید در مقابل ظلم آنان سکوت کنیم !!

کارها را راس و ریس کند و ظالمان را بَدْرک و اصل فرما یدوما مظلومان و محرومان و ستم کشیده های ساکت و سربیزیرا، بهشت عنبر سرشت عنایت فرما یدو در کنار حوض کوش و با حوریان پری پیکرو!....." (ذُرچنین جوامعی با چنین برداشتی است که افراد یا گوشه گیر و منزوی میشوند و یا خشکه مقدس و زاهد نما.... آنوقت جامعه شَلَم شوربای مسخ شده ای درست میشود با بدندان سردمداران آنچنانی که..... مسلمان نشنود کافر نبیند!... که متأسفانه دیده ایم و شنیده ایم!) اینان بقول خود با تکیه بر مشیت الهی و رضای پروردگار و اینکه نباید در کار خدا دخالت کرد که کوشش بیفایده است و سمه بر آبروی کور!.... اینان حتی گاه میگویند در خواست تعجیل در امر ظهور امام زمان هم از درگاه خداوندی کار غلط و گناه است و دخالتی در نظام الهی است و بنده گنه کار و روسیاه ناقابل راجه باین فضولی ها چه بقول سعدی هر چه رود بر سرم چون تو پسندی رواست!... اطلاً اگر شما منتظر امام زمان هستید و میخواهید زودتر ظهور کنید خود عامل فساد باشید و فساد را رواج دهید که خود علتی برای زودتر شدن قیام نهایی باشد! چرا که شاعر شیرین سخن فرماید!...

دردلدوست بهر حیلہ راهی باید کرد طاعت از دست نیاید گنہی باید کرد!
 در این مکتب و شناخت، فلسفه انتظار، بذرتسلیم، بی تفاوتی پاس و حرمان و در نهایت سازش را در دلها و مغزها میکارد.

" این طرز تفکر درباره انتظار توسط استعمار و امپریالیست های جهان خستوار و آیادی مذهبی نمای آنها برای کشورهای مسلمان جهان سوم تدارک دیده شده است تا حکومت های دست نشانده خود را در جهت منافع استعماری خود و با استعمار توده ها و نابودی اسلام راستین برپا دارند."

انتظار

مکتب پوجی

در جوامع شهری جهان اسلام و بخصوص جوامعی که مظاهر تجدیدخواهی مادی و دستاوردهای جهان سرمایه داری - غرب زدگی - بنیان و اساس اجتماعی آنها را درهم ریخته و زندگی مردم از انبوهی مسائل و مصائب مادی تشکیل شده و فکر و ذکر و هم و غم و خواست جامعه در هدفهای تجملی و خزعلات نظام سرمایه ای - بورژوازی با ابزار "مدیرستی" و "شهرت طلبی" "تیترو مقام تحصیلی" "میزو ریاست" "ماشین و خانه و فرش و ... " خلاصه میشود و آنهم به روشهای مختلف زد و بند و با نند و دوز و کلک و شانس و اقبال و اقساط و قرعه و!

در این جامعه اصولاً انتظار تجلی دیگری دارد. اذهان این گونه توده ها که گاه ادعای روشنفکری در جامعه و مدنیت - شهری - را دارند (که در واقع از روشنفکر بمعنای واقعی آن فرسنگها فاصله دارند) زیرا بقول آن بزرگ دیگر "روشنفکران متمکن کد پول و پست و مقام دارند در فکر و اندیشه اغلب انقلابی اند و چپ اما در عمل محافظه کارانند و راست ... و این ازدواج شخصیت رامیتسوان در بسیاری از کسان درک کرد. " قدری با طرف خود توجه کنید بقول صمد بهرنگی اغلب شده ایم آقای چوخ بختیار! ..)

این شبه روشنفکران کوله بار بی مذهبی و یا گاه ضد مذهبی را با بادی در غیب و ظمطراقی در جامعه بردوش می کشند چنان در مسائل مربوط بخود (در گذشته و حال و آینده) مشغول میباشند که گاه حتی از مسائل شخصی و خانوادگی خسود بیگانه اند! همسایه دیوار به دیوار خود را نمیشناسند تا چه رسد به شناخت دردا و ...

مسأله جامعه و همگامی، در چاره راه و عنایت به عقاید و اندیشه ها و ...

اگر تنها به نوشته های مرحوم جلال آل احمد در "غرب زدگی" و "خدمت و خیانت" روشنفکران" مراجعه کنید درمی یابید که با چه خون دلی از این گروه یسار میکند. بیگانه با مردم، بیگانه با خدا و دین و مذهب، بیگانه با رسالت و تعهد

ملی - بیگانه با خویشتن خویش و بیگانه با....

روشنفکر فرنگی مآب است و لامذهب و یا هرهری مذهب و در اختیار دارنده پسرول

نفت و ...

البته فراموش کردن نکته‌ای دور از انصاف است که در همین جوامع بی بند و بار و عصیان زده و هر دم میل گاه جرقه‌هایی از امید - ایستادگی - مقاومت و مبارزه بصورت " نهضت‌های انقلابی و آزادیخواهی " بروز کرده است که رسالتی را نیز بعهده داشته‌اند که متأسفانه در میان‌های وهوی و جنجال و تبلیغات فرمایشی بهزارویک حلیه و نیرنگ یا گم شده و یا نابود شده است .

چه بقول استاد شهید شریعتی که در تعبیر وضع زمانی نه چندان دور گفت :

« امروز نهضتی که در کشورهای اسیر بپا خیزد تفسیرش

این است :

« اگر منافع آمریکا را تهدید کند دست آورد کمونیسم

است ! »

« اگر به کمونیست بتازد ساخته ی آمریکا است ! »

« و اگر به هر دو تاخت موجی است که از انگلستان و فرانسه

برانگیخته !!

« و اگر به آمریکا و شوروی ، انگلیس و فرانسه همه یکجا

حمله برد آن وقت است که نهضت فاشیست است و

مرتجع !! ... (۱) »

در این مکتب ، انتظار ، دامنه دیگری دارد و حدیث دیگری ...

- انتظار غروب شدن - دست از کار کشیدن ، رفتن ، خوردن و خوابیدن .

- انتظار پایان اقساط زمین و خانه و خریداشده و ماشین قسطی .

- انتظار آخربرج - حقوق گرفتن - ارتقاء گروه و پایه ورتبه و اشل و مرتبه
- انتظار پایان سال تحصیلی و گرفتن ورقه قبولی دیپلم و لیسانس و دکترا ...
- انتظار بزرگ شدن فرزند - ازدواج کردن و با صلاح خوشبخت شدن و بچه دار شدن .
- انتظار صف تا کسی و اتوبوس و نان و گوشت و سینما و ...
- انتظار برنده شدن در بانک فلان و گرفتن امتیاز مناقصه بهمان .

.....

خلاصه در این بازار مکاره منتظران هر یک بنوعی سرگرمند و جملگی در این سرگرمی سرگردان !

- کارگر با انتظار دریافت حقوق بیشتر و کارفرما با انتظار ارزان شدن دستمزد و استثماری بیشتر کارگر .

- سیاست با زبان انتظار بر موقعیت حزب خود و شکست رقیب و از یاد آمدن آن .
- کمونیست با انتظار حذف آرزوهای فردی رفقا و متحد شدن همه طبقات جا معسه در لَوای " پرولتاری موهوم " در اتحادیه های رنجبران و زحمتکشان تحت ستیم !
- امپریالیست و کاپیتالیست با انتظار حکومت جهانی استعماری بر همه کشورها و اعمال سیاست اقتصاد بسته و وابسته و جهان خواری هر چه شدیدتر و چپاول هر چه بیشتر در پناه زور و تقلد ری

ی
- دمکراتیسم و لیبرالیسم با انتظار آزادی بخشیدن به خواسته های مادی انسانها تحت ستیم با تئوریهای مشعشع و مطمئن .

- ورهبران و پادشاهان مستبد طالب آوازه و شهرت با تکیه بر حکومت سرنیزه و شکنجه و ترس با انتظار خفقان خلق ها و نگهداری تاج و تخت و آریکه خدادادی . (۱)
- در این مکتب انتظار بقول فلاسفه تنها " انتظار " در خود است نه انتظار از خود .

تنها خودخواهی، خودطلبی، خودپسندی است و بس و قاجعه آمیز اینکه این خود نیز نمیتواند حتی تا مرحله "خودشناسی" پیش رود و همه آنچه بزعم خود به اراده

(۱) تربیت در حکومت استبدادی عبارت است از توس با ضافه سپردن چند اصول ساده مذهبی بذهن مردم - روح القوانین - مونتسکیو .

و خواست خود می خواهدومی طلبدومی پسندد در حقیقت خواستی است دیکته شده از عوامل بیرونی - بیشتر استعماری - است نه درونی و او در واقع بنسبده و فرانبردار و مصرف کننده عوامل دیگری است نه خویشتن خویش (مساله مد و پرداختن ، مدیریت و ایجاد جوامع مصرفی از اینجا پایه میگیرد در چنین جوامع است که انسان خودش نیست و *Aliene* - عوضی شده است . شخصیت و هویت خود را کس کرده و مسخ شده است - به بیان هگل - مارکس و هربرت مارکوز درباره الیناسیون توجه فرمائید . . . نمونه بارز الیناسیون را در فیلم گاو و نقش شهدی حسن دیدیم .

در این نوع جوامع نیز که متأسفانه تحفه تحمیل شده جهان خواران استعماری به کشورهای اسلامی جهان (مخصوصاً کشورهای که دارای ذخایر غنی ملی و طبیعی هستند) همه بنیان ها و نهادهای جامعه بر پایه کمیت و مادیت بنا شده و میانی عقیدتی ، مساله متافیزیک ، فلسفه وجود آدمی ، خدا و نیازهای جامعه - اصولاً با فرا موشی و بیگانگی سپرده شده است و یاد رسایه همان سیاست های استعماری و استعماری دین و مذهب و میانی اصیل عقیدتی در پرده اوهام و ابهام و خرافات و دسته بندیهای کاذب مسلکی و مذهبی چنان پیچیده میشود که شناخت حقایق دینی و مذهبی از آنچه بعنوان آن اعمال و یا عنوان میشود بس مشکل خواهد بود و اینجاست که آدم و امیما که کدام را انتخاب کند و کدام را رها ؟!

در چنین جوامعی است که معمولاً ادیان و مذاهب جدید استعماری چون قارچ و علف هرز روئیده میشود و مهدی نماهای قلابی هم بمدد ویاری استعمار یکی پس از دیگری به آشفتنگی فکری مردم و پریشان فکری آنان مشغول میشوند و جنگ هفتاد و دو ملت و فرقه و مسلک را باعث (که انشاء اله باین آشله قلمکار و دست پخت از ما بهتران در بخش های بعدی اشاره ای خواهد شد !)

در اینجا که انسان در هرچ و مرج فکری و آنارشیستی عقیدتی کامل سوق داده شده مساله انتظار ، بذر شک و تردید ، سرگردانی و واماندگی ، بیهودگی و ناباوری

رأنتیجه میدهد و هر هری مذهب عالیترین مذهب میشود!.....

انتظار مکتب مقاومت

از دیدگاه قرآن و در مکتب اسلام راستین ، انتظار نه بمعنای نفی همه ایده آل ها و آرمان ها (بلحاظ عدم توانایی در برابر طاغوتیان زمان و حاکمیت آنها) معنی شده است و نه بمعنایی بی تفاوت بودن و تهی شدن از حقیقت زندگی و آینه شده پر بار آن (بلحاظ گرفتار شدن در مسائل مادیگری و تن پروری) و نه نشانه ای از مصلحت اندیشی ، در خاموشی و انزوا گذران کردن است و نه راضی به قضا و قدر و سرنوشت و بخت و اقبال و تمادف و ... بودن و در ایدئولوژی اسلامی ، انسان موجودی ، آرمان خواه و سازنده - اجتماعی و مدنی - آزاد و مستقل معنی و تفسیر شده است .

انسان ، آرمان خواه و طالب است زیرا اگر روزی برسد که بشر به همه احتیاجات و نیازمندیهای مادی و معنوی خود برسد خود را فنا شده احساس میکند زیرا از تحرک و پویایی بازمی ماند و انسان اجتماعی است زیرا نمیتواند بر هر آنچه روان و جسم و تمایلات اومی خواهد و زندگی اش تقاضا میکند به تنهایی دست یابد و اصولا نیازهای او در جمع و جامعه مطرح شده است که اگر در انزوا و گوشه نشینی بسربرد در قوام و دوام جامعه انسانی " که در سایه همکاری و همراهی و همفکری بدست می آید " نقشی ندارد .

و انسان آزاد اندیش و مستقل است زیرا با اتکاء عقل و خرد خویش در تکاپوی ابراز لیاقت و شخصیت ذاتی یا اکتسابی خود در جامعه (از طرق مختلف از جمله کسب علم و معرفت) و تکامل بخشیدن به آن (از راه مبارزه درونی یا مبارزه بیرونی) است چه خرد انسان وجه تمایز او با سایر موجودات است و بعبارتی اسباب اشرف مخلوقات بودن او ...

این انسان با این خصوصیات (متحرک - مدنی - مبارز) نه میتواند تسلیم به سرنوشت خود و هر آنچه برای او مقدر است (و یا مقدر میکنند) باشد و نه میتواند تنها با اتکاء

به ماده و ماد دیگری و بنده و برده جسم و تن (نه روح و روان) خود باشد از طرفی در جامعه انسانها همیشه دو گروه در مقابل هم قرار داشته اند .

ظالمان و مظلومان - ستمگرو ستمکش - حاکم و محکوم - طاغوت و مستضعف (۱)
یا باید در صفا اول قرار گرفت که صفا قابیل است و نمرود . فرعون و نرون ، سزارها
و تزارها - یزیدها و زیاده ها - ویاد در گروه دوم که هابیل است و موسی ،
ابراهیم و محمد ، حسین و ابوذرها . . .

[اگر در این تقسیم بندی آدمهای باری بهر جهت و چندرو و چند شخصیتی (منافقین)

را نیاوردم بدان دلیل است که اعتقاد دارم زیان و ضرر و نقش این گروه از مردم
(که حزب باد و دسته هر دمبیل را شامل میشوند) اگر ا ز ظالمان بیشتر نباشد یقیناً
کمتر نیست - ظالم حداقل جهت و خط مشخص دارد و تکلیف در برابرش معلوم است ولی
این نادر و پیش ها چی . . . ؟]

تاریخ نشان داده که ظالمان و ستمگران گرچه ممکن است مدت ها با تکیه بر زور و زور
تزویر دنیا بکام شان باشد و مظلومان و محرومان تابع و مطیع و محکوم به فرمان
و اوامر اربابان زور و زور . . . ولی چون تکیه گاه این حکومت های استبدادی بردوش
همین توده های رنجبر استوار شده دوام و بقای آن چندان اعتباری نداشته و ندارد
مظلومان ستم کشان و رنجبران نیز آنگاه توانسته اند به سرنوشت خویش مسلط

(۱) امام خمینی دسته بندی ظالم و مظلوم را بر اثر نظامات اقتصادی ظالمانه ای
میداند که استعمارگران و عمال سیاسی استعمار آنرا بوجود آورده اند . ولایت فقیه
صفحه ۴۲ ببعد . . .

(۲) منتسکیو میگوید ؛ اساس حکومت استبدادی لاینقطع فاسد میشود ولی خونریزی و
قلدری تا چند صبا حی میتواند از متلاشی شدن ارکان حکومت جلوگیری کند .
روح القوانین صفحه ۲۴۴ .

باشند و به آرمانخواهی (۱) جامعه اجتماعی و آزادی دست یابند که بپاخیزند و قیام کنند و علیه هر آنچه گروه اول برای آنان بعنوان "مقدرات" تعیین و تکلیف کرده اند مبارزه کنند گرچه سلاح طاغوتیان در این نبرد نابرابر توپ و تانک و مسلسل در پناه پول و خیانت و جنایت باشد و ابراز مستضعفان و رنجبران مشت های گره کرده، اراده استوار و پولادین در پناه ایمان - استقامت و شهادت (بیاد آوریم نبرد نابرابر استعمارگران انگلیس با مردم هند - مبارزات مردم کنگو با استعمار بلژیک - مبارزات استقلال طلبانه مردم الجزایر در برابر استیلای فرانسه و مبارزات قهرآمیز مردم کوبا - ویتنام - فلسطین ایران و ... با استثمار امپریالیست آمریکا و ... این مبارزات یقیناً با شدتی بیشتر ادامه خواهد داشت چه اگر نباشد مرگ انسانیت آدمها فرار رسیده است

در این مبارزه پیروزی نهایی با گروهی است که ایمانش به "الله" است کسسه هستی اش از او سرچشمه میگیرد. استقامت و پایداری اش از هدف انسانی اش که در هیچ نظامی «ما لا خوبي مقهور پلیدی و خیر برده شرنیست» ناشی میگرد و شهادت و شها متش پیروی از مکتب رهبران و رهروانی است که به عناوین مختلف رسول، بنی - امام و پیشوا از جانب مظهر خوبی و روشنائی - خدا - برای راهنمایی او در نظر گرفته شده است (۲)

و اینک در زمان ما، زمان غیبت، ضمن آنکه اصل اول این مبارزه - ایمان

(۱) هر انسانی در عمق فطرت خویش همواره آرمانخواه و آرزومند است. در آرزوی مطلق - بی نهایت ابدیت - ازلیت - روشنائی - جاودانگی - بی مکانی بی مرزی - بی رنگی - آزادی - نخستین آغاز - آخرین انجام - غایت غاصب کمال مطلق - یقین - عشق - زیبایی - پاکی و خیر مطلق منتهی بایددید شخص "من" به کدما میک از این آرمانها آرزومند است و چرا؟ برای چه و چگونه دگر علی شریعتی .

(۲) سوره انبیاء آیه ۷۳ .

میباید در میان قشرها و توده‌های محروم جامعه - آنهم ایمان بد ذاتی بی نیاز و نیرویی لایزال و تکیه‌گاهی متعال و مطمئن - خدا - بطرق مختلف (کسیسه دستورات آن در کتب آسمانی آمده است) ایجاد شود؛ مسأله استقامت و پایداری و اعتراض به وضع نابسامان موجود جامعه انسانیت، مسئولیت دیگری است برای بدست آوردن پیروزی نهایی و تسلط قوای اهورائی محرومان بر لشکراهریمنان که اینک در پرتوانتظار و صبر تعهد سنگین اش را عهده داریم

انتظاری سرشار از جنبش - حرکت و صبری لبریز از استقامت و امیدتایا با احساس و وحدت نیروهای ستم‌کشیده و محروم جهان اداره امور مردم - حکومت - را این توده‌های مردمی در دست‌گیرند که در آن نظام اداری و حکومت انسانی هر آنچه هست و باید باشد در جهت خیر و صلاح مردم مبتنی بر صفات ملکوتی و انسانی در حد مطلق (خیر - کمال - خوبی - حقیقت - عدالت - آزادی و)

و اساس اداره آن بر پایه قوانین و دستورات الهی و خدایی است .

و این همان حکومتی است که در ایدئولوژی اسلامی (اسلام نه عنوان مجموعه - فرهنگهایی از علوم و فنون و قوانین بلکه یک بینش - حرکت - روح سازنده و مسئول و متحرک) چنان بدان اهمیت داده شده است که در انتظار فرج عامل و حامل آن (مهدی علیه السلام) چشم بر راه بودن، نیز فضیلت جهاد و شهادت در راه خدا را دارد . (۱)

و این همان حکومتی است که افلاطون از آن بعنوان مدینه فاضله یاد میکند .

توماس کامیلانا بعنوان کشور خورشید و توماس مور آنرا بهشت موعود می بیند و ژان ایزوله، مدینه طاهره .

و این همان آرمان سقراط و جامعه پیشنهادی اگوست کنت و جامعه ایده آل - کمونیستها است که در آن طبقه و دولت انتصابی ظاهرا وجود ندارد (جامعه بی طبقه) و این همان دنیای اخلاقی برتر اندر اسل است .

(۱) از حضرت علی پرسیدند: کدام عمل نزد خدا محبوبتر است . فرمود انتظار فرج

به گفته این فیلسوف انگلیسی انتظار ما رکس همان انتظار مسیحیان است برای رجعت مجدد مسیح (که در کتاب مهدی شمشیرخواهدزد) (۱)

رسالت ما در زمان غیبت

با مروری بر آنچه آمد وظیفه مسلمانان و بالأخص شیعه در زمان غیبت بطور کلی در دو مورد خلاصه میشود : اول انتظار و امید دوم خود ساختن و دیگر سازی در دوران انتظار . انتظاری که تشیع سرخ علوی بر آن صحه میگذارد ، انتظار پیویا متحرک و سازنده است . برای رسیدن به وضع مطلوب و کمال انسانی . انسان در این مسیر نه تنها بر آنچه بر او و جامعه اش میگذرد نیاید بی تفاوت - و یا تسلیم محض و سازش پذیر و مصلحت اندیش باشد بلکه باید با مبارزه سنجیده و حرکت و کوشش آگاهانه و حساب شده خود بر هر آنچه نا مرادی و نا مردمی است معترض باشد (البته شکل و چگونگی این اعتراض متفاوت است و بستگی به زمان و مکان و نحوه عمل کرد دارد ولی اصل اعتراض یکی است) . و آن را نفی کند و بقول شهید بزرگ شریعتی :

" در رسالت شیعه متعهد مسلمان آگاه و انسان روشن فکر ، انتظار یعنی " نه " گفتن

به آنچه که هست و بدنبال رفتن آنچه که در حقیقت باید باشد ولی فعلانیست "

فلسفه انتظار در مکتب اسلام مفهوم مادی و شخصی و پوچی و تسلیم را نداشته و ابعاد بسیار گسترده دارد .

(۱) آلبرکامو با آنکه فردی بی اعتقاد ب خدا است فلسفه بودن را در اعتراض میدانند او میگوید (من اعتراض میکنم پس من هستم) این بودن را دکارت با (من می اندیشم پس من هستم) و آندره ژید با " من احساس میکنم پس من هستم " بکار برده اند .

در ایدئولوژی اسلام انتظار:

- انتظار نابودی همه رژیم ها - سیاست ها و مسلک های غیراسلامی و ساختگی است .

- انتظار نابودی فقر، جهل و نادانی است .

- انتظار ریشه کن شدن (کردن) فساد - پلیدی و اهریمنی است .

- انتظار رفع اختلافات و تبعیضات ملی - دینی ، مذهبی و جغرافیایی است .

- انتظار دارا شدن همه مظاهر پاک و باب الهی و انسانی است .

و انتظار رسیدن و داشتن حکومت و ارکان اجتماعی جهانی حق و عدالت

توحیدی به رهبری انسانی دلسوز، آگاه، صالح، رشید، بصیر و معصوم است .

و اینگونه انتظار است که من و تو را بعنوان پیرو محمد و سالک راه علی و رهرو راه حسین

و ابودره میبواند محکم، مقاوم، نفوذناپذیر، مستقل، بلدهمت و امیدوار

و انقلابی تربیت و پرورش دهد .

این انتظار لفظ نیست، گفتنی نیست، شعار نیست .

عمل است، حرکت است، جهاد است، مبارزه است و شهادت

ولوانکد برای رسیدن بدایی هدف بقول آن بزرگ ضرورت باشد " همد ایام را

محرم، همه روزمان عاشورا و همد خاکمان را کربلا کنیم " که مکتب را سیب

اسلام واقعۀ عاشورا را مطلبندۀ استان اصحاب کعبه را! . . .

دوم: خودساختن و دیگرسازی:

دیگر از وظیفه تبعید در زمان غیبت آماده شدن به ابزار و سلاح و هر آنچه لازمست

شرکت فعال یک سرباز واقعی و انقلابی و آگاه در ارتش بزدایی و پیام مهدی است /

در آماده شدن و خودسازی ابتدا باید خویشتن خویش و نفس عماره را از هر عیب و نقص

و پیروی ارهوی و هوس شیطانی پاک بداریم و پس از غلبه بر آن و شناخت واقعیت

انسانی خویش با خلوص نیت و معای باطنی به سلاح ایمان مجهز و رسالت انسانی و

(۱) مبارزه با نفس آنقدر در اسلام اهمیت دارد که آن را جهاد اکبر بزرگ میدانند .

اسلامی خود را در مقابل پلیدی ها و آلودگی ها با شیوه مقاومت و مبارزه استادکی کنیم و در ایجاد - ابزار و دفاع ارحق و حقیقت مجاهد و کوشا باشیم و این راهی است که بشر این حیوان ناطق، این حیوان خدائی و به تعبیر قرآن این ترکیب دویی نهایت (روح خدا + کل متعفن) در پیش رو دارد تا با فاصله گرفتن و هجرت از نفس شیطانی و یکی نهایت حفیروضعیف و پست خود (حماء مسنون و ملصال کالغفار = کل متعفن و سفال کوزه کری) بد آن بی نهایت دیگر خویش که بس با شکوه و عظیم است (روح خدا) برسد و بجائی صعود کند (۱) که بقولی:

"رسد آدمی به جایی که بجز خدا سبید...."

و راه رسیدن از لجن بد روح خدا "مذهب" نام دارد که یک وسیله است - یک مسیر است و یک راه، نه یک هدف و "منظور" و مقصود. (۲)

همزمان با تلاش در اصلاح و شناخت و رسیدن به خویشین خویش (البته منظور خویشین خدایی بد خویشین شیطانی و لجن) و طبعاً دیگر مسلمان متعهد و مومن بد دیگران پرداختن و دیگر سازی است که در کلیه احکام و قوانین اسلامی بازگونده است.

بعبارت دیگر مسئولیت مسلمان و تبعید تنها بفکر خود بودن - خود رستگاری شدن و کلیم خود را از آب بیرون کشیدن نیست و رسالت و وظیفه وسیع تری را اسلام برای او تعیین کرده است. (۳) (چه اسلام سخن ارماها دارند من ها....) که با محصور نوجه اهمیت به آموختن دیگران و نوجه به حق و حقوق پدر - مادر - خویشان - همسایگان - هم کیشان و در نهایت بنی نوع آدم شکوفایی این رسالت روشن میشود و آنچه نوجه به علم و "عالم" نه (صرفاً عبادت و "عبادت") ارهمین رهگذر ناشی

(۱) خلف آدم تضاد خدا - ایللیس - کتاب اسلام شناسی دکتر شریعتی.

(۲) بسیاری از عقاید کدکیها و بدبختی های مسلمانان و شیعه در همین نکته است که با سرداشت و آموزش غلط از مذهب آنرا هدف دانستیم و نه وسیله و راه و از اینجا است که هدف اصلی "توحید" را فراموش کرده ایم.

(۳) به فروع دین توجه کنید در تکمیل نماز - روزه - خمس و امر بمعروف و نهی از منکر آمده است که در جامعه مطرح است در ارتباط با دیگران.

میشود ، چرا که عابد تنها بفکر نجات خود است و بدر بردن کلیم خویش از مسجوع طوفان و تلاش عالم در اندیشه نجات دیگران (۱) و این توجه به دیگران خود - عبادتی والا و پرا راج که بعبارتی ، عبادت بجز خدمت خلق نیست

این خدمت کردن، خود برای هدفی برتر و کلی تر آمده است که در نهایت با همکاری و همفکری برپایی سیستم و نظام و حکومتی بر اساس قوانین الهی که در شکل کامل آن حکومت مهدی موعود است که بر آحاد و افراد جامعه بشری نوپدید داده شده و منتظر آنیم ...

انسان منتظر

با توجیه مطالب فوق بد این فرمایش پیا میریزد اسلام پی میریم که چرا بسا فصیلت ترین جهاد است را در انتظار فرج و منتظر بودن عنوان کرده است .

(أَفْضَلُ جِهَادٍ أُمَّتِي أَنْتَظِرَ الْفَرَجَ) .

ببینیم این منتظر حقیقی کبست کدام سجاد پاداش منتظران حقیقی را برابریا پاداش هزار تن از شهدای جنگ بدر واحد دانسد است .

منتظر حقیقی کسی است که :

- با فراگیری و عمل به معارف دین و قرآن اعتقاد خود را محکم کند .
- با رفتار و کردار و گفتار سنجیده و اخلاق پسندیده از یلیدبها حذر کند .
- با مبارزه بی امان سختی های زمان عیبت را در جهت توحید - رسکاری و سرفرب دین و جامعه اسلامی سامان بخشد .
- با تلاش و کوشش بی امان، ضمن شناخت و آگاهی دادن مسائل اسلامی بددیکسوان .
- با افکار و اندیشه های استعماری (چه شرق تخدیری و چه غرب ماشینی) و عدم انکاء

(۱) گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود
گفت آن کلیم خویش بدر میرد در موج
تا اختیار کردی از آن این فریق را
وین جهد میکند که بکیرد غریق را -

(کلستان سعدی) .

به آن به جامعه خود وحدت بخشد .

- از انجام هر عمل نادر و زشتی که موجب آزار و ستم دیگران میشود پرهیز نموده و دست و پا و قلم و قدم و عملش در راه حق و حقیقت عمل کند و خود صالح باشد .
- با کار و تلاش ضمن تأمین زندگی سالم و صحیح خویش تکیه گاهی مطمئن برای

اقتصاد جامعه خود باشد . (۱)

- با فداکاری و ایثار و مبارزه‌ای مکتبی برای احیای توحید و دفاع از حریم دین و دیانت حافظ و پاسدار اسلام راستین باشد . (۲)

- با صبر و شکیبایی (صبر ضد عجز نه بمعنی تسلیم و رضا و سازش) در برابر مشکلات و ظلم و ستم تا زمانیکه زمینه مستعد برای مبارزه و جهاد و حمله به دشمن آماده نشده ، مقاومت و پایداری خود را از دست ندهد ، تا ایجاد فتنه و آشوب و درنهایت پیروزی دشمن نکرده (تقیه خودیکی از اعمال این روش است) .

- با ایمان و اعتقاد به پیروزی نهایی حق بر باطل زشت کاران را به امر معروف و نهی از منکر تشویق و ترغیب کند .

- با فراگیری علوم و فنون ضروری و معرفت علمی و دینی به مقدسات مذهب (نه خشک مقدسی و گوشه گیری و ...) با وضوی شهادت و با کمال نها ~~مست~~ و پاسدار امامت آماده و کوش بفرمان مصمم و مسلح با درود بسیار و ناله و

(۱) در کلیه مکتب‌های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی کاریکی از ارکان اقتصاد عنوان شده است (کار - سرمایه - طبیعت) در مکتب اسلام و بیان قرآن کار و عمل چنان اهمیت دارد که از ۱۲۸ مورد وعده بهشت ۸۴ مورد شرط ورود به بهشت را ایمان و کار صحیح و ۷ مورد بذكر کار و عمل تنها قناعت شده است . کار در اسلام - مهندس مهدی بازرگان اعتبار و ارزش کارگزاران را این‌چنین بیان و عمل بیا مبر دریا بید که پیا مبر بزرگوار اسلام از دودستی که بر آن بوسه میزند یکی دست پینه بسته یک کارگر است ، نه دست بیکاره‌ها - مفت خورها - حراف‌ها و سربارها ...

(۲) اسلام را عرضه بدارید و در عرضه آن به مردم منظر و واقعه عاشورا را بوجود بیاوید ولایت فقیه - امام خمینی .

استغاثه بدرگاه الهی آماده شنیدن ندای جهانبخش " جَاءَ الْحَقُّ وَذَهَقَ الْبَاطِلُ باشد.

.....

وبرمن و توی شیعه متعهد است که در این خطه‌ها که خط سرخ شهادت و صفای امام راستین و برحق است پیوسته پاسدار، همیشه بیدار و همه وقت هشیار باشیم و تا آخرین لحظه زندگی مقاوم، درس‌گرخون و شهادت و نگهبان حماسه پرشور انتظار و لویه فرمایش امام صادق، به داشتن یک‌نیزه... و سراپا فریاد باشیم.

فریادی همانند فریاد درحرا، مکه، مدینه، احد
قادسیه، بیت المقدس، کربلا و... که زندگی
عقیده است و جهاد.

و با امید به نتایج این فریادها بنگریم.

در امریکای سیاه - افریقا، اندونزی، الجزایر،

فلسطین، اریتره، فیلیپین، افغانستان و ایران

و پیروزی‌های پابرنه‌ها، آواره‌ها، مظلومان، و چرا که اینان از تاریخ بی‌فردا فردائی تاریخ سازی سازند. و این جبر تاریخ است که زمین را بندگان شایسته خدا وارث و نگهبان باشند. (۱)

بندگان چون موسی، ابراهیم، محمد، علی، حسین

اباذر..... و مهدی

بذرا انقلاب در چنین انتظاری است که این انتظار صبری است انقلابی و توأصو
بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ.....

(۱) قرآن آیات ۱۰۵، سوره انبیاء آیه ۱۲۷ - سوره اعراف و ۵ - سوره

۲

اسلام و جهان

در رابطه با

مهدی

سخن اولین ...
دیدارکنندگان مهدی
حکومت‌ها و امامت‌ها ...
.....

"تاریخ ورق میخورد و آسمان دوباره سبک میگردد و از"
 "شهوآت تهی می شود، شاید سپیده این صبح روشن،"
 "فردا از افق این سو، از افق شرق برخیزد کوه"
 "خورشید نیز از آنجا می دمَد"
 "و در آن هنگام انسان شکست نایافته، میراث از"
 "چنگ رفته خود را دوباره به چنگ آورد"

"تاگور"

درباره تولد - وجود و ظهور قائم آل محمد (ص) و آثار نوشته‌های محکم و صحیح، از زبان قرآن و سایر کتابهای آسمانی، پیامبران، ائمه اطهار، دانشمندان و بزرگان اسلامی و متفکران غربی بسیار دیده و شنیده شده است. در این بخش از کتاب بطور اختصار به نقل چند نمونه از جهت اطلاع بیشتر اکتفا می‌کنیم.

امام زمان، از دیدگاه قرآن

در کتاب بحار الانوار علامه مجلسی آمده است که بتأویل و تفسیر امامان شیعه قرآن کریم در بیش از ۸۴ مورد و آیه به ظهور و خروج امام زمان و مصلح حقیقی جهان اشاره کرده است که به چند آیه آن توجه داده میشود.

- سوره بنی اسرائیل آیه ۸۱ :

"وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَذَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا"

" بگو که حق آمد و باطل از میان رفت و نابود شد زیرا که باطل نابود شدنی است" امام فرمود- هرگاه قائم ماقیام کند دولت و حکومت باطل از بین خواهد رفت.

- سوره نمل آیه ۶۱ :

"أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلُقَاءِ الْأَرْضِ ..."

" آیا آن کیست که دعای بیچارگان مضطر را با جابت میرساند و رنج و غم"

" آنها را برطرف می‌سازد و شما مسلمانان را جانشینان اهل زمین قرار میدهد"

امام فرمود- این آیه درباره قائم آل محمد (ع) نازل شده است مضطرا و است که در رکعت نماز در مقام ابراهیم خواهد خواند و قیام کند.

- سوره صفا آیه ۱۳ :

" وَأَخْرَىٰ تَحِيَّاتَهَا نَصْرَ مَنِ اللّٰهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ "

" و دیگری که دوست میدارید پیروزی از جانب خدا و فتح نزدیکی است و بشارت " به اهل ایمان است . "

منظور از این پیروزی، فتح قائم آل محمد در آخر الزمان میباشد .

- سوره هود آیه ۸۶ :

" بَقِيَّةُ اللّٰهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ . . . "

" بدانید که آنچه خدا بر شما باقی گذارد بهتر است از آن " (منظور از بقیه الله وجودنا زمین امام زمان است) .

- سوره انبیاء آیه ۱۰۵ :

" وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ بَرَشْرًا لِّعِبَادِ الْبَارِئِينَ " و ما بعد از تورات در زبوردا و دنوشیم که زمین را بندگان صالحان وارث میشوند "

" منظور از بندگان صالح در این آیه شریف حضرت مهدی (ع) و یاران او میباشد .

- سوره نور آیه ۵۵ :

" وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ . . . "

" خداوند وعده فرموده به کسانی که بخدا و ولی او ایمان دارند و عمل شایسته انجام دهند آنها را در روی زمین خلیفه گرداند و خوف و وحشت آنها را تبدیل به امن و آسایش نماید تا جائیکه در سراسر گیتی مراسماتش کنند و هیچ چیز را برای من شریک " نگیرند "

این وعده یک پیروزی جهانی با حکومتی الهی بر هری مهدی موعود است .

- سوره صفا آیه ۸ :

" يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمِّمٌ نُّورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ "

" کافران می خواهند تا نور خدا را با گفتار باطل و طعن و مسخره خاموش کنند البته

نور خدا (نور مقدس کتاب و وحی و حکمت) خود را هر چند کافران خوش ندارند تمام و

کامل نگاه خواهند داشت . "

— آیه ۵ سوره قصص :

”زُرِّيْدَانِ نَسْنِ عَلِيٍّ الَّذِيْنَ اسْتَضَعَفُوْا فِي الْاَرْضِ وَنَجَلْنَاهُمْ اٰثْمَهُمْ“
وَيُخَلِّعُهُمُ الْوَارِثِيْنَ .“

” ما اراده کردیم و بر مستضعفین منت گذارده آنان را پیشوای خلق قرار دهیم“
” و وارث زمین گردانیم .“

از تفسیر صافی و اصول کافی و نهج البلاغه معلوم میشود که این آیه بشمارت
به زمان امام زمان و حکومت مهدی است .

امام زمان از زبان پیامبر

در کلیه کتب اسامی (اعم از شیعه و سنی) صدها روایت از زمان پیامبر
در باره ظهور و قیام مهدی آمده است (۱) که در اینجا به ذکر دو مورد اکتفا
می شود .

— رسول خدا فرمود خلفا و جانشینان و اصفیاء من و حجت های من از طرف
خداوند ۱۲ نفرند اول آنها برادرم و آخر آنها فرزندم میباشد .

پرسیدند — یا رسول الله برادر شما کیست ؟

فرمود : علی بن ابیطالب .

پرسیده شد فرزند شما کیست ؟

فرمود : مهدی — آنکه زمین را به قسط و عدل پر کند آن چنانکه به جور و ستم
پوشده است . قسم بخدائی که مرا بحق پیام برگردانید اگر از عمر دنیا فقط یک روز
باقی مانده باشد خداوند همان یک روز را آنقدر طولانی میکند تا فرزندم مهدی
خروج کند پس روح الله عیسی بن مریم نازل میشود و پشت سر او نماز می خواند
و زمین به وجودش روشن میگردد و حکومت او شرق و غرب عالم را فرا میگیرد .

(۱) کتابهای برادران اهل تسنن — کنز العمال — منتقى هندی — سنن ابی داود

دربییانی دیگرپیا میرا سلام می فرماید :
هرکس وجود فرزندم قائم را انکار کند منکرمن شده است و هرکس قائم ما را در زمان
غیبتش انکار کند چون مردم زمان جاهلیت از دنیا رفته است .

گفتار حضرت امیردرباره مهدی

علامه مجلسی ۲۵ خطبه و حدیث از حضرت علی در مورد قائم آل محمد جمع آوری
نموده که خطبه آن در نهج البلاغه به ذکر حضرت مهدی پرداخته است در این خطبه ها
خصوصیات آینده جهان با صورتی روشن بیان شده است .
علی علیه السلام میفرماید :

" چون اوضاع دنیا با نجا رسد که از هر سوی بلوا و آشوب "
" و ظلم و ستم بوقوع پیوندد حجت خدا ظاهرا هر شود و بر تختست "
" سلطنت واقعی قرار گیرد و یارانش از هر طرف جمع شده "
" بهم می پیوندند . "

در مورد دیگر به فرزندش حسین فرمود :

" ای حسین فرزندی قائم بحق و ظاهرا هرکننده دیسین و "
" گسترش دهنده آن به عدل و داد است که قیامت در جهان "
" و در آخر زمان رخ خواهد داد . "

شناخت مهدی از لوح مقدس زهرا (ع)

در روز سوم شعبان - زادروز تولد امام حسین لوح مقدسی از جانب پروردگار
به پیامبر نازل شد که آنرا به فرزندش زهرا هدیه داد .
در این لوح که تمام مشخصات دوازده امام بیان شده راجع به امام دوازدهم
میفرماید :

" ابوالقاسم محمد بن الحسن هو حجه الله تعالی علی
" حلقه القاسم . "

بیان امام دوم درباره حجت آخر

وقتی عده‌ای از مردم در مورد صلح با معاویه در صدد اعتراض به امام حسن مجتبی‌سی برآمدند ، ایشان پس از ذکر علت فرمود :

"آیا نمیدانید که اُحدی از ما نیست مگر اینکه بناچار"

"بیعت گردنکش به عهده اوست جز قائم آل محمد کسه"

"ولادتش پنهان - وجودش غایب و خروجش بمصلحت خدا^{ست}"

امام زمان از دیدگاه امام سوم

وقتی از حضرت حسین بن علی امام سوم شیعیان سؤال کرد ، آیا شما صاحب الامر هستید؟

حضرت فرمود: خیر ، صاحب الامر کسی است که از اهل و وطن دور و مهاجور باشد ، پدرش را کشته اند و او خونخواهی نکرده است ، کتیبه اش کتیبه عمویش میباشد و هشت ماه شمشیرش را روی دوستش گذاشته است .

علائم مصلح حقیقی جهان از نظر امام چهارم

امام سجاد فرمود: در قائم ما نشانه ها و علامت هایی از پیامبران میباشد . سنتی از پدر ما آدم دارد و نشانه‌های از نوح و ابراهیم و سنتی از موسی و روشی از عیسی و علامتی از ایوب و سنتی از محمد (که در روده‌های خدا بر آنان باد) . اما نشان او به آدم و نوح طول عمر و به ابراهیم پنهانی متولد شدن و دوری از مردم می باشد و نشان او به موسی بیم و غیبت و به عیسی اختلاف مردم درباره او و از ایوب گشایش بعد از سختی و گرفتاری است و از محمد (ص) قیام به شمشیر خواهد بود .

معصوم چهاردهم بفرموده امام باقر (ع)

وفتی از امام باقر علیه السلام معنی فَلَا قِسْمَ بِالْخَنَسِ - لِجَوَارِ الْكُنَسِ را پرسیدند فرمود:

" منظور از ستاره‌ای که حرکت نموده و پنهان می شود امامی است که در سال ۲۶۰ - هجری خود را پنهان میکند تا خبر وی بمردم نرسد و ندانند کجاست تا آنگاه کسیه با مرخدا مانند ستاره درخشان در شب تاریک ظاهر می شود."

فرمایش امام صادق (ع) درباره امام زمان

"هر کس تمام ائمه ظاهرین را تصدیق کند ولی منکر وجود مهدی موعود باشد مثل سلسل این است که اعتقاد به تمام پیغمبران دانسته ولی منکر نبوت پیغمبر اسلام باشد."

پرسیدند مهدی کیست؟

فرمود:

" پنجمین نفر از اولاد هفتمین امام ، او از نظر غایب می شود و جایز نیست نام شریف آن حضرت را ببرند (۱)

قائم حقیقی از نظر امام هفتم (ع)

شخصی برموسی بن جعفر وارد شد و عرض کرد ای سررسول خدا آیا شما قائم حقیقی هستید.

فرمود: " من قائم بحق هستم اما قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک میکند

و به عدل پر مینماید آنچه را که بجور پُرشده پنجمین فرزندم میباشد که غیبتی

طولانی خواهد داشت بطوریکه بسیاری از مردم مرتد و کافر می شوند و وعده‌ای دیگر

در ایمان به امام زمان خود ثابت عقیده خواهند بود خوشحال این دسته از

شیعیان ما

غیبت امام قائم بد بیان امام هشتم

روایتی از علی بن موسی الرضا (ع) امام هشتم بیان شده که فرمود:
 "گویا شیعه را در موقع ازدست دادن سومین امام از فرزندانم که از هر سو او را
 جستجو کنند، پیدانخواهند کرد."

پرسیده شد یا بن رسول الله برای چه؟

فرمود:

"برای اینکه امام آنها غایب میگردد."

سؤال شد علت غیبت چیست؟

فرمودند:

"برای اینکه وقتی با شمشیر قیام میکنند بیعت هیچ پادشاهی در گردن او نباشد."

پاسخ امام نهم درباره مهدی موعود

شخصی بر امام جواد وارد شد و قصد آن داشت سؤال کند که آیا قائم همان مهدی است
 یا غیرا و؟

قبل از اینکه شروع بسخن کند امام میفرماید:

"قائم ما همان مهدی است که سومین فرزند من است. انتظار در زمان غیبتش و اطاعت
 در زمان ظهورش واجب است."

بشارت امام دهم از نام و نشان معصوم چهاردهم

ابو هاشم جعفری میگوید از حضرت شنیدم که فرمود:

"جانشین من فرزندم حسن عسگری است ولی با جانشین او چگونه خواهید بود؟"

عرض کردم فدایت شوم مگر چه می شود؟

حضرت فرمود:

"شما او را نمی بینید و نام بردنش برای شما جایز نیست."

عرض کردم: چگونه ما مش را ببریم؟

فرمود: "حجت آل محمد (ص) ."

سپاس امام حسن عسکری (ع) از دیدار فرزند

امام حسن عسکری امام یازدهم شیعیان فرمود: خدا را شکر و سپاس میگویم که مرا از دنیا نبرد تا آنکه جانشین مرا بمن نشان داد. او در صورت وسیرت از همه کس به پیغمبر شبیه تر است. خداوند او را در طول غیبتش از هر سانحه ای حفظ کند تا هنگامی که او را ظاهر نموده و او زمین را پر از عدل و داد کند چنانکه پراز ظلم و ستم شده است.

مهدی و سایر ادیان

گرچه فرمایش قرآن و پیامبر اسلام و ائمه معصومین در کلیه مسائل برای همه مسلمانان جهان مورد احترام و تأیید میباشد و بخصوص در نزد ما شیعیان اثنی عشری این گفتارها از اهمیت خاصی برخوردار است اما برای آنکه خوانندگان گرامسی مختصری با نوشته های سایر ادیان و مذاهب در ظهور و پیدایش مصلح جهان سنی آشنا شوند به چند موردی اشاره می شود:

عقیده پیروان مسیح در باره ظهور

در انجیل متی باب ۲۵ آیه ۳۱ و ۳۴ آمده است:

" چون فرزندان انسان در جلال خود خواهد آمد با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگ خود قرار خواهد گرفت همگی قبایل نزد وی جمع خواهند گشت .

عقیده یهود و انصار در باره ظهور مهدی

یهودیان اعتقاد دارند که در آخر زمان شخصی بنام ماشیع " مهدی بزرگ " پیدا میشود و انصار را معتقدند که به زمان شخصی بنام " ما مهدی " ظهور نموده که حکومت جهانی تشکیل میدهد.

سخنی از زبور داود درباره حجت خدا

در صفحه ۷۲ زبور آمده است :

حضرت داود از خدا خواست که احکام خود را به دست نیرومندی سپارد و عدالت خویش را بدست فرزند چنین نیرومندی اجرا کند که منظور نور مقدس پیا میرا کرم و فرزند او امام دوازدهم است که با تشکیل حکومت جهانی عدالت و قسط در جهان اجرا خواهد شد.

نظر زردشتیان درباره مهدی

در مذهب زرتشت برگزیده نهایی خدا با نام ها و تعبیرهای مختلف آمده است که رسالتش تشکیل حکومت واحد جهانی بر پایه قوانین الهی و اصلاح امور است . این مصلح درجائی " سائوئیانت " یا سوشیانی و درجائی دیگر بهرام شاه نامیده شده است (۱) .

حجت زمان از نظر هندوان

در ۲۲ مذهب و فرقه مختلف که کم و بیش در هندوستان طرفدارانی دارد قیام مصلحی جهانی را جملگی معتقدند که از شکم خاک یا آسمان یا دخمه یا سرداب و یا انجام می پذیرد .

ابوریحان بیرونی در کتاب *باللهند* می نویسد :

" برهمن کلا " روحانی عالیقدر با نیروی مقاومت نا پذیر خود تا پاکان را نابود می سازد و نیکان را بجای آنها می نهد تا به زاد و ولد داده دهند .

عقیده ایرانیان قدیم درباره خروج امام زمان

جاماسب حکیم که به اعتقاد ایرانیان قبل از اسلام پیامبر بوده در کتاب خود " جاماسب نامه " در این باره مینویسد :

" مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان بنی هاشم ، مردی بزرگ سـسـرو

(۱) *مفتاح الابواب* .

بزرگ تن و بزرگ ساق بردین جد خویش که با سپاه بسیار روی با یران نهاد و آبادانی کند و زمین پردازد کند و از دادوی باشد گرگ یا میش آب خورد.

یونانیان قدیم و مملوح آسمانی

زنون فیلسوف مشهور یونان را عقیده بر این بود که باید از یک برنامۀ و یک قانون واحد که بوسیله رهبری دانا و توانا و معصوم و دور از هرگونه خطا اجرا می شود توسط تمام مردم دنیا پیروی و اطاعت شود تا دنیا و مردمانشان سعادت و خوشبختی کامل ببینند.

حجت آخر و جامعه اهل تسنن

تمام علماء و فقهای مذاهب چهارگانه اهل تسنن با مختصر تغییراتی در تاویل و تفسیر احادیث و روایاتی را درباره مهدی موعود که فرزند امام حسن عسکری امام یازدهم شیعیان میباشند در کتابهای خود نقل کرده اند که به نوشته سید بن طاووس احادیث راجع بمهدی که دانشمندان و برادران اهل تسنن روایت کرده اند بالغ بر یکصد و پنجاه و شش حدیث دانسته و علامه مجلسی^۴ چهل حدیث را سند معتبر در کتاب خود "بحار الانوار" آورده است که درباره ولادت و تولد - نام و کنیه - زندگی آن حضرت در دوران غیبت - نوع حکومت و خلافت - وضع مردم در زمان حکومت علم و دادگستری آن حضرت و علائم ظهور و محل ظهور و اینکه حضرت عیسی (ع) بر آن حضرت نماز می خواند میباشد.

در مورد ظهور و فضایل و مناقب حضرت صاحب الزمان (ع) شعرای اهل تسنن نیز در کتابهای خود اشعار بسیار زیبایی را سروده اند که از آن جمله میتوان اشعار عطار نیشابوری - شیخ احمد جامی - جلال الدین محمد مولوی را که جملگی از بزرگان اهل تسنن هستند نام برد که بدلیل طول گفتار از ذکر مشروح آن خودداری شده است. لازم بتوضیح است که تنها افراد بسیار معدودی چون "ابن خلدون" و احمد امین مصری^۵ در نوشته های خود در مورد مهدی خودداری کرده اند چنانکه ابن خلدون میگوید "لامهدی الا عیسی" - مهدی جز عیسی نیست - که اصالت این نظریه مورد ایراد

واشکال و اعتراض تمامی دانشمندان اسلامی قرار گرفته و مردود شناخته شده است .

نظرفرجه وهابیان و سندی مهم دیگر درباره مهدی

باتوجه به این که فرجه وهابیان یکی از افراطی ترین جناح های اسلامی و سخت گیر است در طی نامه ای که در سال ۱۹۷۶ از طریق مرکز بزرگ اسلامی حجاز و مکه " رابطه العالم الاسلامی " انتشار یافته این نکته تصریح دارد که " ابن تیمیه " مؤسس مذهب وهابیان احادیث مربوط به مهدی را پذیرفته است . در این نامه ضمن برشمردن نام آن حضرت - محل ظهور - هنگام ظهور و اعلام نام بیست نفر از صحابه پیامبر (ص) که روایاتی در این زمینه دارند به بعضی از کتابهای اسلامی (شیعه - سنی) اشاره کرده و نظراین خلدون را مورد ایراد و انتقاد قرار میدهد و در پایان اعتقاد به ظهور مهدی را بر هر مسلمانی واجب شمرده است .

این نامه در پاسخ سئوالی است که شخصی بنام " ابو محمد " از کشور کنیا از مرکز مذهبی وهابیان در عربستان سعودی نموده است این سند مهم مذهبی یا متن عربی و ترجمه فارسی عینا در مجله مکتب اسلام سال ۱۷ شماره ۷ آمده است .

مهدی و فلاسفه غرب

برتراند راسل فیلسوف معروف و معاصر انگلیسی که در چند اثر نوشته خود لزوم ایجاد یک حکومت جهانی را بارها اعلام کرده است میگوید :

" گرچه معلوم نیست تا زمانی که من این مقاله را بپایان میرسانم جهان در آستانه ناپودی قرار نکرده باشد اما با توجه به شرایط اقتصادی و توزیع ثروت - شرایط اجتماعی و اقلیمی - تعلیم و تربیت جهانی - علم جهانی و با توجه به معنویت دلیلی ندارد که زندگی در کره خاکی لبریز از سعادت نباشد " .

راسل مکرر بیان میدارد :

" تنها نجات بشر در حکومت واحد جهانی است که این مهم بدست بشر و حاکمان بشری و قوانین این جهانی ممکن نیست . فلسفه نظریه صلح جهانی باین علت تاکنون

عملی نشده که هنوز عالم بشریت یک پیشوا، یک رهبر، یک مجری و رئیس حکومت دانا و مقتدر و دور از هرگونه اشتباه معصوم - را بخود ندیده است. اگر رهبری برای سعادت عالم برخیزد و بخواهد همه مردم جهان را تحت یک حکومت و قانون درآورد باید اولاداً و عالم بهمه نیازهای مردم باشد و درثانی از قدرت و توانایی مافوق بشری برای برقراری صلح جهانی برخوردار باشد و در آخر اینکه در طول زندگی مرتکب انحراف و گناه نشود"

(خصوصیات که تنها در امام و حجت خدا میتوان یافت) -

راسل با انتظاری سازنده به آینده چنین حکومتی می اندیشد و با امید کامل میگوید:

" تا این امید وجود دارد تا امید از بدلی است " (۱)

آلبرت انیشتاین محقق بزرگ در زمینه نیاز قطعی جامعه به یک پارچگی میگوید:

ملل جهان از هرنژاد و رنگی که باشد باید زیر یک پرچم واحد بشریت و در صلح و وفا، برادری و برابری زندگی کند (۲)

توماس کامپلانا در مدینه فاضله خود بنام " کشور خورشید " ضمن بر شمردن تضادهای و ناهنجاریهای جامعه، کار مساوی، درآمد مساوی، زندگی مساوی و ... را در سطح کلی و سیاسی جهانی بر پایه درستی و تعادل عنوان میکند.

اتوپیا، جامعه خیالی و بهشت مانند توماس مور

الدورادو، مدینه فاضله ولتر فیلسوف نامی فرانسوی

جورجیا مدینه فاضله شاعر معاصر غرب " برتولد برشت "

و

هر کدام در زمینه نجات بشر از گرفتاریها - مشکلات و ناهنجاریهای مادی و معنوی گرچه با برداشتهای متفاوت به قضیه پرداخته اند ولی جملگی سعادت و راه ادا مسه حیات را در ساختن اجتماعی متعادل و واحد جهانی در سایه حکومتی مقتدر و متعالی

(۱) آیا بشر آینده ای هم دارد برتر از راسل ترجمه منصور

(۲) مفهوم نسبیت - آلبرت انیشتاین .

دانسته‌اند.

و همچنین با مراجعه و مطالعه تاریخ فلسفه سیاسی بشر به نظرات و کتاب‌های
بیشمار بزرگان و جامعه‌شناسان غربی برمیخوریم که بنحوی باین مهم پرداخته‌اند.
بزرگانی چون ژان ژاک روسو - منتسکیو - الکسیس کارل - کانت - هایدگر -
آلبرکامو - اسکار وایلد و کارل مارکس و (۱)

مارکس " انقلاب کمونیستی " را در مقابل " رجعت‌ثانی " و دیکتاتوریت طبقه کارگر را
به عوض " حکومت مقدسین " و اصطلاح " دنیای مشترک المنافع سوسیالیست " را به جای
هزار سالیکه دنیا پس از رجعت‌ثانی با عدل و داد اداره خواهد شد ذکر کرده است. (۲)

۳

ولادت

مهدی از دیدگاه قرآن
مهدی و سایر ادیان
مهدی از دیدگاه فلاسفه غرب
.....

مژده‌ای دل که می‌حانفسی می‌آید
که زانفاس خوشش بوی کسی می‌آید
از غم هجر مکن ناله و فریاد که من
زده‌ام فالی و فریادرسی می‌آید
کس ندانست که منزلگه مقصود کجاست
این قدر هست که بانک جرسی می‌آید

" حافظ "

قبل از آنکه به چگونگی تولد و محل وزمان تولد امام دوازدهم اشاره ای بکنیم ذکر این نکته ضروری است که محیط و شرایط زندگی خاندان پیغمبر در زمان بنی عباس در وضعی بسیار سخت و خفقان و کنترل شده ای بود بطوریکه همیشه تعدادی جاسوس و خبرگزار و خبرچین بعناوین مختلف در خانواده معمولی زندگی و یا آمدورفت میکردند و به خصوص بنی عباس از روایات و احادیث بسیار تولد و پیدایش طفلی در خاندان پیامبر را میدانستند که با ظهورش نابودی حکومت ظلم و ستم مسلم خواهد گشت بهمین جهت در ظاهر بعنوان توجه و عنایت و استفاده از افکار و نظریات معومین در اداره حکومت (کاری که همیشه در حکومت ها و سلطنت های اسلامی بدروغ معمول و رایج بوده) ولی در باطن بدلیل زیر نظر داشتن زنان باردار و کنترل دقیق آنان آل پیامبر را از مدینه به سامره که در نزدیکی دارالخلافه بود کوچ دادند و این کنترل و فشار بخصوص در زمان امام دهم و امام یازدهم بشدت از طرف خلافت اعمال میشد.

امام حسن عسگری (۱) در مدت کوتاه زندگانی خود که بیش از ۲۹ سال نبود سعی بر آن داشت که کمتر در رفت و آمد با دربار خلفای عباسی باشد و بهمین جهت اغلب در انزوا و گوشه گیری بسر می برد.

و این بدان جهت بود که آن حضرت بتوانند محیط ارباب و خفقان زندگانی خانواده خود را دور از چشم ماموران خلیفه اندکی مساعد و زمان تولد امام دوازدهم فرزندان خویش را تا آنجا که مقدور میباشد از چشم ماموران و جاسوسان دور نگه دارد.

(۱) انتخاب لقب عسگری برای امام حسن جهت آن بوده که حکومت وقت آن حضرت را محبور به ترک مدینه و زندگی در سامرا کرده زیر نظر شدید ماموران حکومتی و در محله ارتشی و نظامی نشین "عسگر" تحت مراقبت شدید بودند.

بطوریکه تعدادی از افراد فامیل هم تا مدت‌ها از تولد فرزندش اطلاعی نداشتند ولی همانطوریکه در این بخش خواهد آمد در زمان تولد و سپس دوران طفولیت و طبیعت صغری تعدادی از افراد و علمای مورد اعتماد شیعیان با آن حضرت ملاقات و مشکلات خود را در میان گذاشته و آن حضرت نیز با آنکه در سن کودکی و طفولیت بوده اند پاسخ گفته‌اند. (۱)

تولد امام دوازدهم

امام مهدی در ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری قمری به هنگام طلوع فجر قدم بدینا گذاشت. درباره نحوه تولد آن حضرت مشهور است که:

روزی حکیمه (خواهر امام عسگری) بدیدن برادر خود می‌رود وقتی می‌خواهد برگردد حضرت از وی تقاضا می‌کند که شب را در منزل آنها بماند زیرا مولودی شریف امشب تولد می‌یابد.

حکیمه می‌پرسد مادرش کیست؟

امام می‌فرماید نرجس.

حکیمه می‌گوید: در نرجس که آثار حمل نیست!

حضرت تبسم کرده و می‌فرماید هنگام طلوع فجر مطلب روشن می‌شود زیرا "مثل" او مانند مادر موسی است که آثار حملش ظاهر نشده ولی تا وقت ولادتش متوجه نشد.

جریان فرزندان مهدی هم همینطور است زیرا با توجه به اوضاع زمان و فشارهای حاکم جبار که برای نابودی حجت خدا حتی جاسوسان دستگاه زنان جامعه را زیر نظر قرار دادند مشیت خداوندی بر آن قرار گرفته که آن حضرت بصورت معجزه آسا از نظر ولادت از یکسو و از سوی دیگر از لحاظ طول عمر حفظ و نگهداری شود.

حکیمه وقتی که با فشاری امام را می‌بیند آب شب در منزل امام می‌ماند. نیمه شب بیدار می‌شود و نمازش می‌خواند و سپس به تعقیب و دعای می‌پردازد. در تمام این حالات متوجه نرجس است.

(۱) درباره معجزات مهدی موعود بیش از ۴۰ مورد در نجم الثاقب آمده است.

ولی می بیند نرجس چنان خوابی رفته که حتی پهلو به پهلو هم نمیشود و هیچ احساس یا آثار حمل و یا وضع حمل در او دیده نمیشود .

حکیمه بدستور امام مشغول خواندن سوره حم د خانمی شود . (۱)

همینکه وقت ولادت نزدیک میشود پرده ای بین این دو بانو کشیده شد که حکیمه نرجس را نمی دید . البته این پرده ظاهری نبود بلکه از حجاب معنوی است یعنی حالتی به حکیمه رخ داد که نرجس را اعلانمی دید تا وقتی که بحالت عسادی برگشت دیدن نوزاد امام مهدی (ع) به حالت سجده به روی زمین افتاده و سخن میگوید .

دیدار نوزاد و سخن گفتن آن حضرت

حکیمه خاتون نوزاد را به نزد پدرش امام عسگری برد . آن حضرت زبان خود را در زبان او گذاشته و دست مبارک به چشمان و گوشها و مفاصلش مالید و فرمود :

فرزندم سخن بگوی :

آنگاه نوزاد میگوید :

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله صلی الله علیه و سلم . سپس درودی فرستند به امیرالمؤمنین علی و ائمه دیگر تا میرسند به پدرگرامی اش .

سپس نوزاد با بیانی شیوا و رسا از هدف خلقت خویش و انجام رسالت الهی سخن میگوید :

" اللَّهُمَّ أَنْجَرْنِي مَا وَعَدْتَنِي وَأَتَمِّمْ لِي أَمْرِي وَتَبَّتْ وَطَائِيهَا مَلَأَ الْإَرْضَ لِي عَدْلًا "

خداوند وعده ای که بمن دادی وفا و امر و حکم مرا تمام و جای پای مرا محکم و زمین را بوسیله من پراز عدل و داد فرما .

در روایتی دیگر آمده است که حضرت فرمود :

"الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين
 زعمت الظلم ان حجه الله واحضه ولو اذن لعافى الكلام توان ليك".
 بتايش مخصوص خدایى است که پروردگار جهانیا ن است و درود خدا بر سید، محمد و
 آل پاکش ستمگران فکر میکنند که حجت خدا تمام شد ولی اگر بما اذن سخن داده شود
 شک و تردید بر طرف خواهد شد.

شبا هت امام دوازدهم به حضرت عیسی (ع)

حضرت مهدی از دولحاظ به حضرت عیسی مسیح شبا هت دارد:

۱ - از نظر سخن گفتن .

"قرآن میفرماید حضرت عیسی در گهواره سخن گفته و فرموده است .

"انى عبد الله اتاتى الکتاب و جعلنى نبيا"

من بنده خدا هستم که بمن کتاب داد و مرا پیامبر خود ساخته است .

۲ - از نظر اینکه عیسی (ع) در کودکی پیغمبر بوده و حضرت حجت (ع) هم

درس کودکی (سهالگی) به مقام امامت رسیده است .

نام گذاری نوزاد

خبر تولد مهدی موعود به اطلاع تنی چند از اصحاب خاص امام رسید که همگی از میلاد

با سعادت حجت خدا شاد شدند ولی سفارش در این بود که این موضوع را پوشیده

دارند و به کسی بازگو نکنند .

وقتی که از امام نام نوزاد را جويا شدند جواب شنیدند که نام شریفش را هم نام پیامبر

گرامی اسلام (محمد) گذاشته اند .

سایر القاب و اسامی حضرت مهدی (ع)

در روایات اسلام، در حدود ۲۰۰ نام برای آن حضرت ذکر کرده اند ولی نام مخصوص آن حضرت هم نام پیامبر اسلام است (م - ج - م - د) و ذکر این نام در زمان غیبت حرام است .

در اینجا به مشهورترین اسامی امام دوازدهم اشاره میشود .

احمد - ابوالقاسم - ابوالحسن - بقیه الله - جمعه - حجت الله - حق - خاتم
الارضیاء - خجسته - خسرو - خلف - خنس (در قرآن) - خلیفه الله - سدره المنتهی
ساعت - سید - صاحب - صالح - صراط - عصر - غیبت (در قرآن) - خلیل -
فجر (در قرآن) - فیروز - فرخنده - قائم - قطب - منظور - منتقم - مهدی
عبدالله منتظر - موعود - محسن - مظفر (فردرآن) - نجم - ولی الله - وارث
هادی - یمین - یسوبالدین و

سفارش امام عسگری در مورد امام حجست

با توجه به اوضاع و احوال زمان امام حسن عسگری به اصحاب خاصی که از تولد حضرت خبردار شدند سفارش اکید فرمود که اولاً از موضوع تولد بدتوده مردم خودداری - کنند و حتی نام آن حضرت را بر کسی عنوان نکنند بهمین جهت است که امام عسگری حتی به شیعیان و مریدان خاصی که بدیدار فرزندش می رفتند نام آن حضرت را نمیگوید بلکه میفرماید :

(هدا ما حکم) یعنی امام بر شما این خواهد بود ایمان و اعتقاد به آن حضرت را بعنوان دوازدهمین امام تکلیف میفرمود که در احکام و مشکلات بوی رجوع نمایند که حلال مشکلات شما بعنوان امام بعد از من میباشد .

دیدار کنندگانِ امام (عج)

امام عسگری برای معرفی فرزند گرامی اش از دوستان و شیعیان و صحابه با ایمان و متدین و شجاع استفاده میکنند و به آنان تولد و وجود حضرت حجت را بازگو میکنند که در این جا به چند مورد اشاره میشود: (۱)

۱- در روز سوم ولادت امام دوازدهم - یکبار امام حسن فرزند خود را به صاحب خاص عرضه داشتند، و تکلیف آنها را در برابر امام به اینان توضیح میدهد و میفرماید " این است صاحب شما بعد از من و خلیفه من بر شما... او کسی است که گردن ها با انتظار مقدمش کشیده میشود وقتی که زمین آکنده از ستم و بیدادگری شد بیرون آمده و آنرا بر عدل و داد مینماید."

۲- یکی دیگر از کسانی که حضرت عسگری فرزند خود را با و نشان داده " احمد بن اسحاق بن سعد اشعری" از صحابه خاص است که بخدمت امام میرسد و سؤال میکند؟
با توجه به اینکه زمین هرگز از حجت تا روز قیامت خالی نخواهد بود امام و خلیفه بعد از شما کیست؟

امام فوراً برخاست و داخل یکی از اطاقها شد طوئی نکشید که بیرون آمد در حالیکه فرزندش بدوش داشت که صورتش مثل ماه شب چهارده می درخشید و حدود نه ساله بنظر میرسید.

حضرت فرمود:

ای احمد بن اسحاق - اگر نه این بود که تو در نزد خدا وحی الهی محترم و فکرمسی هرگز این فرزندم را که هم نام وهم کنیه پیغمبر است بتو نشان نمیدادم. این کسی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد بعد از آنی که زمین آکنده از ظلم و ستم شده باشد.

(۱) در کتاب نجم الثاقب نام ۳۰۰ نفر آمده که ولی عصر را دیده اند - باب هفتم صفحه ۲۰۸ به بعد.

ای احمد بن اسحاق. مَثَلٌ اودر این امت مانند حضرت خضر و مانند ذوالقرنین است بحق خدا غیبتی خواهد کرد که در آن غیبت جز افرادی که خدا آنها را در موضوع ^{مت} اما پابرجا داشته و توفیق دعا برای تعجیل ظهور بآنها کرامت کرده است همه هسلاک خواهند شد.

احمد بن اسحاق میگوید عرض کردم :

مولای من آیا علامتی هست که قلب من مطمئن و آرام گردد؟! .

یک مرتبه دیدم بچه خود با زبان فصیح عربی فرمود:

(اَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَلَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعْدَ عَنِي يَا أَحْمَدَ بْنَ

اسحاق) .

" منم بقیه الله دروی زمین و منم انتقام گیرنده از دشمنان خدا و بعد از

این اثری از من مجوی " .

احمد بن اسحاق میگوید خوشحال بیرون آمدم - فردا شد دوباره رفتم و عرض کردم .

بیان رسول الله از منتی که بر من گذاشتید خیلی خوشوقتم ولی رمز تشبیه شما به

حضرت خضر و ذوالقرنین و امام حجت از چه جهت بود؟

امام عسکری فرمود: طول غیبت!

عرض کردم: آیا غیبت آن حضرت خیلی طول خواهد کشید؟

فرمود: بلی بحق خدا آنقدر طول میکشد تا جایی که اکثر معتقدین به امام قائم (ع)

از وی برمیگردند.

پس باقی نماند جز کسیکه خداوند در باب ولایت ما از وی عهد و پیمان گرفته و نور ^{مت} ما

را در دلش ثبت کرده و با مددهای غیبی و روح بزرگ خود او را مدد نماید.

ای احمد بن اسحاق - این امری است از امور خدایی و سری است از اسرار الهی و پنهانی

و غیبی است از غیبت آفریدگار - پس آنچه بشونشان دادم گمان کن و از سپاسگزاران

باش تا با ما در بهشت برین باشی . (۱)

(۱) کمال الدین جلد ۲ - صفحه ۵۶ به بعد .

آخرین دیدار صحابه

مهمترین منشور و اعلامی که امام عسگری در بین اصحاب خود درباره ولادت و امامت و وجوب اطاعت از فرزندگرامی خود صادر کرده است این باشد که :

چند روز قبل از شهادت در مجلسی که چهل نفر از اصحاب خاص آن حضرت من جمله محمد بن عثمان عمری و دیگران در آن جمع بودند حضرت فرزند خود را با آنها نشان داد و فرمود :

" هدا امامکم من بعدی و خلیفتی علیکم اطیعوا و لاتنفرقوا من بعدی فتهلکوا فی ادیابکم "

" این امام شماست بعد از من و خلیفه من است بر شما از وی اطاعت کنید و بعد از من از هم جدا و متفرق نشوید که سرانجام در گرداب عقاید گوناگون هلاک خواهید شد. "

سپس برای توجه دادن بیشتر به صحابه فرمود :

این تنها فرصتی است که برای دیدار شما از مهدی پیش آمده است و بعد از امروز دیگر او را نخواهید دید .

شهادت حضرت عسگری

در روز هفتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری امام عسگری پس از ۸ روز بیماری در حالیکه ۲۹ سال بیشتر نداشتند در فانی را وداع گفتند .

با توجه به روایت معرفی که از امام صادق در دست است که فرمودند تمام امامان و معصومین یا کشته میشوند یا مسموم و بمرگ طبیعی نمی میرند احتمال یقین است که کسالت و بعد شهادت آن حضرت بر اثر مسموم کردن باشد .

در مدت بیماری بدستور معتمد خلیفه عده ای پزشک و محافظ در ظاهری عنوان حفاظت و طبابت ولی در باطن برای پیدا کردن رد پای در مورد جان نشین امام در خانه آن حضرت گمارده شد که البته تا آخرین لحظات هم پی بوجود و تولد امام حجت نبردند .

حضرت در شب شهادت در یکی از اطاقها در آرز چشم محافظان و جاسوسان با نرجس مادر مهدی و " عقید " خدمتگزار صمیمی و فرزند خویش آخرین دیدار را بعمل آوردند و در ضمن

تعدادی نامه و قاصد هم به شهرهای دیگر فرستاده و اوضاع و احوال اجتماعی و خط مشی آینده را اعلام و دارفانی را وداع گفتند.

عکس العمل خلافت در شهادت امام عسکری

طبق معمول همه خلفای جبار عباسی که درباره شهادت معصومین با نیرنگ و تزویر اعلام و عنوان میشد متعهد خلیفه هم در زمان شهادت امام دستور تعطیل شهر را صادر کرد و تشییع جنازه باشکوهی ترتیب داد و درباره و خلیفه عزاداری مفصلی را تدارک دیدند در حالیکه مردم و شیعیان میدانستند که شهادت حضرت توسط دستگاه حکومت طراحی شده است و این مراسم و عزاداری فرمایشی و درباری به روال همیشه سراپا خدعه و نیرنگ و عوام فریبی است همچنانکه از طرف خلفای قبلی درباره موسی بن جعفر و امام هشتم و ... اعمال شده بود! ...

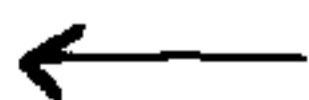
تاریخ اسلام عموماً و تاریخ تشییع خصوصاً این راه و رسم فرمایشی و در حقیقت این خیمه شب بازی درباری را تا قرن‌ها بعد از طرف خلفا و حکما و شاهان و پادشاهان بخود دیده است سردمداران سیاسی جوامع اسلامی که ظاهراً اعلام وابستگی و دل بستگی به خاندان آل عصمت مینمودند و بعضاً غلامی و حلقه بگوشی و سگ درگاه و آستان بودن را افتخاری برای خود میداشتند و این بار با بوق و شیپور تبلیغ و تظاهر پر زرق و برق بخورد خلق الله و عوام الناس میدادند نه به لحاظ شناخت مقام علمی و حق رهبری این معصومین بوده است، بلکه بیشتر برای گول زدن توده‌های مردمی و حفظ تاج و تخت حکومت خود کلام خود بوده است و بس! ...

اگر به راز شهادت قصه گوی هزار و یک شب بوزم عیش و نوش را مشگران خلفای عباسی دسترسی نداریم و اگر چگونگی لای دیوار گذاردن جوانان بنی هاشم (بطور زنده زنده) - بوسیله منصور و هارون و متوکل و ... آن با اصطلاح حکام اسلامی به سکوت برگذار شده است و اگر بین این فجایع (۱) با مجالس فرمایشی علمی و دینی و فلسفی آنان کسسه

(۱) شیعه و زمامداران خود سرترجمه مصطفی زمانی .

با اصطلاح جهت پیشرفت حکومت اسلامی روزوشب و باصدها عالم و دانشمندان و فیلسوف ریائی و درباری برقرار میشد تناسبی نمی بینید، به زندگی نامه زمامداران کشور خودمان ایران از این دیدگاه نظری بیاندازیم خواهید دید که مردم رنج دیده و طبقه بندی شده استثماری زمان ساسانی چگونه به آغوش اسلام پناه آوردند ولی به مرور زمان شاهان و سردمداران این سرزمین خونبار، با توسل به انواع و اقسام کلاهها و کلاهک های گل و گشاد شرعی و عرفی چه بسا روز اسلام آوردند (آنهم بنام حمایت از اسلام!)؟ و حیران و سرگردان می مانید که اینان که در روشنائی و ملاء عام و بارعام ها دم از احکام الهی و اسلام و قرآن و طریقت و شریعت و حقیقت و... میزنند (- طبق معمول سنواتی و به شیوه مرضیه هو و جنجالی برای رنگ کردن مردم و سوار بودن بر خر مرادو!...) چون که شب آید و به بار خاص بدر می آیند آن کار دیگر میکنند که یزید و ابلیس راهم جلودار آنان نیست که هر کدام خود حدیثی است مفصل و مشنوی راهفتاد من کاغذ!... (۱)

(۱) - از کدام بگویم که ندانی، از سلطان غزنوی که با هزار آهن و تلپ تا هندوستان لشکر میکشد که کفار سومات را داغدار کند یا از سرزلف ایازوراز هایش، حسنک وزیر و نیازش و در آن میان سرگردانی فردوسی اش و دردهایش... از تاخت و تاز مغول و تیمور و هلاکو بگویم که اصولاً در آن دوره هیچکس خدائی را نبینده نیست و دین و آئین در نمد فخیم و سردرگم صوفی گری و پشمینه پوشی و خرافات و موهومات، که هر قلندری اگر از حلقه درویشان نبود بل حلقه بگوش ایشان بود... از شاهان و شاهک های صفوی بنالم که از شاه عباس کبیرش گرفته تا سلطان حسین صفیرش هوق کشان باکشکول و تبرزین، این گل مولاها ی بقول شیخ اجل " در صورت درویشان نه بر صفت ایشان " همه در فکر انتخاب امام جمعه درباری و اعظوم داح سلطنتی " تشیع سیاه صغوی " ... از نادر بگویم که پای پیاده به زیارت و آستان بوسی میرود تا دستوپاه و چشم و گوش هندیگان را در کلکته و بمبئی راحت تر بزند و مثله کند... و یا از دربار خاقان بن خاقان های قاجاری که تا خرخره در حکومت حرمسراها و خواجه ها و ملیجک ها، دستی نیز



" چه کسی بر جنازه امام عسگری نماز خواند "

امام دهم حضرت هادی بجز امام عسگری فرزندی دیگری داشت بنام جعفر که برخلاف پدر و برادر شانه از زیر بار تعالیم اسلامی خالی کرد و راه پسر نوح را پیش گرفت و حضور در مجالس درباری و شرابخواری و عشرت را بر راه اسلام ترجیح داد.

جعفر وقتی شهادت برادر را شنید و از وجود فرزند برادر حضرت مهدی هم آگاهی نداشت و حمایت دربار را نیز ضمناً " با خود داشت ، فرصت را غنیمت شمرد و برای تصاحب جانشینی و ادعای امامت تصمیم گرفت که با نماز خواندن بر جنازه امام هادی حق خود را ثابت و مردم را به قبول آن وادار سازد و بهمین جهت پیش از آنکه جنازه را از خانه بیرون برند دم در ایستاد و تسلیت نسبت به شهادت برادر و تهنیت و تبریک را نسبت به امامت خود از مردم دریافت میکرد (که البته تعدادی از اصحاب و شیعیان از این موضوع که جانشین امام مرد شرابخواره و بدنامی است دچار شک و تردید و دربار خلیفه از این تزلزل خوشحال شد) .

اما این نقشه با لطف پروردگار نقش بر آب شد و اعجازی دیگر صورت گرفت طولی نکشید که " عقید " خادم امام عسگری از منزل بیرون آمد و به جعفر گرفت :

" آقای من برادرت کفن شده و آماده نماز است برخیز و بر آن نماز بخوان " !
جعفر وعده‌ای از شیعیان که در راه آنها " عثمان بن سعید عمری کسه اولین نایب خاص حضرت مهدی شد وارد خانه گشتند ، وقتی جعفر در میان

در دست استعمار دارد و نظری به مرمت بقاع متبرکه و زیارت خانه ها و یانه از " پهلوی ها " بگویم که خود دانی که در آن زمان که با اصطلاح سایه خدا به خانه خدا میرفت افتخار خدایگان در پیدن چادرها از سر بندگان خدایش بود و در حالیکه با چه چه و به به کمر بسته امامها و نظر کرده های امام زاده ها میشد با چه کبکبه و دبدبه ای بمباران زنده ها و مرده ها راهم جایز

مخصوص امام به نماز ایستاد یکمرتبه مردم دیدند بجهای گندم گون ، بسا
 موهای مجعد و دندانهای گشاده بیرون آمد و فرمود:
 " عمو عقب بایست که من سزاوارترم که برپدرم نماز بخوانم " !!

جعفر هم بدون چون و چرا عقب میروید در حالیکه رنگ صورتش پریده ، بچه
 جلومی ایستد و برپدر نماز خواند .

در اینجا عمل حضرت مهدی آن بود که ضمن رسوا کردن مدعی دروغی چون
 عموی خود بردیگران نیز اتمام حجت در مورد جانشینی امام عسگری را بعمل
 آورد .

محاصره خانه امام

وقتی که جریان نماز خواندن حضرت مهدی بر جنازه امام عسگری اتفاق
 افتاد و جعفر از نقشه خود مبینی بر جانشینی امام شکست خورده دست بدامان
 معتمد خلیفه شد و حتی برای این کار حاضر شد که سالی ۲۰ هزار دینار هم بدهد!
 اما خلیفه یقین داشت که از نسل امام عسگری برابر روایات اسلامی فرزندی
 وجود دارد، با این تصور که شاید بتوان از طریق اطلاعاتی که جعفر در اختیار
 میگذاشت به این مهم دست یابد، لشکریانی بخانه امام فرستاد و ضمن محاصره
 آنجا تمام اطاق ها و دهلیزها و روزنه ها را تفتیش کردند ولی اثری از حضرت
 نیافتند و سربازان نیز پس از غارت و چپاول تنها بانوئی را که در خانه بود
 دستگیر و زندانی کردند .

مادر امام در زندان

با دستگیری و تحت فشار قرار دادن نرگس فعالیت زیادی در جهت شناختن
 و نابودی مهدی موعود صورت گرفت و با اینکه این بانوی مجاهد و باایمان و
 صبور را تحت شکنجه و زندان قرار دادند هرگز اقرار بوجود امام موعود نکرد

و این راز فاش نشد و دولت عباسی نیز پس از آن که دو سال او را در زندان و تحت مراقبت نگاهداشتند بالاخره ماء یوس شدند و او را از زندان آزاد کردند.

توضیحی که در پایان این بخش لازم به تذکر است اینکه در مورد نسام مادر امام زمان در کتابهای تاریخ اسلامی به اسامی مختلف برخورد میکنیم که مشهورترین آن ها " نرگس " و " نرجس " و " سوسن " و " زریحان " و " میقل " است .

این نام ها که اسامی گلها میباشد هیچکدام حقیقی نیست و اسامی واقعی مادر آن حضرت " ملیکه " دختر یسوعا پسر قیصر روم و از نواده های شمعون ^{می} وصی حضرت عیسی است . که در جنگ میان روم و مسلمین اسیر و بالاخره بطریقی معجزه آسا به عقد امام حسن درآمد .

" تواریخ اصول کافی - کمال الدین - نجم الثاقب و ... علت وجود اسامی مختلف و چگونگی این وصلت فرخنده را به اسناد معتبر تشریح کرده است " .

امامت مهدی

فلسفه غیبت ...
دلیل وجودی حجت آخر
چگونگی امامت ...
.....

پس از شهادت امام یازدهم در سال ۲۶۰ هجری با نماز خواندن مهدی مو عود بر جنازه پدر و آثار و علائمی که اصحاب و شیعیان خاص از آن حضرت دیدند در محیطی خفقان و فشار و ستم امامت رسمی امام دوازدهم تحقق بخشید و آن حضرت در سن ۵ سالگی بایسن مهم دست یافت .

ممکن است عده‌ای مقام ولایت و امامت را به سن ارتباط دانسته و بگویند چگونه ممکن است با ورکرد کودکی در سن ۵ سالگی بمقام پیشوایی و امامت برسد و این دوران عقل و منطق بشری است !

- پاسخ این است که :

" اولاً مقام امامت و یان نبوت یک مقام ظاهری نیست که مثلاً به سن و سال بستگی داشته باشد بلکه یک امر و مقام الهی است که ضمن ارتباط و اتصال با الله از هر گونه خطا و عصیان و گناه بدور است . و نمونه های بسیار هم دارد :

- حضرت عیسی در گهواره با مردم سخن گفت و خودش را پینمبر و صاحب کتاب معرفی نمود (سوره مریم آیه ۲۹) .

حضرت جواد امام نهم نیز در سن ۹ یا ۷ سالگی به امامت رسید و چون موضوع امامت در بین بعضی از شیعیان مورد تردید واقع شد عده‌ای از بزرگان شیعه خدمت امام رسیدند و مدها مشکل و مسائل را از آن حضرت پرسیدند که با گرفتن تمام جوابهای کامل رفع شک و شبهه گردید .

- درباره امام دهم حضرت علی النقی نیز چنین است که در موقعی که با امامت رسیدن ۵ سال و ۵ ماه از سن شریف اش میگذشت .

- در ثانی گرچه علم و امامت و پیشواری نمیتوان با کودکان نابغه قابل مقایسه دانست ولی در دنیا کودکان نابغه که از حیث استعداد و حافظه قابل مقایسه

با مردان و علمای بزرگ بوده اند کم نیست .

ابوعلی سینا - کلیه علوم فقهی - ادب - قرآن را تا سن ۱۰ سالگی فراگرفت و در سن ۱۲ سالگی فتوی داد. در سن ۱۶ سالگی کتاب قانون را نوشت و در ۲۴ سالگی متخصص تمام علوم زمانه خودگشت !

توماس یانگ انگلیسی - در دو سالگی خواندن را میدانست و در ۹ سالگی تا ۱۴ سالگی زبان های فرانسه - ایتالیایی - عبری - فارسی و عربی را یاد گرفت (۱) !
بنابراین خرده گیری که به طفولیت امام در زمان تصدی امامت خرده میگیرند بدان دلیل است که ظوابطی را مورد سنجش قرار میدهند که صرفاً مادی است و این همان ایرادات و یا ضوابطی است که مثلاً در مورد غیبت را ز طول عمر و حکومت جهانی واحد عنوان میکنند که در قسمتهای دیگر مختصراً اشاره ای بآن خواهد شد.

بشارت فلسفه غیبت از زمان امام عسگری

امام عسگری خوب میدانست که اراده ازلی بمنظور برپا داشتن حکومت حقه و پیاده شدن عدل اسلامی و جهانی تعلق گرفته و بناست که فرزندش مهدی (ع) بدین منظور ذخیره شود و برای مدتی نامعلوم دور از چشم مردم زندگی کند تا شرایط زمان و مکان مستعد این ظهور گردد و در سایه آن ترس و ناامنی بشر تبدیل به امن و آسایش بشود، تا بشر خدای یگانه را بپرستد و عبادت کند ، تا حکومت مومنین تشکیل شود.....

بدین جهت برای خود وظیفه سنگینی احساس مینمود و سعی بر آن داشت که برای غیبت فرزندش مهدی زمینه را آماده سازد.

به همین جهت از یک طرف با مبارزه منفی و در پیش گرفتن یک خط مشی سیاسی منفی با دستگاه دولتی - حکومت معتمد عباسی خلیفه زمان خود عمل میکند و از طرف دیگر با راهنمایی نمودن طرفداران - شیعیان و دوستان شیعه میکوشید که در دام

(۱) دادگستر جهان - ابراهیم امینی .

حکومت جبارگرفتار نشوند .

ت
 بخصوص چون غیبت و مساله غیبت امام مهدی مساله‌های دور از فهم و ادراک و محسوسات بشرعادی میباشد و امر الهی و دستغیبی در کار است گرچه میتوان مثل طول عمر حضرت را با موازین طبیعی اثبات کرد ولی قطعاً طول عمر آن حضرت مربوط به اراده خاصه خداوندی و مشیت الهی استوار میباشد . البته زیرسازی فکری برای معرفی مهدی و غیبت آن حضرت از زمان پیغمبر و ائمه بعد از آن حضرت پی در پی ادامه داشته و روایات زیادی هم در کتابهای مهم وجود دارد (که در این کتاب بدانها اشاره شده است) منتهی این مساله در زمان حضرت عسکری بیشتر جلب توجه میکند .

چون مردم در این دوره وقوف و اعتقاداتی به امر غیبت دارند و کوشش حضرت بر آن است که تحقق غیبت را بفهمانند که بزودی شروع میشود و غیبت صغری - غیبت کبری و حکومت و امامت مهدی آغاز میشود فعلاً حضرت عسکری هم مربوط به ولادت مهدی و تربیت و حفظ و نگهداری و پنهان نگهداشتن آن حضرت دور از چشم بوده اجتماع مگرد برابر بعضی از خواص و صاحببهمین دلیل است ، و در درجه دوم با بیان خطابه‌ها و سخنرانی‌ها آشنا کردن مردم به وظایف خود در زمان غیبت .

امام در نامه‌ای که به ابوالحسن علی بن حسین با بویه قمی می نویسد میفرماید :

« با صبر و شکیبایی بهترین اعمال امت من انتظار فرج است . »

ست
 " همیشه شیعیان مادر غم و اندوهند تا فرزندانم همچنانکه پیغمبر بشارت داده است

ظهور کنند و صفحه گیتی را چنانکه ظلم و ستم فرا گرفته پراز عدل و داد نماید . "

توجه کنید به دو مساله صبر و انتظار که بارها از زبان رهبران اسلامی عنوان شده ولی

متأسفانه در زمان ما با برداشتی غلط و انحرافی و استعماری بکار رفته است .

صبر یعنی تحمل مشقات و فرازونشیب‌ها از طریق مبارزه جهت تقویت نیروها و انتظار

یعنی جلوگیری از زشت کاری‌ها از یک طرف و وعده ظهور مهدی و حکومت عدل الهی

از طرف دیگر که لزوماً مادگی هر مسلمان است .

انتظار و صبر و شکیبایی نه به معنای دست روی دست گذاردن و تسلیم و رضا به نامردی ها و نامرادی ها شدن است و نه به معنی سازش با هر وضع و نظام حاکم است بلکه یک شناخت جهت گیری و حرکت انقلابی و انسانی است "به بحث استظار توجه شود".

آغاز غیبت صغری

برای آغاز غیبت حضرت مبداء و تاریخ دقیقی در دست نیست ولی آنچه مسلم است هرچه زمان جلوتر میرفته حضرت کمتر خود را ظاهر می نموده است و این روشی است که پدر آن حضرت امام عسکری هم اعمال میکرده است تا زمینه ای برای غیبت حضرت مهدی آماده و مورد قبول مردم باشد.

از فرمایشات پیغمبر و معصومین چنین استنباط میشود که حضرت مهدی دارای دو غیبت است که یکی کوتاهتر (صغری) و دیگری بزرگتر و طولانیتر (کبری) میباشد.

غیبت صغری و اشیرات آن

غیبت صغری تا سال ۳۲۹ هجری طول کشید که اگر آغاز آن را تولد امام بدانیم ۷۴ سال و اگر سال شهادت امام عسکری را مبنا قرار دهیم ۶۹ سال طول کشیده است. در این دوره چهار عالم و مجتهد با مرالهی و دستور امام بنام "سفیر خاص ویا" نایب خاص "به وکالت از طرف امام زمان عهده دارا مامت و رهبری شیعیان بوده اند که مسائل و مشکلات مسلمین را با امام در میان گذاشته و جواب دریافت میداشتند و یا اطلاع میرسانیدند.

این چهار نفر عبارتند از: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمری. (به شرح حال مختصری از این نواب خاص توجه فرمائید).

سفیر اول - امام عثمان بن سعید

عثمان بن سعید عمری وکیل و سفیر اول مورد توجه امام هادی و امام عسکری نیز بود که در زمان وکالت برای آنکه پوششی روی فعالیت های خود بگذارد و دستگاه جبار

حکومت متوجه فعالیت‌های اسلامی وی نشوند شغل روغن فروشی را پیشه خود کرده بود اغلب وجوهات و حقوق الهی که از طرف مردم بعنوان سهم امام میرسید در داخل خیک و لابلای مشک روغن می نمود و به خدمت حضرت ارسال میکرد تا از مصادره و ضبط اموال توسط حکام و امرای دولتی جلوگیری شود.

امام هادی و عسکری عثمان را مورد اعتماد و امین خود دانسته و فرموده هر چه او بگوید و هر عملی که او انجام دهد در حکم عمل و گفتار معصوم است و اطاعت از آن واجب میباشد.

سفیر دوم - امام محمد بن عثمان

پس از فوت عثمان طبق دستور عثمان و از جانب حضرت مهدی (ع) نیابت خاص سفارت امام به پسرش محمد بن عثمان واگذار گردید و مردم نیز مشکلات و مسایلی خود را با او در میان میگذاشتند تا بعرض امام برسند.

توقیعات و دستورات مقدس امام هم در طول حیات محمد بن عثمان با همان خط و نوشته که در زمان پدرش صادر میشد بدست وی صادر و به شیعیان میرسید.

وفات محمد بن عثمان در سال ۳۰۴ در بغداد بوده است.

سومین نایب خاص امام زمان

سومین نایب خاص امام زمان ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی بوده است.

در اواخر عمر محمد بن عثمان دومین نایب خاص امام وقتی سهم امام و اموال و موقوفات را به حضور وی میبردند دستور داد که آنها را به نزد حسین بن روح ببرند و او هم چنانچه رسم بوده از جانب امام علامات و مبلغ پول و میزان مال و اسم صاحبان آن‌ها را می‌گفته و بعد سهم امام را تحویل می‌گرفته است.

وفات حسین بن روح در سال ۳۲۶ هجری و در بغداد بوده است.

چهارمین و آخرین نایب خاص امام زمان

آخرین سفیر خاص امام زمان ابوالحسن محمدسمری است که به امر امام و معرفی حسین بن روح انتخاب گردید. پس از آنکه مدت عمر او به سر آمد و در بستر بیماری بود شیعیان از وی خواستند که جانشین بعد از خود را معرفی کند ولی او جواب داد که امام زمان فرموده که غیبت کبری فرارسیده و با مر خداوند نایب خاص از این پس نخواهد بود و مردم میتوانند به ثواب عام و علما از زمان خود مراجعه نمایند البته این علما باید کسانی باشند که به علم خود عمل نموده و حافظ دین خدا و اسلام و پیرو مکتب واقعی قرآن و رسالت پیغمبر و ائمه معصوم (ع) بوده و مبارز و مخالف با اعمال شیطان و هوسهای نفسانی باشند.

توقیع و بشارت امام زمان در مورد غیبت کبری

در توقیعی که از ناحیه مقدسه امام در آخرین روزهای عمر سیمری صادر شده در مورد آغاز غیبت کبری چنین آمده است ...:

" بسم الله الرحمن الرحيم "

" ای علی بن محمد سیمری ، خداوند پاداش و اجر برادرت را "

" در مرگ تو بزرگ گرداند زیرا تا ۶ روز دیگر تو خواهی مرد "

" پس بکارهای خود رسیدگی نما و هیچکس را بعنوان جانشین خود "

" وصیت نکن که غیبت کبری فرارسیده است ، من ظاهر "

" نمیشوم مگر بعد از اجازه خداوند و این اجازه بعد از گذشت "

" زمان ها و سخت شدن دلها و پر شدن زمین از ظلم و ستم خواهد "

" بود. "

" در آینده نزدیک مسلمانانی پیدامی شوند که ادعای "

" بابت و مهدویت میکنند ، آگاه باشید که هرگز چنین "

" ادعائی نماید قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی دروغگو "

" میباشد و افترا می بندد ، و لاحول و لا قوه الا بالله العلی العظیم "

و بدین صورت غیبت صغری با پایان یافتن نیابت خاصه در ۳۲۹ هجری به پایان رسید و نیابت عامه و غیبت کبری شروع شد که در این دوره شیعیان میتوانند به هر کسی که بدرجه اجتهاد و مقام والای عالم حقیقی رسیده باشد و علائم خاص رهبری امت را دارا باشد مراجعه کنند.

مسئولیت نایب عام امام

در غیبت کبری جانشین حجت خدا و امام با نظر امت اسلامی تعیین می شود که این تعیین و شناخت نه بر پایه اصول نصب^۱ انتصاب^۲ استوار است و نه بر اساس و روش رای گیری و انتخاب^۳ انتخابات^۴ این یک^۵ تشخیص^۶ است که امت آن را در قالب مجتهد یا مجتهدین واجد شرایط (علمی - مذهبی -) بعنوان رهبر جامعه اسلامی^۷ " امامت " می پذیرد.

مسئولیت و حدود اختیارات مقام امامت هم با وظیفه رهبری سیاسی یا اداری (اعم از خلافت - سلطنت و یا حکومت) فرق دارد. چه در آزادترین شکل رهبری هـ (مثلاً مکرسی یا لیبرالی و یا ...) رهبر یا رهبران فقط در مقابل مردم و یا قانون (مجلس) مسئول است در حالیکه امام و جانشین او نه تنها در مقابل مردم بلکه در برابر امام و مکتب اسلامی نیز مسئولیت دارد.

مسئولیت امامت هدایت و رهبری امت و مردم است بر اساس ایدئولوژی ثابت اسلامی و مکتب الهی که هدف آن رسیدن بجامعه توحیدی - تکامل و قسط است (۱)

(۱) نقش روحانیت پیشرو - ترجمه ابوالقاسم سری صفحه ۱۴ به بعد و اصول کافی

جلد ۲ صفحه ۲۶۲ به بعد

فلسفه غیبت

ممکن است عده ای باشند که در صداین سؤال برآیند که چرا حضرت مهدی در غیبت است، و دور از انظار برمیبرد؟ ...

فلسفه این غیبت چیست؟ و یا

اصول وجود حجت زمان برای جهان چه اثری دارد؟ ...

در پاسخ بطور بسیار مختصر باید گفت:

اول - هر کس که خداوند متعال را به وحدانیت قبول داشته باشد و معتقد به این باشد که کلیه اموری که از طرف خدا انجام شده و میشود بی دلیل و حکمت و مصلحت نیست پس باید در مورد غیبت امام مهدی (ع) هم اعتقاد داشته باشد که حتماً علتی دارد که به مصلحت الهی تا کنون بر بشر پوشیده مانده است.

دوم - با توجه به اینکه امروز علوم و فنون به ترقیات زیادی رسیده و توسعه یافته است کسی نمیتواند معتقد به آن باشد و یا ادعا کند که علم به انتها رسیده و یا علم و دانش تمام مسائل لاینحل جهان بشری را حل کرده است.

- مگر علم توانسته تا کنون اسرار وجود آدمی را دریابد؟

- مگر علم توانسته تا کنون اسرار پیچیده مغز آدمی را بشناسد؟

- مگر علم توانسته تا کنون راز علت و معلولی هستی طبیعت - موجودات و

جمادات را بر ملا کند؟

- مگر علم توانسته تا کنون دامنه نیازها و اندیشه های آدمی را اندازه گیرد؟

- مگر علم توانسته تا کنون رابطه عقل و خرد را بادل و نظر (عشق - نفرت

محبت - حسادت و ...) بیان کند؟

- مگر علم توانسته تا کنون به راز آفرینش و اسرار کرات دیگر پی ببرد؟

- مگر علم توانسته تا کنون حتی خواب دیدن بشر را پاسخگو باشد؟

مگر علم توانسته

در حالیکه این مگرها و صدها مگرهای دیگر در افکار و اندیشه ما از نا توانسی علم و دانش حکایت دارد آیا علت غیبت مهدی موعود را صرفاً از طریق علم و منطق پاسخ خواستن و ثابت شدن نمیتواند نشانی از بی اعتمادی به ایمان باشد؟ این پاسگال است که در اوج آگاهی به دانش و علم بشری از کوچکی و درماندگی آن می نالد و فریاد می زند.

دل " ایمان " را دلالی است که عقل " علم " را بدان راهی نیست!

دانشمندان بزرگی چون ادیسون - ویلیام جیمز - نیوتن و انیشتاین عقیده دارند که بشر با همه این پیشرفتهای و ترقیهای تا کنون توانسته از مجموع دانستنیهای جهان فقط یک در میلیون آن را درک کند و با این وصف چگونه میتواند به راز غیبت امام مهدی آنهم از طریق علم و دانش و یا رابطه علت و معلولی و منطق صرف پی ببرد؟ وقتی از رسول اکرم و ائمه معصومین در مورد علت و فلسفه غیبت سؤال میکردند مورد را فقط خواست خدا و علت را حکمت خدا میدانستند و میفرمودند:

« ما اجازه نداریم فلسفه و علت غیبت آن امام را اظهار بداریم تا زمانیکه خود آنحضرت قیام کند و علت را بازگو نماید. »

غیبت از دیدگاه قرآن

در کتاب آسمانی قرآن راجع به مسأله غیبت سخن بسیار رفته است که در این جا به دو نمونه اکتفا می شود.

۱ - سوره زخرف آیه ۲۸ :

" وَجَعَلْنَا كَلِمَہٗ بَاقِيہٗ فِي عِقبِہٗ لَعَلَّہُمْ يَرْجِعُونَ "

" قرار داد آنرا سخنی باقی و استوار در پشت نسلش که امید است برگردد "

حضرت امیر در شرح این آیه فرمود:

" این آیه درباره مانا نازل شده که خداوند امامت را در پشت و نسل حسین تا روز قیامت قرار داد. باد و غیبت که یکی از دیگری طولانی تر است .

۲ - سوره تکویر آیه ۱۵ و ۱۶ :

" فَلَا أَقْسِمُ بِالْخَنَسِ الْجَوَارِ الْكُنَسِ "

" سوگند به ستارگان حرکت کننده پنهان شونده . "

امام باقر در معنی این آیه فرمود: مقصود امامی است که در سال ۲۶۰ خود را از مردم پنهان میکند و سپس همانند ستاره فروزان در تاریکی شب ظاهر و آشکار میگردد و هرکس آن زمان را درک کند چشمش روشن خواهد شد.

بیانی از پیغمبر درباره غیبت

حضرت رسول درباره غیبت حضرت مهدی فرمود:

" مهدی از فرزندان من است . اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است . شبیه ترین مردم از جهت آفرینش و اخلاق بمن است . برای او غیبت و حیرتی است که گروههایی در آن زمان گمراه می شوند سپس همانند ستاره پرفروغ آشکار میگردد و زمین را بعد از واد پر میکند آن چنانی که به جور و ستم پر شده است . "

رسالت اسلامی غیبت

گرچه فلسفه غیبت همانطوریکه گفته شد جزو اسرار الهی است ولی با بررسی سلسله گفتار - اخبار و احادیث اسلامی میتوان علت های زیر را در مورد غیبت امام برشمرد .

۱ - بیداری و تادیب شیعیان :

با توجه بدانکه پیغمبر و یازده امام با آن همه مشقت و گرفتاری زندگی کردند آخری شهادت رسیدند . امام حجت در پس پرده غیبت ایت تا مردم ضمن پی بردن بردن به قدر و منزلت معصوم و رهبر با آمدگی در انتظار ظهور و یاری قیام باشند .

۲ - اصلاح نفوس انسانها :

در زمان حیات رهبر و پیشوا وقتی مردم اخلاق و رفتار و عقیده خود را منطبق با رفتار پسندیده آنان نکردند لازم است با غیبتی طولانی مردم را به اصلاح و افکار

و عقاید خود و ادانت و آماده مبارزه با فساد و ظلم و ستم و جانبداری از حق و عدالت و حکومت الهی .

۳- آزمایش و امتحان :

اکثر ما مردم قبل از این که پای آزمایش و امتحان بمان آید خود را مسلمان واقعی و پرهیزکار و متقی و با ایمان میدانیم ولی وقتی پای آزمایش و یارویداری - بعنوان امتحان بمان آید با دیدن کمترین نابسامانی و مشکلات چنان پایسه اعتقاد و ایمانمان سست و متزلزل میشود که استقامت را از دست داده و در جهت آب و یاسیر باد در می آئیم .

مسأله آزمون خلق در دوران مختلف زندگی بشر وجود داشته است که به روایت قرآن میتوان از دستان موسی و بنی اسرائیل و داستان " ابراهیم و آتش نمرود " و جریان جالوت و در تاریخ اسلام از " حکمیت " زمان حکومت علی و " صلح حسن " و " شهادت حسین " و ... نام برد .

غیبت نیز رویدادی دیگر از این سنت خدائی است .

۴- قبول نکردن تبعیت و حکومت ستمکاران .

همانطور که در زندگی ائمه و پیامبر آمده اغلب در زمان خود مواجه با حکومت های جابر و ستمکار بوده اند تنها حکومت مهدی خواهد بود که قبول هیچ حکومتی را نخواهد کرد و با از بین بردن تمامی حکومت های خودکامه حکومت واحد الهی را - جایگزین آن خواهد نمود .

۵- آماده نبودن مردم جهان :

هنوز برای مردم جهان قابل پذیرش نیست که ممکن است یک نوع حکومت جهانی واحد با خصوصیات الهی و رهبری اسلامی در سرتاسر جهان بوجود آید و یکی از علل آن این است که مردم چنان گرفتار مسایل مادی و علت و معلولی آن شده اند که آمادگی این نوع حکومت را ندارند و تا زمانی که این انتظار برآستی از طرف مردم جهان نباشد

و این عشق و علاقه راستین بوجود دنیا مده باشد سعادت دیدار و ظهور همچنان در پیس پرده غیبت خواهد بود.

نظر امام زمان درباره غیبت

یکی از بزرگان شیعه طی نامه‌ای توسط محمد بن عثمان نایب دوم امام فلسفه غیبت را از خود آن حضرت سؤال نمود که پاسخ زیر را از امام دریافت نمود.

" اما جهت و علت غیبتی که رخ داده این است که خداوند میفرماید " ای کسانی که ایمان آوردید از بعضی چیزها سؤال نکنید که اگر برایتان آشکار شود به ضررتان میباشد " هر یک از پدران من ناچار بودند که بیعت ستمکاران زمان خود را بپذیرند اما من وقتی که ظهور نمایم بیعت هیچیک از ظالمان را نپذیرفته و به عهده نمیگیرم ولی استفاده ای که مردم از وجودم در غیبت میبرند مانند استفاده از آفتاب است آنگاه که ابر آنرا بپوشاند . وجود من امان برای مردم روی زمین است همانطور که ستارگان امان برای اهل آسمان هستند . پس درهای سؤال را از چیزی که سودی بحال شما ندارد به بندید و برای فهم و درک چیزی که تکلیف بدان نشده‌اید خود را ناراحت نکنید و برای تعجیل در فرج من زیادی دعا کنید که آزادی و گشایش شما در این است (۱)

سوابق غیبت

در کتابهای آسمانی و تواریخ مذهبی مسأله غیبت مهدی موعود موارد مشابه بسیار دارد چنانچه :

— حضرت عیسی همانطور که مسلمانان و مسیحیان اعتقاد دارند از نظر هـا غایب است .

— در کتابهای اسلامی آمده که حضرت خضر زنده و دور از انظار میباشد .

— داستان غیبت حضرت موسی هنگامی که فرعون و قوم بیداد او فرار کرد طوری بود

که هیچکس در طول آن مدت از وی اطلاع نداشت قرآن - سوره قصص و طه .
 - غیبت یونس که در قرآن هم آمده نمونه دیگر است . وقتی یونس از میان
 قوم خود که نافرمانی خدا را میکردند بیرون آمد و از نظرها ناپدید شد تا سپس
 با مر خدا بسوی قوم خود بازگشت .

داستان اصحاب کهف که باز در قرآن آمده که چند جوان با ایمان برای حفظ
 ایمان خود از قوم بت پرست خود کناره گرفتند بعد از سیمدونه سال آشکار گشتند .
 - حضرت الیاس که یکی از پیامبران است از روزی که متولد شده تا کنون زنده
 است و زندگانی میکند .

- حضرت عیسی بن مریم که تا کنون در حدود دوهزار سال از عمر شریف اش میگذرد .
 "اگر چه طایفه یهود عقیده دارند که آن حضرت را بدار زدند لیکن قرآن این عقیده را
 تکذیب نموده و اعلام میدارد که عیسی نه کشته شد و نه بدار کشیده شد بلکه آن حضرت
 را به جانب خود بالا برده تا زمانی که حضرت مهدی ظهور کند و حضرت عیسی پشت
 سر آن حضرت نماز خواهد خواند" . آیه ۱۵۷ - سوره نساء قرآن .

- در قرآن آیه ۲۶۰ سوره بقره در مورد حضرت عزیز آمده که خداوند اراده
 کرد که مدت صد سال بود که از دنیا رفته بود زمانیکه خدا عزیز را زنده کرد به وی فرمود:
 " به آب و غذای خود نگاه کن که هیچ تغییری نکرده اند" !
 "غذای عزیز آب انگور و انگیر بوده که زود فاسد شدنی است لیکن خدا نگهدار آن -
 شده بود" !

- حضرت محمد پیا مبر اسلام سه سال در شعب ابوطالب و سه روز در غار نور مخفی
 و پنهان گشت و هیچکس از وی خبری نداشت و همچنین مدتی که در کوه حری بسر میبرد
 ناپدید شده بود . (۱)

و همچنین جریان رفتن از غار به مدینه که از نظر مردم که ناپدید شده است همه گویای
 موارد مشابه غیبت مهدی موعود میباشد .

(۱) کمال الدین - جلد ۲ - صفحه ۱۳ به بعد .

شواهد طول عمر

همانطور که فلسفه غیبت بی سابقه نیست در مورد طول عمر هم گاه دیده شده که عده‌ای عمرهای طولانی داشته‌اند و پس از مدت مدیدی زندگانی در این دنیا چشم از جهان فرو بسته‌اند.

ضمن آنکه اگر طول عمر بسیار زیاد هم که باشد منافاتی با این " کل نفس ذائقه الموت " (هر نفسی مزه مرگ را خواهد چشید) را هم ندارد زیرا این آیه قیود ندارد که این مرگ در چه سنی به سراغ آدمی خواهد آمد بلکه در صد اثبات این است که بشر در این جهان جاودانه نیست و قبل از قیامت هر انسانی خواهد مرد که در مسوورد حضرت مهدی هم صدق میکنند.

بچند نمونه از افرادی که عمرهای بی سابقه داشته‌اند توجه فرمائید:

- در تورات آمده که ذوالقرنین مدت ۲ هزار سال عمر کرده است.
- عوج بن عناق مدت سه هزار و سیصد سال عمر کرد این مرد که نام پدرش سبحان و نام مادرش عناق بود در زمان حضرت آدم متولد و زنده ماند تا اینکه حضرت موسی او را کشت.
- حضرت آدم مدت نهصد و سی سال عمر کرد.
- حضرت مریم مدت پانصد سال عمر داشته است.
- ضحاک مادر دوش و همچنین طهمورث و فریدون هر کدام در حدود یک هزار سال عمر داشته‌اند.

- شیث پیغمبر در حدود ۹۱۲ سال عمر کرد و در پیغمبر هم ۹۶۵ سال عمر کرده است. سلمان فارسی که در زمان پیغمبر اسلام از اصحاب نزدیک بوده از زمان عیسی بن مریم هم زندگی کرده است.

- دجال که در زمان قیام امام زمان خروج میکند در عصر پیغمبر اسلام زندگی میکرده و هنوز هم با اینکه از دشمنان خدا می باشد زنده است.

جالب ترین نکته درباره طول عمر حضرت نوح میباشد.

- حضرت نوح که مدت دو هزار و هشتصد سال عمر کرد وقتی ملک الموت برای قبض

روح او آمد حضرت نوح در میان آفتاب نشسته بود ملک الموت به وی سلام کرد و گفت که برای قبض روح او آمده است!

حضرت نوح گفت آنقدر مهلتم بده که از این مکان در جای دیگر منتقل شوم . ملک الموت مهلت داد حضرت نوح از جای بلند شد و در زیر سایه درختی خوابید و اجازه داد قبض روح شود.

ملک الموت گفت یا نوح تو در میان فرزندان آدم از همه بیشتر عمر کردی . بگو بدانم که دنیا را چگونه دیدی،؟!!

نوح گفت . من از دنیا چیزی بخاطر ندارم جز اینکه از میان آفتاب در زیر سایه درختی منتقل شدم !!

وجود امام و حجت برای جهسان

بنا به دلایل عقلی و نقلی همانطور که آفتاب و ماه برای بقاء حیات و زندگی همه موجودات ضروری است امام نیز باید در جهان و در میان افراد بشر باشد تا لطف و رحمت الهی را بسبب قرب و منزلتی که در پیشگاه خدا دارد در جامعه بشریت منتشر کند و بشر را راهبری نماید.

حضرت علی در نهج البلاغه خطبه ۱۳۹ میفرماید:

" ای خداوند! این چنین است که زمین از حجت و قیام کننده‌ای که از جانب تو باشد خالی نمی ماند. چه آنکه حجت و امام ظاهر و آشکار بوده یا پنهان و مستور. تا نشانه‌ها و دلایل‌های وجود تو باطل نشود و مردم عذوبه‌خانه‌ای نداشته باشند."

نقش امام در غیبت

در دوره غیبت گرچه امام از نظر ظاهری مردم محسوس و پیدان نیست ولی آن حضرت در میان مردم است و با مرپروردگار وظایفی بر عهده دارد که انجام میدهد عبارتند از:

- پیوند معنوی انسان با خدا از طریق راهنمایی و ارشاد معنوی

- ادامه حیات و بقاء مخلوقات مخصوصا انسان .

در این باره حضرت سجاد فرمود:

"اگر از ما کسی در روی زمین نباشد هر آینه زمین اهلش را فرو میبرد (۱)"

— امیدوار بودن مردمان مؤمن و صالح و پرهیزکار که در زمان بروز سختی ها و فشارهای حکام و پادشاهان، مردم امام زمان را چون پناهگاهی میدانند که با امید و انتظار به آن حضرت تکیه میکنند و در راه خدمات الهی با همه ظلم و ستم ها قدم بر میدارند چه حضرت امیر (ع) با آن مقام و مرتبه اش میفرمود:

"هر وقت سختی و فشار بر ما حمله ور میشد به رسول خدا پناه میبردیم."

امام زمان در کجا بسر میبرد

از روایات مختلف چنین بر میآید که حضرت مهدی در زمان غیبت غالباً در مدینه و حوالی آن بسر میبرد و سی نفر از دوستان و خواص آن حضرت پیوسته با وی هستند و هرگاه یکی از آنها بمیرد دیگری جای او را میگیرد.

حضرت صادق فرمود:

"صاحب الامر را خانه‌ای است که آنرا "خانه حمد" میگویند. در آن خانه چراغی است که در زمان ولادتش تا روزی که با شمشیر قیام کند روشن است و خاموش نمیشود." در بعضی از روایات نیز آمده که حضرت با خانواده و فرزندان خود در جزیره ای بنام خضراء در دریای سفید (بین مصر و اندلس) زندگی میکند (۲)

نکته . . .

در خاتمه این بخش لازم به یادآوری است که:

از طرفیاره‌ای از مستشرقین و یابا اصطلاح خاورشناسان خارجی چون "دارمستر" و امثال او درباره مهدی تحقیقاتی کرده و اشکالاتی گرفته و حتی وجود و ظهور را منکر شده

(۱) اصول کافی - جلد اول صفحه ۲۵۱

(۲) مهدی القاشم - عمادزاده صفحه ۳۶۳ به بعد.

ومساله مهدویت را افسانه - موهومات و یا خرافات دانسته اند که معلوم است این خارجیان که اغلب در بررسی خود ما موریت های پنهانی نیز داشته اند چه آشی برای اسلام و مهدویت پخته اندومی بزنند! (۱).

(دارمستتر خاورشناس جهودنژاد فرانسوی است که درگیرودار آشوب محمد احمد سودابی که خود را مهدی نامید و با انگلیسی ها می جنگید در باره مهدویت شروع به تحقیق کرد و آن را نادرست و با عقل ناسازگار دانست. و مدارک بررسی او هم اغلب بسسه نوشته های ابن خلدون بخصوص در مقدمه کتاب خود مستند کرده که ضدیت ابن خلدون با شیعه بر پایه عناد و دشمنی است و برهیچ فرد پوشیده نیست (ابن خلدون سنی و مذهب مالکی داشته " ولی همین دارمستتر شرق شناس زبان دان و فرانسوی " ای ، به پتروشفسکی " تاریخ دان فرهنگستان علوم شوروی پایه های عقاید مردم را در باره ظهور مهدی ستوده اند و قیام سربداران را نمونه آورده اند و به اروپائیان هشدار داده اند که :

" قومی را با این چنین احساسات مذهبی میتوان کشتار کرد اما مطیع "

" نمیتوان ساخت. "

۱- این هم از آن دردهای وارداتی جامعه علمی ما شرقی هاست که همیشه چشم به قلم و گوش به دهن غربیان بوده ایم که ببینیم حضرات در بسساره معتقدات اخلاقیات و خصوصیات و حتی شخص خود ما چه میفرمایند؟ و ما را چطوری میشناسند و بعد قبول کنیم که (بابا ما آن هستیم که ایسین موبورهای چشم زاغ چپ نویس می گویند نه آنچه ما سیاه چشمهای راست نویس یا ورداریم) استعمار تا آنجا پیله کرد که حتی بفکر تغییر خط هم افتادیم ، تغییر رنگ را که سالها قبل تجربه کرده بودیم ! . . .

۵

مهدی نماها

(نیونگ تاریخ)

چرا مهدی نما ؟ ...
نقش استعمار جهانی
بابیت و بهائیت ...
.....

در بخش‌های قبلی بطور بسیار مختصر گفتار و سخنان، روایات و احادیثی که از منابع مختلف دینی و مذهبی (قرآن، پیامبر، ائمه و...) درباره ظهور مصلح و منجی حقیقی روایت شده است بیان کردیم و همچنین گفتیم که این ظهور وقتی انجام خواهد شد که بر اثر وجود حکومت‌های غیرخدائی و ضد مردمی، ظلم و ستم جامعه را فرا گرفته و مردان طالب حقیقت، عدالت، آزادی تحت شدیدترین فشارها و عذاب‌ها قرار خواهند گرفت.

همچنین همانطوریکه در بخش‌های بعدی کتاب خواهد آمد این ظهور همراه با علائم و آثار و نشانه‌های بسیار دیگر نیز خواهد بود.

تاریخ بشر نشان می‌دهد وقتی که ظلم و ستم و فشار و بی‌عدالتی بر مردمی - طایفه‌ای - قومی - کشوری و یا منطقه‌ای "بخصوص اسلامی" حکم فرما شده که مردم راه هرگونه اقدام علیه آن را بسته می‌دیدند. مسئله انتظار و ظهور مهدی موعود و قیام آنحضرت جهت نابودی ظلم و ستم علت پیدایش و یادستا ویزی قرار گرفته تا افرادی مقام پرست یا فرصت طلب که در عین حال طالب‌رهائی از آن قیام و بند ظلم و ستم جامعه خود می‌باشند، از احساسات مذهبی جامعه خود سوء استفاده کرده و خود را نماینده - نایب - سفیر و یا گاه خود "مهدی موعود" اعلام ظهور کرده و عده‌ای را نیز به دور خود جمع کرده‌اند که گاه فتوحاتی را شامل شده‌اند ولی بعد از چندی نتوانسته‌اند ادعای دروغی خود را ثابت کنند و از طرفی نه تنها در ایجاد حکومت عدل الهی و حکومت واحد جهانی عاجز مانده‌اند بلکه در شهر و دیار خود هم چندان دوامی نداشته‌اند و از حل مشکلات جامعه خود عاجز مانده‌اند و در نتیجه از بین رفته‌اند و ضمن آنکه آثار و بقایای شومی از این رویدادها بصورت‌های مختلف بدین راستین اسلام و جامعه توحیدی و مسلمانان وارد کرده‌اند.

"البته در مواقعی هم پیدایش مهدی نماهای دروغین در فرصت‌های ضروری بوسیله سیاست‌های استعماری و ضد اسلامی جهت ایجاد تشتت و تفرقه و سستی بنیان‌های فکری و عقیدتی جامعه اسلامی روی کار آمده که در صفحات بعدی بتفصیل

خواهد آمد".

برای بهترشناختن این موضوع و پی بردن به علت ها و همچنین آشنائی با تئوری چندا ز این مهدی نماها که گاه فرقه و مسلک و مذهب دین و شرع جدیدی را نیز در دنیا ی اسلام وارد کرده اند ، این فصل را به سه قسمت تقسیم و بهر مورد مختصر اشاره ای میشود .

اول : مهدی نماهایی که قبل از تولد و زندگی ظاهری امام زمان حجه بن الحسن (ع) ادعای رهبری و مهدویت کرده اند .

دوم : مهدی نماهایی که در زمان تولد امام زمان و یا در غیبت صغری و زمان زندگی نواب چهارگانه پیدا شده اند .

سوم : مهدی نماهای ظاهر شده در غیبت کبری و قرون اخیر .

اول فرقه ها و افرادی که قبل از تولد امام زمان مدعی مهدویت شده اند

تعدادی از افراد ، فرقه ها و گروههایی که ظهور و قیام مهدی موعود را در وجود یک فرد و یا رهبر خاص زمان خود تلقی کرده اند و از راه راستین اسلام واقعی منحرف گشته و مرام ها و مسلک های جدید را باعث شده اند بطور بسیار مختصر بشرح زیر است :

- فرقه ای حضرت علی (ع) را همان مهدی وعده داده شده در قرآن و احادیث پیغمبر (ص) میدانستند .

- کیسانیه اعتقاد داشتند که محمد بن حنفیه فرزند حضرت علی همان مهدی موعود است . اینها عقیده دارند که او نمرده و در کوه رضوی غایب میباشد . این فرقه در زمان امام چهارم و بوسیله مختار بن ابوعبیده ثقفی کسه به خونخواهی امام حسین (ع) قیام کرده بود پایه ریزی شد .

- جارودیه میگویند محمد بن عبداللہ بن حسن همان مهدی غایب است که روزی ظهور خواهد کرد و زبانش میگرفت و طرفدارانش همین موضوع را علامت مهدی دانستند |

- ابن مقفع خراسانی که شعبده باز و ساحر بوده و بعثت داشتن صورت بد منظره و زشت همیشه نقاب بر چهره میزد خود را مهدی و سپس پیامبر دانست!
 - ناووسیه اعتقاد به امامت و مهدویت امام صادق (ع) دارند.
 - فرقه (ابی مسلم) اعتقاد دارند که ابو مسلم خراسانی همان مهدی موعود و امام غایب است.

- واقفیه امام موسی بن جعفر (ع) را امام زنده غایب می پندارند.
 - گروهی از اسماعیلیه عقیده دارند که اسماعیل فوت نشده و بعداً قیام میکند. زمین هرگز خالی از حجت نیست (حجت ناطق و حجت صامت) حجت ناطق پیغمبر است و حجت صامت ولی و امام. اساس حجت پیوسته روی عدد ۷ می چرخد. (۱)
 - فرقه محمدیه عقیده دارند که بعد از امام علی نقی (ع) فرزندش محمد بن علی امام است نه امام حسن عسگری (ع).

- یزیدیه اعتقاد دارند که یزید به آسمان صعود کرده و بعداً "بر میگردد و دنیا را پراز عدل و داد میکند!"
 - عده ای عقیده دارند که امام حسن عسگری دوباره زنده خواهد شد و فعلاً در غیبت بسر میبرد.

.....

هر مسلمان و شیعه ای که مختصر آشنائی به مفاهیم اسلامی داشته باشد میدانند که هیچکدام از این فرقه ها و مسلک هایی که عنوان شد در مسیر دین اسلام و شیعه حقه اشئی عثری نیست. و ادعای مریدان آنها نیز در مورد امام زمان و حجت خدایی که بدان معتقد به چند دلیل باطل است:

اول آنکه هیچکدام از امامان شیعه جز امام دوازدهم خود را مهدی موعود ندانسته و همگی وعده آمدن امام بعدی و حجت بعدی را در روایات و احادیث بسیار اعلام داشتند.

(۱) - کتاب "شیعه در اسلام" استاد علامه طباطبائی صفحه ۸۶ به بعد.

دوم آنکه تمام امامان یازده گانه و همچنین افرادی که بعنوان مهدی موعود آمدند پس از مدتی زندگی فوت شده اند و شواهد بسیار بر درگذشت و بی شهادت هر یک از آنان در تاریخ ثبت است در حالیکه امام زمان و حجت آخرا بر اساس همه نشانه ها و آثار تاقیام نهائی باید زنده باشد و زنده است.

سوم آنکه گرچه امامان معصوم و یاحتی بجز امامان تعدادی از این افراد در زمان حیات خود مبارزه با ظلم و ستم و حکومت های جبار زمان را شعار خود کرده بودند ولی هیچکدام نتوانستند حکومت واحد عدل الهی را که خداوند بتوسط حجت آخر وعده داده است بوجود آورند و گاه معصومین و ائمه اطهار هم در مبارزه با حکومت های ناحق زمان خود شکست خوردند.

و چهارم آنکه بعضی از رهبران این فرقه ها نه تنها خود عادل و معصوم و شجاع و... که از صفات مهدی موعود میباشند نبودند بلکه گاه دست بکارهایی زده اند که تاریخ از ذکر آن وقایع ننگین و روسیاه است.

چگونه یزید پلید آن قاتل مبارزان راه خدا و آزادی را میتوان مهدی موعود و قیام کننده عدل الهی نامید و با انتظار بازگشت او روز شماری کرد...؟ در کتابهای تاریخی میخوانیم که یزید بیشتر اوقات را با سنگ و میمون خود در مجالس عیش و نوش میگذراند و با سه سال سلطنت ننگین خود عامل فجایع بسیار شد.

سال اول فاجعه کربلا و کشتن امام و یارانش .
 سال دوم قتل عام مردم مدینه و مباح کردن زنان و دختران به لشکریانش
 و سال سوم خراب کردن خانه خدا (۱)

دسته دوم مهدی نماهای زمان تولد و غیبت صفیری

از آنجا شیکه در زمان امامان دهم و یازدهم فشار و ظلم و ستم خلفای حاکم

(۱) - مروج الذهب - صفحه ۶۹ به بعد.

عباسی به خاندان رسالت و شیعیان و پیروان بسا رزیا دیود و بخصوص با اطلاعی که از بدنیآ آمدن و تولد نوزاد و کودکی نجات دهنده و تا بود کنند حکومت ظلم و بیعدالتی از روایات و احادیث شنیده بودند این خانواده همیشه تحت نظر بودند و بنا وین مختلف کنترل میشدند و یا در تبعید به سر میبردند بطوریکه هجرت امام دهم و یازدهم و خانواده آنان از مدینه به سامره به همین دلیل بوده است.

امام یازدهم به منظور عادی جلوه دادن مسئله غیبت و حتی تولد فرزند خود که قریبا " اتفاق میافتاد اغلب در خفا و دور از جامعه عادی مردم و حکومت سر میبرد و در مورد تولد امام دوازدهم و زمان دقیق آنهم تنها عده ای از افراد خانواده و تنی چند از شیعیان مومن و معتقد و مورد اعتماد آن حضرت آگاه شدند و یا بحضور حضرت رسیده و ضمن دیدار آن کودک وعده داده شده معجزاتش را نیز بچشم خود دیدند که سخن گفتن امام در همان اوان تولد و بیان حقایق از آن جمله میباشد. مساله پنهان داشتن این راز بزرگ خلقت از نظر عامه باعث شد که حتی بعد از وفات امام عسگری و یا در زمان غیبت صغری عده ای شهرت پرست و طالب نام به دروغ و کذب "مهدویت ، باسیت ، وکالت ، نیابت " و یا نماینده خاص بودن از طرف امام غایب را مدعی شوند که در اینجا به چند مورد اشاره می رود.

— ابو محمد شریعی از اصحاب امام دهم ادعای سفارت امام زمان را نمود و به همین جهت از طرف امام زمان دستخطی (توقیعی) صادر شد که لعن و دوری از او را لازم اعلام داشتند.

— برادر دیگر امام حسن عسگری بنام جعفر (جعفر کذاب) خود را ابتدا جانشین امام یازدهم نامید و با حمایت حکومت جابروقت بر جنازه آنحضرت هم نماز خواند ولی بعدها بتوسط امام دوازدهم رسوا و خود نیز توبه کرد.

— احمد بن خلال کرخی که از دستورات محمد بن عثمان نایب خاص امام اطاعت نکرد و خود را نماینده امام غایب دانست منصور حلاج که مردی صوفی منش بود ابتدا خود را وکیل امام زمان و بعد از چندی که پیروانی هم به دور خود جمع آورد ادعای

الهی و خدای کرد که بالاخره در زمان مقتدر عباسی به دار آویخته شد

در پیدایش مهدی نماها

قرن ها بود که کشورهای صنعتی غرب و شرق بخصوص انگلیس - فرانسه - روسیه و آمریکا بخاطر دست یافتن به منابع عظیم و ارزان قیمت کشورهای دیگر و بخصوص مناطق اسلامی بر آن شدند که با روی کار آوردن حکومت ها و رژیم های عروسکی و دست نشاندگی سیاست های استعماری خود را سا مان بخشند و برای نیل به هدف خود باعث رکود فکری - فرهنگی - اجتماعی - سیاسی و اقتصادی مردم این کشورها " جهان با اصطلاح سوم " شدند.

استعمار نه تنها با تظاهرات مادی مردم این کشورها بطرق مختلف بمبارزه پرداخت بلکه بخصوص از آنجائیکه تعالیم آموزشی و اساس فکری و عقیدتی مردم (که بر اساس توحید و اسلام و مذهب و قرآن مبارزه با هرگونه بهره کشی و فساد و ستم را اعلام میداشت) مضرومخالف خواست و جهت برنامه ریزی آنان بود در صدد برآمد که با تدارک و طرح برنامه های مختلف با اصطلاح آموزشی و تبلیغات وسیع عوام فریبی و توخالی، ذهن و فکر و اندیشه مردم بخصوص جوانان و روشنفکران این جوامع مذهبی را از سیاست و حکومت و دخالت در اداره مملکت دورنگه دارد بطوریکه دخالت دین و مذهب در امور سیاست و اداره مملکت امری مکروه و گناه حرام و انمود شده بود تا بیشتر و بهتر و آسوده تر بتوانند بر مقدرات این کشورها حاکم و از منابع و ذخایر این کشورها منافع خود را تامین نمایند.

در نوشته های جمال الدین اسدآبادی روحانی مبارز و متعهد از جمله میخوانیم:
" این که دیانت از سیاست باید جدا باشد و علمای اسلام در امور اجتماعی

دخالت نکنند استعمارگران گفته و شایع کرده‌اند . این را بی دین ها میگویند - مگر زمان پینمبر اکرم سیاست ازدیانت جدا بود؟ مگر در آن دوره عسدهای روحانی بودند وعدهای دیگر سیاستمدار و زمامدار ؟ - این را بسرای آن گفته‌اند که علمای اسلام را از مردم و مبارزان راه آزادی و استقلال جدا کنند و خود ثروتهای ملی را غارت کنند" . (۱)

مجاهدت و تلاش و مبارزه بی‌امان رهبران متعهد و آگاه مذهبی که در قرون اخیر شکل و فرم تازه‌ای یافت و مردم شناخت عمیق‌تری از دین و قوانین الهی و اسلامی پیدا کردند، قدرت‌های استعماری در صدد برآمدند که برای مقابله با این کوشش اسلامی ، طرح‌نویسی را آغاز کنند و بهمین جهت نا جوان مردانه کوشیدند تا با روی کار آوردن رهبران و سردمدارانی روحانی نما و ساختن فرقه ها و مسلک های قلابی و استعماری (زیر ماسک مذهب و اسلام) از یک طرف حکومت ها و رژیم های دست‌نشانده خود را سرپا نگه دارند و از طرفی دیگر با ایجاد تفرقه و چند دستگی بین مسلمانان ، اساس فکری و مذهبی آنان را ضعیف و سست کنند و بخصوص مساله انتظار و بسیج و آمادگی در حکومت عدل مهدی و حکومت جهانی و واحد وعده داده شده از طرف خداوندی را افسانه و ساخته و پرداخته ذهن شیعه قلمداد کنند، در این جاست که می‌بینیم در گوشه و کنار کشورهای اسلامی قارچ‌های سمی و مهلک با اسم بانی فرقه و مذهب و مسلک دینی - آنهم اسلامی ظهور میکند. و در خدمت استعمار بغارت افکار و اندیشه‌ها می‌رود.

علت دیگر پیدایش برخی از این فرقه ها هم درست برخلاف علت فوق در مبارزه با استعمار و استثمار و بیداری مردم تحت ظلم و ستم قرار گرفته ، بوجود آمده‌اند و این زمانی بوده است که فشار و ستم وارده بر گروه یا کشور و منطقه‌ای از طرف استعمار و یا حاکم ظالم بقدری بوده که افراد مبارز ملی، بخاطر آنکه بتوانند مردم را با خود همراه و بر ضد استعمار بسیج کنند نام مهدی و یا فرستاده او را بر

(۱) - اسناد و مدارک درباره سید جمال الدین اسدآبادی - تالیف صفات الله جمالی .

خود گذاشته و بدین وسیله گناه شده است که کشور خود را از این طریق نجس‌ساز داده‌اند بطوریکه در آفریقا هنگامیکه استعمار انگلیس بر جان و مال و ناموس مردم حاکم بود و برده‌داری و بهره‌کشی و زیر پا گذاشتن همه حقوق انسانی مسلمانان آفریقا توسط سربازان و مزدوران انگلیس اعمال میشد افرادی چون ابو محمد عبدالله مهدی و محمد احمد سودانی با اسم مهدی و حجت خدا بی‌خاستند و فقط با پشتیبانی مردم و سلاح خنجر و شمشیر سالها با حکومت سرایا مسلح استعماری انگلیس مبارزه کردند.

ابو محمد در شمال آفریقا بنام "مهدی امیر المومنین" قیام کرد و با ایجاد حکومت "فاطمین" خود را القائم خوانده و سکه حجت‌الله بن‌اسام خود زد.

محمد احمد در سال ۱۸۸۵ در سودان بنام "مهدی موعود" علیه استعمار انگلیس قیام کرد و تحت همین نام توانست با بسیج مردم قوای مجهز انگلیس را از سودان بیرون رانده و مقدمات استقلال کشورش را فراهم آورد.

از مهدی‌نماهایی که بوسیله قدرت‌های استعماری روی کار آمدند در این جابه‌دومورد اکتفا میشود فرقه قادیانی در هندوستان و فرقه بهائی در ایران.

فرقه قادیانی

دولت استعماری انگلیس بمنظور پیشبرد قدرت اهریمنی و استعماری خود در بین مردم هندوستان و جلوگیری از مبارزه و فریادهای حق طلبانه و آزادی خواهی مردم آن سامان و همچنین بدلیل ایجاد تفرقه و تزلزل افکار مردم، مهدی نمائی تازه خلق کرد بنام سید احمد عرفان (قادیانی) که بهمت و کوشش دولت انگلیس خود را " مسیح موعود" و بعد "مهدی موعود" خواند و وقتی کار او گرفت مقام خود را به "نبوت" و پیغمبری ترقی داد و فرقه " قادیانیه " یا " احمدیه " را پایه گذاری کرد و کتابهایی هم برای این فرقه نوشته و دیکتته کرده است !

برای آنکه شما خواننده عزیز هم به چند مورد از دستورات و احکام این جناب مزدور انگلیسی که با اسم دین و کتاب مقدس دینی نوشته و یا بقول خود از پیشگاه ازلی و الهی و بصورت وحی آورده است اطلاع پیدا کنید بدون هیچگونه تعبیر و تفسیری چند سطر آن را در این جا میآوریم .
او میگوید :

« حکومت انگلیس صاحب فضل و منت است بر مسلمانان ! ! »

در جای دیگر میگوید :

« بر هر مسلمان واجب و لازم است که حکومت انگلیس را اطاعت و فرمانبرداری کند آنهم اطاعتی از روی راستی و صداقت ! ! »

در جای دیگر میگوید :

« جهاد حرام است و مبارزه قد غن ! ! »

و در آخر با دست و دل بازی خاص میفرماید :

« اسلام دو جزء دارد . جزء اول اطاعت از خدا و جزء دوم اطاعت از حکومت

جليله انگليس!!»

برای شما خواننده گرامی لازم بتوضیح نیست که از نظر این جناب مهدی نما ویا با اصطلاح رهبر مذهبی و دینی چرا اطاعت از حکومت انگلیس (که حداقل اکسیر استعماری نباشد غیر اسلامی است!) برگردن فرقه‌ای در پوشش اسلامی لازم و واجب میباشد!!»

بابی گری و بهائی گری در ایران

در قرن نوزدهم و در زمان سلطنت خودکامه و دیکتاتوری پادشاهان قاجار در ایران کشورهای استعمارگر انگلیس و روسیه به غارت و تقسیم منابع و منافع ایران مشغول بودند و با ایجاد برنامه‌های ضد انسانی و استعماری و گاه با روی کار آوردن مزدوری از طرف خود بعنوان حاکم و شازده و امیر و... و یا نابودی رقیب و یا از بین بردن مجاهدین و مبارزین و روحانیون انگشت‌نمایی که گاه و بیگاه از فشار ظلم و ستم بستوه آمده و اختناق و بندگی را با فریاد خود اعلام میداشتند سالها سکوت و خفقان و اسارت و بندگی را برای مردم ایران در پناه سرنیزه و حیل‌های سلطان بن سلطان ها و خاقان ها ، خان ها و شاهزاده ها و داروغه ها و حرمسراها بارمغان داشتند.

در این دوره نقش روحانیون و پیشوایان مذهبی و مجاهدان راستین اسلام در چند مورد و برنامه بس سازنده و بیدارکننده خلق ها و از طرفی کوبنده برای استعمار بود.

" توجه کنید به مبارزات بی امان و پیگیر سید جمال الدین اسدآبادی که با برپائی جمعیت اتحاد بزرگ مسلمانان (دارالتقریب) و انتشار مجله "عروه الوثقی" در بر ملاکردن سیاست های استعماری و دست نشانده فراوان کوشید و با آنکه دست و پا بسته از کشور تبعید شد و بعد با در بدری و خانه بدوشی در جهان اسلام و اروپا بالاخره جان خود را در راه وحدت اسلامی - با همکاری شیخ محمد عبده مصری -

گذارد اما بالاخره با نوشتن ^{نامه} معروف خود به مرحوم میرزای شیرازی منجر به تحریم تنباکو "واقعۀ رژی" و مقابله با استعمار شد.

همچنین مراجعه کنید به تاریخ مشروطیت و نقش آقا یان بهبهانی و طباطبائی و نهضت آزادیخواهی، مبارزات آیت الله کاشانی و نفت - بسط نشستن مرحوم آیت الله بروجردی در تحریم لباس فرنگی و حجاب - مبارزات مرحوم مدرس با مجلس شورای ملی و فعالیت های میرزا فروغی و سید شرف الدین نسیم شمال و... در بیداری مردم و

و در تاریخ امروز نقش امام خمینی و پدر طالقانی و... در برپائی نظام جمهوری اسلامی (۱)

البته اینگونه فعالیت ها همیشه بمزاق اربابان استعماری خوش آیند نمی آمد چنانچه دولت تزاری روس با همکاری انگلیس در همان آغاز در صدد برآمدند که با تیشه به ریشه زدن اعتقادات دینی و مذهبی مردم مسلمان و شیعه ایران، ضمن تفرقه اندازی و جلوگیری از وحدت و اتحاد و یکپارچه گی خلق ها، نقش علمای متعهد و مبارز شیعه را نیز خنثی نمایند و از اینجاست که در فکر ساختن و پیداکردن افرادی بمنظور فوق برآمدند و نتیجه همین سیاستها پیدایش افسراد دست نشانده ای چون میرزا علی محمد "باب" و میرزا حسینعلی "بهاء الله" و دیگران است که فرقه "بایگیری" و "بهائیگری" و یا بعبارت بهتر حزب سیاسی بهائیت را ایجاد کردند.

کمانیکه مختصر آشنائی با مسائل دینی و مذهبی داشته باشند در مراجعه به کتب و تعالیم این فرقه متوجه میشوند که برنامه های این گروه بیشتر تبلیغات حزبی برای بدست آوردن مریدان بیشتر و سرگرم کردن آنان و دورنگه داشتن آنان از مسائل و غارتگری های استعمارگران و مبارزه با حکام وقت و بخصوص لطمه زدن به احساسات مذهبی و دینی و تزلزل فکری بین مسلمانیان (۱) - نگاه کنید به کتاب "نهضت های اسلامی در صدساله اخیر" نوشته استاد مطهری.

" مرحوم جلال آل احمد از جمله پاتوق ها و محل تجمع روشنفکران غرب زده رابردر مشروطیت - اجتماعات بهائی و بابی - کسروی بازی و فراماسونری میدانند " (۱)

این گروه بخصوص توجه به نقاط ضعف جوانها و نوجوانان " سکس و مسائل جنسی " نموده و درزمینه روابط دختر و پسر و مسائل جنسی چنان قضیه را آسان تدارک دیده اند و دستورالعمل داده اند که گویا مساله اجتماع - اخلاق - پیوند مقدس زناشویی - ازدواج و... اصولاً " مضر بحال جامعه میباشد و تاروپودی در راه زندگی جوانان و طالبان زندگی و !.....

این تعالیم بیشتر بدان خاطر بود که جوانان ساده لوح و کم تجربه که ضمناً " از مایه های دینی و مذهبی و پشتوانه اعتقادات و ایمان به اسلام راستین (بلحاظ وارد شدن آموزش و فرهنگ وارداتی و غرب زدگی) پربرسار نبودند، بسمت خویش جلب نموده و این گروه را که سازنده فردای هر جامعه خواهند بودند نسبت به تعالیم اسلامی که توجه عمیقی به خدا - اخلاق و احقاق حق و روابط اجتماعی و شخصیت والای انسان واقعی و آگاهی او دارد، بسدبیین و دچار شک و شبهه نمایند، ضمن آنکه بذر انقلاب و میوه امید را در سایه انتظار و صبر در جهت تشکیل حکومت مهدی از دل ها - افکار و جامعه بکلی دور سازند .
در اینجا بطور بسیار مختصر اشاره ای به چگونگی روی کار آمدن رهبران این فرقه و مسلک سیاسی میکنیم .

میرزا علی محمد شیرازی (باب)

میرزا علی محمد شیرازی در سال ۱۲۳۵ در شیراز بدنیآ آمد با تحریک و کمک سفیر روس در ایران خود را " نوکر امام " و سپس " باب امام " نامید بعدها که

(۱) کتاب خدمت و خیانت روشنفکران نوشته مرحوم جلال آل احمد .

با حمایت علمای شیخی مسلک (۱)، کار او بالا گرفت عده‌ای از مردم عامی و عادی دور او را گرفتند و او را رهبر دینی خود قرار دادند، رتبه و مرتبه خود را ترقی داد و خود را " نایب‌خاصه " امام زمان خواند. ا

دروهله اول که او را در شیراز دستگیر کردند با خوردن یک سیلی در مسجد وکیل شیراز بلافاصله توبه کرد و بر آن‌ها که او را باب‌امام معرفی می‌کردند لعنت فرستاد و حتی اعلام کرد که لعنت خدا بر کسیکه مرا وکیل امام غایب بداند و در کتابهای خود نیز صریحا " به غیبت امام حقیقی اقرار کرده است. ا

علیمحمد شیرازی طی نامه‌ای خطاب به ناصرالدین شاه که تقاضای عفو کرده و ابوالفضل گلپایگانی مبلغ دو آتشه فرقه بهائیت آن کاسه داغ تراز آتش نیز در کتاب کشف‌الغطاء خود آورده است در این باره چنین می نویسد:

- « فداک روحی (جانم بفدایت) ... اشهد الله ومن عبده (خدا و آنکه »
 « نزد اوست بر من شهادت دهند که این بنده ضعیف را قصدی نیست که برخلاف رضای »
 « خداوند عالم و اهل ولایت او باشد اگرچه بنفسه وجودم ذنب صرف است و اگر »
 « کلماتی خلاف رضای او بوده از قلم جاری شده غرضم عصیان نبوده و در هر حال »
 « مستغفر و ناثبم حضرت او را و این بنده را مطلق علمی نیست که منوط بس »
 « ادعائی باشد. استغفر الله ربی و اتوب الیه من ان ینسب الی امر (از اینکه »
 « امری به من نسبت داده شود از خدا درخواست بخشش و توبه می‌نمایم) و بعضی »
 « مناجات و کلمات که از لسان جاری شده دلیل بر هیچ امری نیست و مدعی نیابست »
 « خاصه حضرت حجت علیه اسلام را محض ادعا مبطل است و این بنده را چنین ادعائی »
 « نبوده و نه ادعای دیگر " (۲) »

(۱) - علمای شیخی مذهب معتقد به وجود افرادی هستند که در همه زمانها واسطه ارتباط امام زمان و مردم هستند، رهبر این فرقه سید کاظم رشتی در عراق بود و میرزا علی محمد شیرازی نیز نهمین استاد درس میخواند و تعلیم گرفت.

(۲) - اصل این نامه در مجلس شورای ملی موجود است

دولت‌های استعماری که از این بازیچه^۵ دست‌خودنتیجه مثبت نگرفتند بیکار ننشستند و با تعلیمات و آموزشهای مجدد و پی‌گیر خود او را به حمایت بیشتر امیدوار و ادار بفعالیتهای مجدد نمودند بطوریکه پس از چندی این بار او ادعای مهدویت و قائمیت کرد و وزیر چتر استعمار انگلیس و روس بقول خود شرع و رسالت جدیدی بنام " بهائیکری " را عنوان و اعلام کرد و با ادعای " خدائی " خود را ذات خدا و وجود دانست که بالاخره این خدای ساختگی و مهدی پوشالی با آن ادعاهای کذائی در تبریز بدار مجازات آویخته شد و اعلام گردید.

" علمای شیعه در شهرهای شیراز ، اصفهان و تبریز چند مرتبه با علی محمد به بحث و مباحثه پرداختند که در هر مرتبه بیسوادی او در مسایل دینی آشکار و توبه کرد ولی در تبریز که مریدان و طرفدارانش که متأسفانه چند نفر طلبه و روحانی فریب خورده هم در بین آنها دیده میشد با همکاری لوطیان شهر دست به شورش و بلوا زدند و شاه قاجار هم که وضع حکومت خود را در خطر دید عفو او را نپذیرفت و دستور تیرباران علی محمد را صادر کرد. (۲)

حسینعلی نوری (بها)

پس از اعدام میرزا علی محمد " باب " بهائیان بر سر جانشین او به زد و خورد پرداختند و کشاکش را آغاز کردند تا آنکه حکومت تزاری روس پا در میان نی‌کرد و آلت دست‌نشاندهای دیگر با اسم " میرزا حسینعلی نوری " را در تهران پیدا کردند و با حمایت و آموزش و قول و وعده و وعید لازم او را با نام " بهالله " به روی کار آوردند.

(۱) - هرآینه علی محمد شیرازی خدا و حقیقت وجودی اوست بیان عربی - لوح هیکل الدین صفحه ۵ .

(۲) - تاریخ جدید ادوارد براون .

او که مختصر سوادى داشت ابتدا خود را "موعودبیان" و سپس "پیامبر" و در آخر کار خود را "خالق جهان" دانست .

این موعودبیان و پیامبر و خدای ساختگی وقتى در زمان ناصرالدین ششاه دستگیر شد بلافاصله مقام خود را فراموش کرد و خود را بنده زاد و عبد و عبید سلطان قاجار نامید و توبه کرد !.....

دولت روس پس از چندی وقتى اوضاع و احوال سیاسى ایران را ملاحظه نمود این بازی مسخره سیاسى ندید، حمایت خود را از این دست نشانده خود دریغ داشت و او هم که پایگاه محکمی نداشت بدامان ارباب استعماری دیگر یعنی انگلیس پناه برد و بهمین جهت از ایران به ترکیه و بعد به سرزمین اسرائیل رفت تا پایگاهی مطمئن و جایگاهی مستحکم برای انجام برنامه‌های جاهلانه خود که در رأس آن جاسوسى بنفع انگلیس در کشورهای اسلامى توسط ایادی پراکنده خود بود پیدا کند .

حالب این است که حسینعلی نوری با اینکه ادعای خدایى میکرد و خود را رسماً خالق میدانست به دریافت حقوق و مواجب از دولت انگلیس و دریافت لقب "سر" بی نیاز ندانست و با افتخار کامل پذیرا شد !.....

عباس افندى

میرزا حسینعلی نوری در سال ۱۳۰۹ در اسرائیل درگذشت و بجای او پسرش عبدالبهاس عباس افندى دومین رهبر فرقه "بهاثیت" گردید .

او ابتدا بشغل جاسوسى برای کشور انگلستان پرداخت و مریدان خود را به اطاعت و بندگی در برابر حکومت انگلیس خواستار شد .

او میگوید :

« از الطاف اومى طلبم که جمیع شما را بیکدیگر مهربان کند و این ملت محترم

انگلیس را عزیز کند و این دولت عادلانه انگلیس را تأیید نماید »

عباس افندى پس از چندی که از لطف و حمایت انگلیس محروم گردید و بخصوص در فاصله

دوجنگ جهانی که آمریکا و قدرتهای امپریالیستی جای پائی درخا ورمیانسه بازکردند عباس افندی نیز جهت قدرت را تشخیص داد و روی بجانب اربساب استعماری جدید خودا امریکای امپریالیست آورد و با بیان احکام و دستوراتی به مریدان خود به تائید و تعظیم حکومت امریکا ، این خونخوار بزرگ جهانسی پرداخت و در این باره میگوید :

" از برای تجارت و منفعت ملت امریکا ، مملکتی بهتر از ایران نه ... چه کسی ایران مواد ثروتش همه درز پر خاک پنهان است " (۱)

دراوج مبارزات قهرمانانه خلق مسلمان الجزایر سفارت فرانسه از عباس افندی دعوت مینماید که سری هم به تونس و الجزایر بزند (و لابد مردم آنجا را هم راهنمایی و ارشاد فرماید) و دولت انگلستان هم در زمان مبارزات حق طلبانه مردم هند درخواست تشریف فرمایی او را به شبه جزیره هندوستان (و لابد بمنظور سرزسیش مردم هند از نا فرمانی و نمک ناشناسی انگلیس) مینماید که آخر الامر بدستور و خواست دولت امپریالیستی امریکا مرکز بهائیت در خاک اسرائیل قرار گرفت که مورد حمایت بیدریغ صهیونیستهای جهانخوار واقع شد که در این مقال احتیاجی به ذکر دلایل و چرایی سکونت در این خاک اشغالی صهیونیستها ، این متجاوزان و غده سرطانی و آلت دست سیاست های استعمارگران جهانی را ندارد و هر کودک دبستانی میدانند که این مهدی نمایان قلبی و فرقه سازان کوکی آلت دست چه سیاست هائی بوده هستند !!

شوقی افندی

وقتی امریکا وارد جنگ جهانی گردید بهائیان ، مایل به جاسوسی بنفع امریکا و صهیونیسم اسرائیل شدند بطوریکه شوقی افندی سومین پیشوای بهائیان در این جهت کوششهای قابل توجهی کرد . هدف امریکائی ها و صهیونیست ها این بود که

(۱) خطابات جلد اول . عباس افندی . عبدالبهائیه .

مردم منطقه را از اعتقاد به جنیش و کوشش و مبارزه در راه یکپارچگی و حقانیت اسلام راستین بازدارند و از طرفی رابطه بین رهبران واقعی مذهبی و خلق های مستضعف و آزادی طلب را خدشه دار نکنند و آگاهی و شعور جامعه را نسبت به مسائل حاد مربوط به خود همچنان در بوته فراموشی و نسیان نگهدارند.

اگر به کتاب ها ، نوشته ها و با اصطلاح مجموعه معتقدات این فرقه فرمایشی و سب^{ختگی} توجه کنیم اکثراً مطالب و آموزش هایی در جهت های فوق مشاهده میشود که بی تناسب^{ست} نیست در پایان این گفتار ضمن بر شمردن باره ای از گفتارهای استعماری این فرقه ، قضاوت را بعهده خوانندگان عزیز و اگذار کنیم که در بابند فاصله بین ایدئولوژیک فکری و عقیدتی شیعه علوی با چنین گروه ها و مسلک ها از کجا است تا به کجا

از عقاید فرقه بهائی !

بهائیان تعدادی از آیات قرآن و روایات مذهبی را گرفته و با حذف یا تفسیری خاص از قسمتی از آن برای خود احکام و قوانین دست و پا شکسته مسلکی تهیه دیده و بر اساس آن تبلیغات خود را شروع کردند.

کتابهای مهم این فرقه عبارتست از : "ایقان" ، "بیان" (۱) و "اقدس" .
بچند مورد نوشته از این کتابها توجه فرمائید.

- از نظر بهائیان ازدواج با عمه - خاله و دختر جایز است و فقط ازدواج با زن پدر حرام میباشد....!

- هرزنی را میتوان ۱۹ بار طلاق داد و رجوع هم پس از ۱۹ روز حلال است ..

- حج بیت الله الحرام و زیارت خانه خدا باطل است!

- نماز ۹ رکعت در صبح و ظهر و شب است و قبله شهر " عکا " واقع در اسرائیل

است!

- نماز جماعت باطل است!

(۱) باب با نوشتن کتاب بیان حکم به نسخ اسلام و نبوت خود نمود و اعلام کرد که امروز دیگر قرآن کتابی نیست که مردم وظیفه داشته باشند از آن پیروی کنند.

- روزه ۱۹ روز است و روز عید فطر همان اول سال و روز عید نوروز میباشد.
 - مبارزه با هرکس حتی شیطان حرام و ممنوع است!.....
 - استفاده از داروهای طبی حرام است.
 - جهاد حرام است!
 - هر چیز نجس اگر آب نبود با پنج بار خواندن " بسم اله الاظهر الاظهر" پاک می شود!
 - اختیار کردن بیش از دوزن حلال نیست و حرام است (و جالب این که خود جناب بهاء چهار زن رسمی داشته است!!!)
 - بر هر بهایی لازم است که هر چه میتواند بیشتر مظلوم واقع شود!
 - اعتراض به هیچ حکومتی ولو حکومت جبار و ظالم وارد نیست و باید مطیع باشید!
 - هیچ کس به زبان و یا حتی به قلب نباید در مسائل سیاسی وارد شود!
 - آنها که برای بدست آوردن آزادی مبارزه میکنند نادان هستند زیرا آزادی به فتنه‌ای منتهی میشود که آتش آن خاموش شدنی نیست!!!
-
- نظایر اینگونه تعلیمات و دستورات و احکام ابتکاری که انسان را از مقام انسانیتهت و مبارزه برای بدست آوردن حق و حقیقت و آزادی و دخالت در امور مربوط به خود تنزل داده و در حد برده و بند و لال و کور و کور و مطیع و فرمانبردار همچون بره و گوسفندی سر بزیر تلقی نموده که واضح است که چنین مردم و گروه و بخصوص اگر همه جامعه را در بر گیرد ایده آل حکام و پادشاهان حاکم و ظالم میباشد که طبیعی است از طرف چنین مردمی هرگز مشکلی را برای آنان بعنوان اعتراض و احقاق حق و چگونگی اداره کشور و سیاست و سلطنت ندارد چه همه دستورات در جهت منافع آنان میباشد! و از همین رو است که معلوم میشود چرا در گذشته ای نه چندان دور بهائیان نتوانستند در کلیه شئون اداری - فنی و کشوری و لشکری مملکت ما وارد و مقام های حساس

را بخود اختصاص دهند (۱) .

سایر فرقه ها ...

در جوامع مختلف اسلامی در قرون اخیر فرقه‌ها بی‌دیگر سبیز کم و بیش فعالیت داشتند و انحرافات را باعث شدند که در این مختصر مقال فرصت تشریح علت و نحوه فعالیت این دستجات مقدور نیست که دعوی مهدویت رهبران حزب شیخیه در عراق ، و فعالیت میرزا طاهر حاکام‌افغانی در ترکیه (او خود را نماینده جمیع انبیاء میدانست) و همچنین مساله احمد کسروی و انتشار کتاب پرسروصدای " ورجاوند بیاد " که ضمن مبارزه بی‌امان با باثباتی و خرافات پرستی و انتشار کتابهای مختلف اولفزش‌های فکری را در بین مردم و جوانان ایجاد کرد که مساله پاک‌دینان را بدنبال داشت و ... ولی نکته‌ای که در پایان این بخش لازم به نتیجه‌گیری میدانم چند مورد است :

اول آنکه در طول تاریخ مردم بیدار دل و طرفدار آزادی و حق طلبی همیشه در انتظار ظهور مهدی موعود بسر برده و می‌برند .

دوم ظهور و پیدایش مهدی‌نماهای دروغی در طول تاریخ گرچه بظاهر دلایل مختلف داشته است ولی در مجموع دلیل مهم و اصلی آن ادعای رهبری و اداره حکومتی خدا پسندانه - عادلانه - خردمندانانه و در خدمت مردم عنوان شده که لزوماً جامعه را متوجه خود ساخته است نه زور و زورقتل و ...

سوم - استعمارگران گرچه در مدتی کوتاه توانسته‌اند با وارد کردن تفرقه و مزدور غربی یا شرقی به اسم مهدی یا واسطه و یا رابطه او بین مسلمانان تفرقه و جدائی افکنند ولی این موضوع چندان دوامی نداشته و پس از مدتی نقشه خائنانانه استعمار فاش و رسوا می‌گردد . ضمن آنکه لزوم یکپارچگی - وحدت نظر و عقیده و عمل و مبارزه بی‌حدوبی امان را علیه ابرقدرت‌های استعماری و جهان‌خواران ضد مردمی و ضد اسلامی بیش از پیش ضرورت پیدا می‌کنند و باید هر مسلمان متعهد در این (۱) تا سال ۱۳۵۲ یکی از شرایط استخدام کارمندان دولت بخصوص در ارتش متدین بودن یکی از ادیان رسمی کشور منظور می‌شد ولی بعداً از این تاریخ این شرط نه تنها ملغی گردید بلکه جامعه باثبات خود را یکجا برای استخدام جوانان بود .

مبارزه بهر طریق ممکن شرکت کند .

چهارم برنامه کار و هدف مسلمانان حقیقی و پیروان طریقت محمدی و بخصوص شیعه اثنی عشری در زمان غیبت کبری و قرون اخیر که نهضت های دینی و مذهبی یکی پس از دیگری بصورت انقلابات پرشکوه اسلامی علیه ظلم و فساد پدیدار میگردد. توجه به فلسفه انتظار و صبر انقلابی تا ظهور آن منجی منتظم ما را بدور از خرافات و دسیسه های ضد دینی و ضد مذهبی و ضد مردمی مصمم تر و امیدوارتر نموده است تا بقول مرحوم جلال آل احمد " تا نزدیک شدن ظهور ولی زمان هسته مقاومت را زنده نگه داریم هسته ی نجات بشری را " (۱)

۶

شناختی از مهدی

چگونگی ظهور ؟ ...
چرا باز گشت ؟
شواهدی از قرآن ...
.....

تویا....

تویا تا زهرتو رویست
 شب تاریک ما سحر گردد
 ورنه ای مهر مهربان "مهدی"
 بی تو هر لحظه تیره تر گردد

گر بیای کویر خسته شسب
 جنگل مهر و نور میگردد
 گریبائی بزیر پای طلوع
 چاه راه عبور میگردد

گریبائی ستاره های سحر
 در نگاه تو رنگ می بازند
 گریبائی کبوتران امید
 لاله هارا دوباره می سازند

شعر از : "زورق"

در کتابهای مختلف راجع به ظهور و پیدایش مصلح حقیقی وجهانی سخن بسیار رفته است ولی آنچه مسلم است هیچ بیان و گفتار وحدیثی وجود ندارد که زمان و تاریخ دقیق و مشخصات و خصوصیات کامل ظهور مهدی موعود را نشان دهد تا جایی که معصومیان فرموده اند:

« هر کس ادعا کند که تاریخ دقیق ظهور مهدی موعود را میدانند از ما نیست و کافر است »

در نوشته‌ها و احادیث بسیار سخن از علائم و نشانه‌های ظهور آخرین حجت زمان آمده است که میتوان از این طریق به زمان ظهور و چگونگی ظهور آن حضرت پی برد.

در این نوشته‌ها هشدار داده شده است که هر وقت این علائم بروز کرد و یا این علائم و آثار و نشانه‌ها سرزد منتظر ظهور حجت زمان نباشید ضمن آنکه هرگز اعلامی نشده که علائم ظهور بطوریکه و یا در یک زمان اتفاق خواهد افتاد یا خیر.

به همین جهت باید دیدن و یا اتفاق افتادن مورد و یا مساله‌ای مشابه آنچه اخبار در باره ظهور مهدی موعود داده شده است افراد زیادی خود را به دروغ مهدی موعود نامیده و گاه بنیان مذهب مسلک و یا حزبی باطل را پی ریزی کرده اند که در بخش‌های قبیل بدان اشاره شد.

در این فصل نظر آن است که مختصری از خصوصیات و علائم مصلح حقیقی را بیان کنیم تا ضمن آشنائی و شناخت کامل از حقایق ظهور مهدی، آگاهانه پیامش را دریافت و پذیرا باشیم.

جمع خصوصیات مهدی موعود باید نیکو و در حد کمال باشد بخصوص در موارد زیر:

۱ - علم و دانش : که باید افضل و اکمل و اعلم زمان خود در علوم و فنون باشد

۲ - توانایی و نیرومندی و شجاعت : که بتواند با چیرگی برگردنکشان

حکومت عدل الهی را تشکیل دهد.

۳ - معصوم و دور از خطا و گناه : تا بتواند عامل و رهبر حکومتی الهی باشد.

در مورد علم و دانش آخرین حجت زمان امام باقر فرمود:

"هرگاه قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان می گذارد، عقل هایشان بدین محبت و لطف امام جمع شده و اخلاق شان کامل میگردد."

در مورد توانایی و شجاعت امام دوازدهم حضرت موسی بن جعفر فرمود:

"او امام دوازدهمی است که خداوند هر مشکلی را برایش آسان و هر دشواری را هموار می نماید. برایش گنج های زمین آشکار می شود و راه های دور نزدیک، هر جبار و گردنکشی را نابود میکند و هر شیطان و طاعت بوسیله او هلاک و نابود میشود."

در مورد عصمت و معصوم بودن امام زمان در قرآن سوره احزاب آیه ۳۳ چنین آمده است:

"انما یرید الله لیزه ب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا....."

» که خداوند اراده کرده که پلیدی و ناپاکی را از شما اهل بیت ببرد و دور کند و شما را پاک و طاهر گرداند.»

امام صادق درباره علم و دانش حجت زمان فرمود:

"دانش بیست و هفت پاره است. آنچه فرستادگان خدا آوردند و مردم شناخته اند و پاره آن است، چون قائم ما بپا خیزد بیست و پنج پاره دیگر را آشکار کرده و بین مردم پخش مینماید."

نشانه های ظهور

همانطوریکه در آغاز این بخش یاد شد تمام علائم و آثاری که درباره ظهور مهدی موعود از جانب بزرگان دینی و مذهبی عنوان و اعلام شده، دلیلی ندارد که یکباره اتفاق افتد و یا بلافاصله صورت گیرد بلکه مقداری از علائم از زمان پیغمبر تا کنون روی داده است و این بدان خاطر است که مردم در هر زمان دلگرم و امیدوار به ظهور قائم و منجی حقیقی بشریت باشند.

برای شناخت بهتر زمان و علائم ظهور آن راه سه دسته تقسیم و در اینجا به تعدادی از

آن ها اشاره میکنیم .

۱ - حوادث و نشانه های قبل از ظهور .

۲ - علائم و آثار زمان ظهور .

۳ - اوضاع و احوال مردم و جهان و اتفاقات بعد از ظهور .

۱۰۱ آثار پیش از ظهور

روایتی از حضرت علی :

حضرت امیر علی علیه السلام فرمود سه موقع منتظر فرج و ظهور حضرت مهدی با شیعه

۱ - زمان کشمکش و جنگ اهل شام با یکدیگر .

۲ - آمدن پرچم های سیاه از خراسان .

۳ - وحشتی عجیب در ماه مبارک رمضان

روایتی از حضرت صادق (ع) :

امام صادق ضمن آنکه کسانی را که وقت ظهور مهدی را تعیین میکنند دروغگو خوانده

است علائم پیش از ظهور را ۵ مورد دانسته اند :

۱ - صدای آسمانی که در ماه رمضان شنیده میشود .

۲ - خروج سفیانی و دجال (سمبل پلیدی و گناه) .

۳ - خروج مردی از اهل خراسان .

۴ - کشته شدن نفس الزکیه (جوانی پاک سرشت) که نامش محمد بن حسن و از

آل محمد است .

۵ - فرورفتن بیابان مکه .

چگونگی خروج دجال

یکی از علائم ظهور خروج دجال است و دجال همان صا ثدین صیدا است که از قریسه

(یهودیه) اصفهان خروج میکند. فقط یک چشم در پیشانی دارد که مانند ستاره

صبح میدرخشد و چیزی در چشمش آغشته بخون است (۱)
 در پیشانی دجال نوشته "این کافر است" که هر کس با سواد و بیسواد میخواند دجال
 در قحطی سختی ظهور میکند و بر الاغ سفیدی سوار است که هر قدم این الاغ با اندازه بیش از
 یک کیلومتر راه است.

دجال ادعای خدائی میکند و صدایش در شرق و غرب می پیچد، او مردم مسخ شده‌ای است
 که در دلها و اندیشه‌ها اختلال و انحراف ایجاد میکند.

علائم ظهور دجال

ظهور دجال خود علاماتی دارد که اتفاق می افتد.
 مهمترین این علامات زمانی است که دروغ گفتن، حلال، رباخواری رواج، رشوه‌گیری
 آزاد است - هر ظلم و ستمی باعث فخر است. امرای فاجر هستند و وزراء ظالم و قاریان
 قرآن فاسق هستند، اعمال زشت و پنهان و گناه علنی انجام میشود، قرآن‌ها
 و مساجد و مناره‌ها زینت کرده و نقاشی شده و رنگ آمیزی میشود ولی محتسبوا
 ندارد، دروغگو صادق و خائن امین، زنها نوازنده و سوار بر اسب و شبا هت مردان به
 زنان پیدا میشود و شبا هت زنان به مردان و
 ظهور دجال بخاطر آخرین آزمایش بندگان خداست تا گمراهان از حقیقت طلبسان
 شناخته شوند و دوغ از دوشاب تمیز داده شود.

دجال در روز جمعه سه ساعت از روز بالا آمده در شام و در "تل افیق" بدست کسی که
 عیسی بن مریم پشت سرا و نمازمیگذارد (قائم آل محمد) کشته خواهد شد.

خروج سفیانی

یکی دیگر از مهمترین علائم ظهور خروج سفیانی از بیابان خشک یابس است که در ماه
 رجب صورت میگیرد. او مردی است متوسط القامه - سربزرگ - رویش پرآبله و ...

(۱) کمال الدین جلد ۲ - صفحه ۲۰۵ به بعد . . .

در نجف و یا کوفه بسر میبرد با رنگ سرخ و چشم کبود در ظاهراً مرتب ذکر خدا میکنند ولی در باطن بطرف جهنم میروند .

فرورفتن بیابان مکه

دیگر از علائم قبل از ظهور فرورفتن زمین بیداء (بین مکه و مدینه) است که زیر پای لشکریان سفیانی فرو میروند . علت آن است که این لشکر برای گرفتن اسبام حجت بسوی خانه خدا میروند که با این بلاد چارم میشوند ، فقط دونفر مسخ شده زنده میمانند یک نفر که صورتش بعقب و پشتش به سنیه برگشته خبر فرورفتن را برای قائم آل محمد در مکه میآورد و فردوم هم به شهر شام میروند تا موضوع را به سفیانی کسه علیه مهدی موعود آ ماده شده اطلاع میدهد تا توبه کند .

کشته شدن نفس الزکیه

قبل از ظهور قائم آل محمد جوانی پاک سیرت و متقی ز آل محمد به یاری آخریین حجت زمان قیام میکند . نام او محمد بن حسن است که در بصر کن و مقام (مکه) بقتل میرسد .

در بعضی کتب هم آمده که او از سرزمین دیلم - ما زندران خروج خواهد کرد

.....

۲۰ علائم زمان ظهور

ظهور مهدی با مرپروردگار زمانی صورت میگیرد که جهان را ظلم و ستم فرا گرفته و محیط آ مادگی فرجان حضرت را دارا است .

حضرت تنها و در روز جمعه ظاهر میشود . در مکه به خانه کعبه میروند . تنها وارد میشود روز اول را به تنهایی به شب میرساند در آن تاریکی جبرئیل و میکائیل و صفوف ملائکه از آسمان به نزدش فرود آمده وعده خدا را در مورد ظهور اعلام میدارند . مهدی در مقام ابراهیم چهار رکعت نمازی خواند و اعلام خروج مینماید .

محل اعلام ظهور

دراخبار آمده که مهدی در بین رکن و مقام (مکه) قرار میگیرد و اعلام ظهور میکند و اصحاب خود را دعوت به قیام خواهد کرد. مدای آن حضرت در شرق و غرب عالم می پیچد و یاران اولیه وی که ۱۳ نفرند بدورش حلقه زده و با او بیعت و اعلام آمادگی میکنند.

"اینکه میگویند امام زمان از سردابی در شهر سا مرا - عراق ظهور میکند درست نیست زیرا فقط در آن سرداب مهدی در سن ۱۳ سالگی غایب شده است. این سرداب محلی بوده که ماموران حکومت پس از اطلاع از خبر تولد و حیات ۱۳ ساله حضرت بقصد دستگیری با ناجا حمله کردند که با جوش آب از چاه واقع در سرداب مواجه شدند."

خصوصیات ظاهری قائم آل محمد

حضرت امیر فرمود:

«مردی که از دودمان من در آخر الزمان ظهور میکند رنگ رخسارش سفید مایل بسرخ می شکم عریض - رانهای پهن - استخوان شانه ها درشت - و در پشت وی دو خال یکی بزرگ پوست بدن و دیگری شبیه خال پیغمبر است. او دارای دو نام است یکی مخفی و دیگری ظاهر. او شرق و غرب عالم را مسخر میکند و دست بر سر مردم گذارده و دل مومنین از آهن قوی تر گردد» (امید) .

او متوسط القامه - نیکو رو - مویش بلند که تا پشتش میریزد - نور رخسارش سیاهی محاسن و سرش را تحت الشعاع قرار میدهد. پیشانی اش باز - بینی کشیده و میان برآمده و میان دندانهای ثنا یا پیش باز است .

او در روز قیام پیراهن کرباسی پیغمبر را که خون آلود است به تن دارد .

روزی که دندان پیغمبر شکست آستین چپ پیراهن آن حضرت خون آلود شد و این همان پیراهن است) قائم آل محمد بشکل مردی ۴۰ ساله ظهور میکند و یکی از معجزاتش اینکه هرگز پیر نخواهد شد و همان شکل و همان سن تا پایان حکومت خود باقی خواهد ماند تا بالاخره بدست زنی فاحشه بشهادت خواهد رسید. (۱)

مشخصات یاران اولیاء امام

یاران اولیه امام که تعداد آنها برابر با تعداد یاران حضرت محمد (ص) در جنگ بدر و برابر با ۳۱۳ نفر میباشد از بهترین چارسا ترین - شریف ترین و جنگ آورترین افراد زمان خود هستند که ۵۵ نفر آنها زن هستند .
 عده ای از یاران اولیه امام از اهالی طالقان و قم - گرگان و قزوین خواهند بود (۱)
 و بنا به اخبار اغلب آنها را جوانها تشکیل میدهند .

یاران و لشکریان بعدی امام زمان

پس از بیعت ۳۱۳ نفر یاران اولیه حضرت از مکه به عراق میآید که در این راه ده هزار نفر از مردم دین دار و پاک سرشت و شجاع (برابر با تعداد یاران پیامبر در فتح عظیم مکه) در اولین روزها به یاری اش میشتابند و فرمانش را گردن می نهند .
 حضرت به خونخواهی جدش حسین (ع) نبرد آزادی بخش خود را آغاز میکند و دولت های ستمگر و باطل را نابود میسازد و پس از غلبه بر سفیانی و دجال در حالیکه عیسی بن مریم (ع) در رکابش شمشیر میزند اعلام حکومت و احادیثی و اسلامی را مینماید .

پیام امام

اولین سخن و پیام قائم منظم در اعلام ظهور قرائت این آیه است .
 بقیه الله خیر لکم ان کنتم مومنین (سوره هود آیه ۸۷)

ابزار جنگ امام زمان

امام زمان دارای پرچم سرخ و عَلم سبز است و این همان پرچمی است که در جنگ بدر و در زمان پیغمبر بکار رفته است .
 علامت و وسیله دیگر آن حضرت و الفقار علی (ع) است که چون وقت ظهور میرسد خود بخود از غلاف بیرون میآید و حرکت انقلاب مسلحانه را اعلام میدارد .

(۱) در کتاب مهدی القائم - عماد زاده نام این ۳۱۳ نفر نیز آمده است صفحه ۳۹۳

امام زمان عهدنامه پیغمبر را در دست دارد و از میراث پیغمبر که عبارت از زره عمامه پیراهن - عصا - اسب وزین میباشد استفاده میکند .
در روی پرچم مهدی نوشته شده است "اسمعوا و اطیعوا" سخنان مهدی را بشنوید و اطاعت کنید .

بهنگام ظهور امام با شکوه فراوان بر مرکب بسیار سریع و تندروی که در احادیث بنام "ابر" تعبیر شده است سوار می شود و رسالت الهی خود را که مبارزه مسلحانه بمنظور برپایی حکومت واحد عدل الهی است اعلام میدارد .

۰۳ جهان پس از ظهور

پس از ظهور قائم و شروع نهضت مسلحانه و چیره شدن حق بر باطل و از بین رفتن نیروهای عاصی و اهریمنی (بخصوص دجال و سفیانی) تغییراتی کلی در سطح جهان و مردم روی زمین پدیدار میگردد .

الف - نوع حکومت :

شکل حکومت نهایی که بدست مهدی موعود پایه ریزی و تشکیل میشود " حکومت عدل اسلامی واحد " خواهد بود . در این حکومت که بر پایه ایدئولوژی اسلامی و توحیدی مواد و قوانین آن اعمال میشود حق و حقوق مردم بر ابرقوانین الهی تعیین شده و هیچ کس را بر دیگری حجان و برتری نخواهد بود و استعمار را ستعمار و بهره کشی انسان از انسان محکوم بنفاست .

در این حکومت پرچم توحید و خداشناسی در سراسر گیتی با هتزاز در آمده و جهانی واحد به دور از مرز و بوم مختلف زندگی سیاسی خود را تحت رهبری امام زمان ادامه میدهد . مدت حکومت مهدی ۳۰۹ سال و برابر با زمان توقف اصحاب کهف در غار میباشد . جایگاه حکومت قائم در شهر کوفه و محل سکونت آن حضرت در نجف اشرف است . او چون پیغمبر زندگی میکند و به روش امیرالمومنین علی در امور سیاسی و اجتماعی

قضاوت و رفتار مینماید .

ب - شکل دین :

دین مهدی و امت آخر الزمان دین اسلام است و این همان دینی است که ابراهیم نوح موسی - عیسی و محمد داشت .

دین همه پیغمبران مسلمانی بوده است چنانچه قرآن درباره ابراهیم آیه ۷۷ سوره حج را مثال میزند ، در مورد موسی آیه ۹۰ سوره یونس و در مورد عیسی آیه ۴۵ سوره عمران قابل ذکر است .

امام صادق فرمود :

" نگاه که قائم قیام کندهیچ مکانی نمی ماند مگر آنکه در آن شهادت " لا اله الا الله و آن محمد رسول الله " از آن برخیزد .

ج - وضع مردم :

پس از تشکیل حکومت عدل و داد ، سطح عقل و دانش و فکر مردم بنحو چشمگیری در حد متعالی است و مردم از پرتو وجود آن حضرت تکامل عقلی و علمی پیدا میکنند چنانچه حضرت باقر فرمود :

« وقتی قائم ماقیام کند دست خود را بر سر بندگان می نهد و عقل و افکار پراکنده آنان جمع و اندیشه آنان بحد کمال میرسد »

هنگام حکومت مهدی شعاع فعالیت و قدرت دید و شنوائی چشم و گوش مردم به برکت وسعت علم و دانش فوق العاده زیاد میشود .

امام صادق فرماید :

« در هنگام قیام ، خداوند چنان به گوشها و چشم های شیعیان جهان توانائی عطا فرماید که میان آنان و مهدی بیکی نخواهد بود بلکه از راه دور با او گفتگو میکنند و صدایش را می شنوند و او را که در محل خود قرار گرفته است مشاهده میکنند » (این موارد با توجه به آنکه امروزه تلویزیون و رادیو و تلفن و نظایر آن اختراع شده قابل لمس و محسوس است تا چه رسد به آن زمان که یقیناً دامنه علم و دانش وسعتی

بیشتر خواهد داشت .

در حکومت قائم بشرا زلحاظ اخلاق و فضیلت نیز بکمال میرسد و علم با تقوی و صنعت با ایمان توأم میگردد و پدیده های علمی و تکنیکی کلاً در خدمت سعادت و سلامت بشر است و تکامل همه جانبه در جهان بساط ظلم و ستم را نابود میکند ، همه جا را رفاه و آسایش و صلح و صفا فرا میگیرد دشمنی ها ، کینه ها ، عداوت ها و بدیها از دل های مردم ریشه کن شده و امنیت عمومی برقرار میشود و همه مردم در آباد کردن و عمران زمین در کار و فعالیت خواهند بود .

اما مسجاد فرمود :

« هنگام حکومت قائم هرگونه بیماری و مرض از اجتماع مسلمانان زرجت برمی بندد و - خداوند دل های آنان را مانند پاره های آهن استوار می سازد و هر کدام قدرتی فوق العاده خواهند داشت » .

د. موضع طبیعت و زمین :

در حکومت توحیدی همه جای دنیا به همت کار و کوشش مردم و لطف خدا و ندی آباد و سرسبز خواهد بود ، زمین گیاهان و گنج های خود را آشکار می سازد و بارانهای سودمند و پربرکت از آسمان نازل میشود ، همه جای دنیا پراز سبزه و گل میشود و یک وجب از زمین با یر نخواهد بود و هیچکس متعرض زمین و ملک کسی نخواهد شد .

رجعت و زنده شدن مجدد

در قرآن کریم آیات زیادی در مورد زنده شدن مجدد آمده است . در مورد زمان قائم آل محمد نیز آیاتی وجود دارد که پس از ظهور آن حضرت تعدادی از صالحان و بندگان خاص خدا و همچنین عده ای از ستمگران و ظالمان و جباران روزگار گذشته مجدداً زنده میشوند تا بندگان صالح در سایه حکومت مهدی بحق خود بر سرند و ستمگران جهت پس دادن انتقام

نخستین کسیکه دوباره زنده میشود و قائم زمان رایاری میدهد حسین علیه السلام

وسپس یاران او در کربلا خواهند بود.

رجعت امر با سابقه

رجعت وزنده شدن مجدد نیز مانند غیبت و یا ساله طول عمر موضوعی یگانه نیست و بی سابقه نیست و موارد تشابهات بسیار دارد. ضمن آنکه درباره رجعت و بازگشت ائمه و شهدای اسلام و طرز خونخواهی و دادخواهی آنان بیش از ۲۰ روایت از ۴۴ عالم و دانشمند اهل شیعه و سنی نقل شده است (۱) در اینجا فقط به نقل چند مورد از بیان قرآن مجید اکتفا میکنیم:

— سوره بقره آیه ۲۶ در مورد زنده شدن حضرت عزیز است که صد سال پس از قبض روح دوباره زنده شد و وقتی آب و غذای خود را دست نخورده و تازه دیدگمان کرد که صفرو ز گذشته است.

— در سوره بقره آیه ۲۴۴ راجع به زنده شدن مجدد ۷۰ هزار خانواری که بمرض و یا مرده بودند بحث و گفتگو شده است.

در سوره اعراف آیه ۱۵۴ تعداد ۷۰ نفری که با حضرت موسی برای میقات رفتند و گفتند که ما بتو ایمان نخواهیم آورد تا خدا را با چشم خود ببینیم ناگهان دچار صاعقه شدند و مردند و سپس بدرخواست موسی و امر پروردگار مجدداً زنده شدند و سالها زندگی کردند.

— سوره کهف آیه ۲۴ راجع به زنده شدن مجدد اصحاب کعبه پس از ۳۰۹ سال بیان دارد.

— سوره آل عمران آیه ۴۳ و سوره مائده آیه ۱۱۰ درباره حضرت عیسی است که مردگان را به امر خداوند زنده میکرد و عمر دوباره می بخشید.

.....

این ها نمونه هایی بود درباره رجعت بندگان خدا که در فواصل مختلف تاریخ

اتفاق افتاده است و درباره حجت آخرنیز که رسالتی الهی با حکومتی اسلامی
درجهت تکامل و تعالی مرتبت انسانی دارد یقیناً اتفاق خواهد افتاد تا سیه روی
شود هر که در او غش باشد

۷

راهیان راه . . . انقلاب

- قرن ما صدف نیست

- ماسه است

- غزل نیست

- حماسه است

" کارو "

در پایان این دفتر دریغ ام آمد که زیادداشت‌ها و برداشته‌های زمان، نمونه-
 هائی چند از رهروان طریقت توحید و یاران مکتب امامت مهدی را یاد آورنشوم.
 سخن از این سبب‌های اسلامی و مردمی نه برای ستایش و مداحی است و نه شناختن
 و یاشناساندن چه به گمان من ستایش مخصوص خدا و "الله" است و جز این
 شرک است و بت پرستی و کفر.... و شناساندن بزرگانی این چنین، نه در توان قلم
 نارسای حقیر که بیان مورا است از سلیمان بن داود....

غرض از این یاد، یادآوری راه و هدف و معبود مردان حق است و از این رهگذر
 برای ما درسی، حرکتی، و تدامی در انقلاب راستین خلق
 و مقصود از این تکرار، هشدار به رسالت عظیم و مسئولیت خطیر ما و ارشنان
 پاک باخته گانی است که در طوفانی سهمگین، تعهدی سنگین را پذیرا شدند. و
 صفحاتی رنگین را تاریخ ساز....

پیام آور تاریخ قرن ما، قرن قیام، قرن بیداری، قرن شهادت
 قرن "حر" شدن و سپس "ابوذر" ماندن تا قیام مهدی .

سیدی گمنام، آسمان جل، بدون هیچ وابستگی به هیچ طبقه، خانواده، حزب گروه یادسته، یک آواره جهانی، یک تبعیدی در راه، یک زندانی خانه بدوش گاه در عراق، زمانی افغانستان، چندی در هند، ایامی در مصر، روزگاری در انگلیس و فرانسه و آلمان و در پایان ترکیه و ابدیت.....

سید جمال الدین اسدآبادی

مردی با اراده‌ای آهنین، عزمی پولادین که همه سختی‌ها، دربدری‌ها، و تلخی‌ها را بجان و دل خرید و تسلیم نشد تا به هدف مقدسش نایل شود.

" من آرزو دارم که سلطان همه مسلمانان قرآن باشد و مرکز وحدت آنان ایمان "

.....

از اثر نگارش نامه سید جمال به میرزای شیرازی بود که تحریم تنباکو صورت گرفت و (نهضت منفی) اشریخید. و سلطان قدر قدرت قاجار لرزید و استعمار خونخوار غریب.....

وقتی استعمارگران از نامش وحشت داشتند از نام و رسم خود هم گذشت گاه افغانی شد، حسینی شد، یا اسدآبادی و زمانی شیخ جمال بود و سید جمال و..... در اینجا نام فدای هدف میشود زیرا هدف پیوند توده با الله است.

" بازگشت مسلمین به قرآن، قوانین اسلام، اتحاد و همبستگی توده‌ها، بازیافتن عظمت دیرینه اسلامی، شناخت استعمار، بیداری ملل شرق، نابودی سلاطین خودکامه و....." - اسطوره‌ای از دین آخر الزمان -

اینها فریاد سید جمال از لابلای " عروه الوثقی " و بیش از ۵۰۰ نامه و خطابه است در جهان اسلام برای مردمی که میخواهند مسلمان باشند و مسلمان بمانند.....



سید جمال الدین : با کوله باری از اندیشه ها ...

درخفقان و سکوت استیلای استعمار غرب در جهان اسلام ستاره‌ای از شرق - هند - درخشیدن گرفت که گاه فیلسوفش دانستند، زمانی عارف و عابد، درجائی سیاسیستمدار و دولتمرد، درچهره‌ای شاعر و متعهد، دربیانی سخنور و ناطق و همه جا محقق و معلمی مبارز....

محمد اقبال لاهوری، این مرد شمشیر و سخن، عشق و اندیشه، بهنگامی که جامعه اسلامی درهیا هوی "غرب زدگی" گرفتار می آید چون مصلحی متعهد و مسئول به مردم هشدار میدهد " از خواب گران، خواب گران، خواب گران بر خیز "

.....

اقبال ندای لزوم " رنسانس و تجدید حیات اسلامی " را در داد و تنها آرزویش این بود که در برابر غول غرب، جهان اسلام به پاخیزد و در پناه مایه های اصیل اسلامی و شرقی "امت بزرگ اسلامی" با قدرت مرکزی و واحد تشکیل شود و وحدت و یکپارچگی اسلامی تحقق یابد و حکومت ها بر مبنای قوانین الهی و قرآن آزادی و عدالت را بنا کنند.

گرتومیخواهی مسلمان زیستن نیست ممکن جزیه قرآن زیستن

بزرگترین اعلام اقبال به بشریت آنست که " دلی مانند عیمی - اندیشه ای مانند سقراط - دستی مانند قیصر داشته باشید اما در یک انسان، بر اساس یک روح و برای رسیدن به یک هدف خودشناسی و از خود به حق رسیدن.....

هر که حق باشد چو جان اندر تنش خم نگردد پیش باطل گردنش.

اقبال مردی در ردیف هگل، نیچه، دکارت، کانت، و گوته

این را غربیان باور دارند.



علامه اقبال، آزادهای از شرق در راه پیوند ملل اسلامی ...

" دیانت ما عین سیاست ماست و سیاست ما عین دیانت ماست "

" منشاء سیاست ما ، دیانت ماست "

مدرس سمبلی از پایداری و استقامت در مقابل استعمار غرب .

مجسدهای استوار از شهادت و دلیری در برابر قلدری و استبداد رضا خانی.

آیتی از آزادی و رهائی از هر قید و بند انسانی.

" نه پلیس جنوب ، نه نفت به استعمار ، نه رنگ شمال ، نه رنگ جنوب ، نه

رنگ آخردنیا ، سیاست ملی ایرانی "

مدرس ، آنکه وجودش در استقلال و عظمت ایران خلاصه میشد و خوش درایمان به

توحید و یگانگی رنگین ...

مدرس ، همه جای ایران را مدرسه کرد ، مجلس را ، خیابان را ، شهر را ، روستا را .

تابه قلب هارسید و آنگاه خروشان کرد و به خونها عجین

مدرس ، در همه خاطرها خاطره شد

دراوج استیلای حکومت قلدری قزاق های حمایت شده از استعمار ، وقتی رضا خان

با درماندگی از مبارزه ، گریبان کرباسیش را گرفت و دیوانه وار پرسید

- سید آخر از جان من چه میخواهی ؟

و مدرس با سیمائی مصمم پاسخ داد :

- میخواهم که تونباشی !

و وقتی دولت انگلیس شکست حکومت دست نشانده خود را عیان دید از مدرس میخواهد

که اگر انگلیس دست از رضا خان بردارد آیا اونیز دست از مخالفت با سیاست انگلیس

بر میدارد مدرس پاسخ میدهد :

- وقتی شما اورا رها کنید تازه منیقه اورای چسبم . . .

مدرس ، هنگامی که جای زهر آلود را در پناه لوله های تفنگ سرمیکشید نیز مدرس

بود ، تا مرز شهادت تا "سید شهید"

مدرس از بی نیازی مدرس شد



مدرس، جان بر کف در راه وطن و ایمان ...

مردی با قدم هائی به وسعت تاریخ، زبانی به تندی رگبارهای مسلسل و قلمی همچون گلوله آتش معلم کبیر همه دوران ها شریعتی استاد زمانی قدیرا فراشت و تشیع سرخ علوی را با خطر شهادت احیا کرد که همه چیز خدا، اسلام، دین، علم، مردم، زندگی و در تخیلی از ارتجاع و سیاهی دست و پا میزد و بوی مرگ میداد

و در این زمان، استاد پیشتر از مکتب "اعتراض" شد و همه چیز را با "نه" آغاز کرد، آنهم نه صرفاً با نماز و روزه و ذکر و ورد و دعا و زیارت و تسبیح و عبادت و وعظ و خطابه و مسجد و محراب و تکیه، و مدرسه و درمانگاه و دار-الایتام، و آتش و سوز و جشن و سوک و سحر و افسون و

استاد با جهاد شروع کرد آنهم نه جهاد با نفس بلکه جهاد با خصم

و بسیج توده ها را در سنگر خون و شهادت تدارک دید.

استاد بر خدایگان ها خط بطلان کشید و خدا را برگزید، اسلام را روحی تازه داد و محمد (ص) و علی (ع) را زنده کرد، فاطمه (س) و زینب (س) شدن را و طریقت حسین (ع) و امام زمان را پوئیدن و راه یارایی چون سلمان و منقاد و ابوذر و حر شدن را

و بر ملا ساختن اجتماع آلوده از ناکشین و مارقین و قاسطین را

هنوز صدای استاد در حسینیه ارشاد طنین انداز است

بیا بید بجای زیارت، معرفت، بجای پرستش، پیروی، بجای تقدیس قرآن، تفسیر قرآن، بجای لفظ، معنی، بجای قالبه، محتوی، بجای شاعر، حقایق بجای توسل، تشیع، بجای تقلید، تحقیق، بجای مصلحت، حقیقت، بجای مرده ها زنده ها، بجای انتظار تسلیم و وادادگی، انتظار اعتراض آمادگی را عمل خود قرار دهیم .

هرکس آنچنان میمیرد که زندگی میکند.



شریعتی : سمبلی از تشیع سرخ علیوی ...

" هر قانونی ، هر رهبری ، هر اندیشه‌ای که انسانها و جامعه را زنده کند ، همان قانون خداست . قانونی که هدفش جامعه بی طبقه توحیدی است و وسیله اش آتش و خون " .

این کلام مجاهدی است از تبار نور ، مبارزی از سنگر قیام ، چریکی از پایگاه مقاومت سرداری از جبهه ها و نهضت های ملی و آزادیبخش توده ها و سوسیالی از مکتب اسلام محمد (ص) و تشیع علی (ع)
پدر طالقانی

پدري که با رسالتي آسماني ، قرآن را از مجالس فاتحه خواني و از میان مرده ها به محافل اجتماعي و اندیشه زنده ها آورد و مفسر قرآن لقب گرفت .

پدري که با اصالتي انساني ، در مقابل استبداد - استثمار - استعمار ، جوشان و خروشان ندای شهادت و شورارای سرداد و ابودر زمان مان شد .

پدري که کلامش ، حرکتش ، عملش ، عبادتش ، زندگیش ، اجتماعش حتی مرگش برای خدا بود و در راه حق و حقیقت ...

در هر قلبی که به خاطر آزادی انسان از هر قید و بندی بطبد ،

در هر قطره غونی که بخاطر شرف اسلام بریزد ،

و در هر فریاد مبارز و مجاهدی که شنیده شود ،

نشانی از پدر طالقانی را خواهید یافت
لاله های بهشت زهرا هم بوی پدر را دارند

بکوشیم همه روزمان را روز پدر بسازیم



پدر طالبانی : مجاہدی از تبار نور ...

" بیدار شوید و خفته‌گان را بیدار کنید ، زنده شوید و مردگان را حیات بخشید در زیر پرچم توحید برای درهم کوبیدن دفتر استعمار سرخ و سیاه و... "
 نایب‌الحق امام ، خمینی بزرگ

نه سازش‌کرد و نه تسلیم شد ، تا آنکه با کوله باری از غم‌ها و خونابه‌ها به تبعید رفت اما یک‌دم از راه ناپستاد و لحظه‌ای تردید بخسود راه نداد تا

با اعلامیه‌های سازنده مقاومت را تعلیم داد و بانطق‌های آتشین قلب‌ها را آماده با الهام از نهضت‌های راستین اسلام ، سازماندهی خلستق مستضعفرا سامان داد و با شعار " الله اکبر " مبارزات مسلحانه را به‌جانش وا داشت تا صدای تک‌تیرها برآمد و غرش مسلسل‌ها ، انقلاب‌خلق ، درهم شکستن بت‌ها ، برپایی حکومت " الله " و برقراری پرچم " لاله الا الله " و اینک ، رهبر ، سازنده و جهت‌دهنده تاریخ مبارزات ایران .

در راه استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی

و این زمان ما وارثان نسل شهادت و خون‌براهش

با وحدت‌کلمه - آگاهی و ایمان

و دریابیم پیام مکرر ابراهیم زمان رابه نسل جوان و نسل‌های آینده جهان : " جوانان ، تابه سردی‌ها و سستی‌های پیری نرسیده‌اید ، به فکرچاره باشید و به هروسيله‌ای که میتوانید ملت‌ها را بیدارکنید ، با شعر ، نانشر ، با خطابه ، کتاب و باید اشخاص بیدار تولید مثل کنند هرچه بیشتر همفکر و همقدم پیداکنند و اسلام راستین را معرفی نمایند ،

من امیدوارم که قرن پانزدهم ، قرن شکستن بت‌های بزرگ و جایگزین کردن اسلام و توحید به جای شرک و زندقه و عدل و داد ، بجای ستمگری و بیدادگری و قرن انسانهای متمهد بجای آدمخواران بی فرهنگ باشد "

در عمل و در حرکت ، عاشقانه پیمودن این راه را عهد بسته‌ایم تا

جاء الحق و زهق الباطل



رهبر انقلاب جانشین بحق امام - خمینی بیست و بزرگ ...

۸

فریادی در سکوت...

"شعر"

تقدیم به راهیان راه

ای مهدی عزیز
 ای یادگار خون
 ای مظهر قیام
 ای تشنه فروغ سحرگاه انقلاب
 اینک بیاد تو
 اینک بهاس حرمت جان برکفان عشق
 اینک به نام نامی رزمندگان حق
 ماشیعه علی
 بیستادار گشته ایم
 و ندر رهت ز خون تن کشتگان خویش
 گله‌ها نهاده ایم
 ای مهدی عزیز
 ای آخرین رسالت پیغمبران بدوش
 ای ناخدای کشتی دریای پرخروش
 ما جلگی به قصر ستم حمله کرده ایم
 در جنبش عظیم و در این نهضت بزرگ
 ششلاق خورده ایم

* * *

ای مهدی عزیز
 بگذار تا بگویمت از ماجرای خون
 بگذار تا بگویمت از داستان عشق
 بگذار قصه دل خودبیا تو واکنم
 گویم حکایت غم و باروت خاک و خون

* * *

ای مهدی عزیز
 اسلام رفته بود که دیگر فنا شود

قرآن جاودان و قوانین آن به کل
بازیچه گشته بود

* * *

ای مهدی عزیز
حیثیت و مروت و حریت و شرف
آزادی و شکوه و سرافرازی و کمال
فرهنگ و دانش و ادب و علم و معرفت
تکنیک و صنعت و هنر و ذوق و هرچه بود
یکباره مسرده بود

ای مهدی عزیز
دروازه تمدن پوشالی رژیم
مردم فریب بود
آزادی بیان
آزادی مرام
آزادی قلم
آزادی تفکر و اندیشه صحیح
از بین رفته بود

* * *

ای مهدی عزیز
غارتگر زمانه و دژخیم پرغرور
مزدور و بی حیا و جفاکار و بی شعور
چون بوالهوس یزید
بی عرضه و پلید
بر تخت می‌لمید
جز سایه سکوت و خطرناک مرگبار
جز اختناق و وحشت و غم و اندوه اضطراب
جز ناله حزین به ماتم نشستگان
چیزی دگر نبود
شلیک بود و غرش رگبار توپ و تانک

* * *

هر روز و شب شکنجه گران پلید شاه
 بی جرم و بیگناه
 بردست و پای خلق
 زنجیـــــر میزدند
 برپیکر عزیز ترین یاوران تو
 شـــــلاق میزدند
 یکباره مملکت همه جا هر دیار و شهر
 هرکوی و برزنی
 قزوین و مشهد و قم و تهران قهرمان
 شیراز و یزد و جهرم و تبریز و اصفهان
 خـــــون بود و موج خـــــون
 گلرنگ و لاله گون
 از قطره قطره خون دلبران نوجوان

* * *

ای مهدی عزیز
 ناگاه خفتگان خموش دیار مرگ
 فریادی از منادی فریادگر شنید
 مردی بلند شد
 بیباک و سینه چاک
 رزمنده دلیر و سلحشور خشمناک
 چون بت شکن خلیل
 چون رادمرد نیل
 جانباز و پاکباز و سرافراز و یکه تاز

* * *

ای مهدی عزیز
 فریادخشم او زمن اندر زمان طپید
 از مرزها گذشت و بگوش جهان رسید
 کوبید بردهان جنایت گران دین
 چون پتک آهنین
 فریاد او چه بود

فریاد پرطنین و غرور آفرین او
 بهر نجات خلــــق ستمدیده بود و بس
 ای ملت غیور
 ای پیروان مکتب خونین انقلاب
 ای تشنگان ساحل آزادی و امید
 هشدار میدهم
 فریاد میکشم
 باید بلند شد
 باید زجان گشت
 تاکی اسیر نقشه غارتگران دهر
 تاچند در اسارت بیگانگان ذلیل
 تاکی غلام حلقه بگوش ستمگران
 تاچند در اطاعت و فرمان خودسران ...
 باید بلند شد
 باید قیام کرد
 باید برای محور رژیم شهنشاهی
 در جاده حیات و گذرگاه سرنوشت
 پیمان خون نوشت
 فسق و فجور و ظلم و خیانت زحد گذشت
 ملت بخاک ذلت و در یوزگی نشست
 در خواب تا بکسی
 تاچند در سکوت
 تاکی به چنگ سلطه نمرودیان اسیر
 تاچند در برابر جلاد سربزیر
 تاچند زیر پرچم عیاش و یاده نوش
 بدبخت و بی تحرک و بیچاره و خموش
 فریاد میکشم
 باید بلند شد
 باید قیام کرد
 افراد زورمند و زراندوز و خرقة پوش
 دزدان دین و عفت و ناموس و خودفروش
 درناز و نعمت و طرب و کیف و عیش و نوش

این فرقه سه گانه تزویر و زور و زر
 خوردند خون ملت و مستضعفین خلق
 باید بلندشد
 باید قیام کرد
 از مرگ، ترس و واهمه در راه دوست نیست
 این افتخار ماست
 این آرزوی ماست
 این بهترین و زنده ترین آرمان ماست
 ما زیر پرچم علوی سرنهاده ایم
 ما مرگ سسرخ را به چنین زندگی تلخ ترجیح داده ایم
 آنها که از برای نجات بشر زکفر
 درخون طپیده اند
 هرگز نمرده اند
 یاد عزیز و خاطره پرشکوهشان
 در قلبهای پرطپش و پرخروش ما
 همواره زنده است
 فریاد میکشم
 باید بلند شد
 باید قیام کرد

* * *

ای مهدی عزیز
 ما جملگی برهبری زاده خمین
 آن اولین صدای بلند و رسای خلق
 آن نایب مجاهد و عزم آهنین تو
 آن سمبل تشیع بیدار و راستین
 با صد هزار مشت گره کرده در وطن
 بر پای خواستیم
 فریادگر شدیم

دادیم گشته های فراوان در این قیام
 اما در این ختام و در این آخرین کلام
 ای مهدی عزیز
 اینک ز قید بندگی شاه رسته ایم
 مانتاج و تخت ظلم و ستم را شکسته ایم

بکسر

به

انتظار

مقدم

پاکت

نشسته ایم

"شعر از جعفر صبوری"

حرف آخر من

لازم به تذکر است که بصاحبان علم و دارندگان تخصص یادآور شوم که نگارش این دفتر صرفاً " بربنای علاقه قلبی و تعهد مذهبی بوده است که یاری خدای سرسربود و یآوری حجت زمان بر دل و سپاس بیکران یزدان را و درود فراوان حجت زمان را که این تعهد برجان و امید برزبان را تحقق بخشید....

و باتشکر از شما خواننده عزیز که بهمراه این قلم ، تا پایان دفتر آمدید تنها امید و آرزویم در این است که بر من منت گذارده و خطاها - ایرادات انتقاد و پیشنهادات و هرآنچه تصور می رود که موثر بحال این بنده و خوانندگان چنین مکانی خواهد بود بوسیله نامه و یا هر طریق ممکن با آدرس .

تهران - صندوق پستی ۶۴۱۲۲۳ منطقه ۱۶

مکاتبه فرمائید تا در چاپهای بعدی رعایت موارد بشود و دفتر تکمیل گردد و این منت شما را از هم اینک با جان و دل پذیرا هستیم .

و در خاتمه بی انصافی است که از آنانی که بنحوی مراد از این راه همراهی کردند یاد نکنم .

- از همه مسئولین کتابخانه ها ، بخصوص کتابخانه دانشگاه تهران و خواهان و برادران مجاهد کتابخانه شهید حسن روشن پناه که صمیمانه کتاب در اختیارم گذاردند .

- از آقای محمد علی پیروزان که تصاویر کتاب را با قلم خود زینت بخشید .

- از آقای احمد تیموریان که در انتشار کتاب دستی داشت .

- از برادران حسن و منصور سیل سپور که در تنظیم اوراق زحمت کشیدند .

و از آنانی که با احساسی لطیف ، محرک اصلی من در این اندیشه شدند .

منابع کتاب

درنگارش این دفتر از منابع و مأخذ زیر بهره گرفتیم .

<p>نوشته محمد صالحی آذری</p>	<p>۱- آخرین پیشوا</p>
<p>" " " برتراند راسل</p>	<p>۲- آیا بشر آینده ای هم دارد</p>
<p>دکتر علی شریعتی</p>	<p>۳- اسلام شناسی</p>
<p>" صفات اله جمالی</p>	<p>۴- اسناد و مدارک درباره سید جمال الدین</p>
<p>ترجمه جواد مصطفوی</p>	<p>۵- اصول کافی کلینی</p>
<p>ترجمه کریم کشاورز</p>	<p>۶- اسلام در ایران - پتروشفسکی</p>
<p>نوشته دکتر علی شریعتی</p>	<p>۷- اقبال معمار تجدید بنای تفکر اسلامی</p>
<p>" مرتضی مطهری</p>	<p>۸- امدادهای غیبی در زندگی بشر</p>
<p>" مهندس مهدی بازرگان</p>	<p>۹- امام و زمان</p>
<p>" سید محمد باقر صدر</p>	<p>۱۰- امام مهدی حماسه ای از نور</p>
<p>" حسین تاجری</p>	<p>۱۱- انتظار بذر انقلاب</p>
<p>" لطف اله صافی</p>	<p>۱۲- انتظار عامل حرکت و مقاومت</p>
<p>" برتراند راسل</p>	<p>۱۳- امیدهای نو</p>
<p>" دکتر علی شریعتی</p>	<p>۱۴- انتظار مکتب اعتراض</p>
<p>" علامه مجلسی</p>	<p>۱۵- بحار الانوار (مهدی موعود)</p>
<p>" احمد کسروی</p>	<p>۱۶- بهائیت گری</p>
<p>" جامعه بهائیت</p>	<p>۱۷- بیان ، ایقان ، جمال ابها</p>
<p>" انتشارات روزبه تهران</p>	<p>۱۸- پایان شب سیه</p>
<p>" دکتر علی شریعتی</p>	<p>۱۹- تشیع علوی و تشیع صفوی</p>
<p>" ادوارد براون</p>	<p>۲۰- تاریخ جدید</p>
<p>" مهندس مهدی بازرگان</p>	<p>۲۱- چهار مقاله</p>
<p>" مهندس مهدی بازرگان</p>	<p>۲۲- حکومت جهانی واحد</p>
<p>" مهدی کامران</p>	<p>۲۳- خورشید امامت</p>
<p>" عباس افندی</p>	<p>۲۴- خطابات</p>
<p>" جلال آل احمد</p>	<p>۲۵- خدمت و خیانت روشنفکران</p>
<p>" مهندس مهدی بازرگان</p>	<p>۲۶- دل و دماغ</p>
<p>" ابراهیم امین</p>	<p>۲۷- دادگستر جهان</p>
<p>" محمد حکیمی</p>	<p>۲۸- در فجر ساحل</p>
<p>" محمد امین</p>	<p>۲۹- در انتظار امام</p>

- ۳۰- ذهنیت مستشرقین و اصالت مهدویت
 ۳۱- در نقد و ادب
 ۳۲- روح القوانین
 ۳۳- شیعه در اسلام
 ۳۴- شیعه و زمان داران خودسر
 ۳۵- عدل گستر جهان
 ۳۶- غرب زده گی
 ۳۷- غیبت
 ۳۸- فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت ایران
 ۳۹- فلسفه امام زمان
 ۴۰- فلسفه غیبت صغری
 ۴۱- قرآن کریم
 ۴۲- قاسطین، مارقین، ناکثین
 ۴۳- قیام و انقلاب مهدی
 ۴۴- کمال الدین صدوق
 ۴۵- کشف الغطاء
 ۴۶- ما و اقبال
 ۴۷- مدعیان مهدویت از صدر اسلام تا عصر حاضر
 ۴۸- مصلح بزرگ مصر
 ۴۹- مصلح حقیقی
 ۵۰- مروج الذهب مسعودی
 ۵۱- مجله مکتب اسلام - سلسله مقالات
 ۵۲- موقعیت ایران و نقش مدرس
 ۵۳- مهدی القائم
 ۵۴- نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت
 ۵۵- نهج البلاغه - علی علیه السلام
 ۵۶- ن والقلم
 ۵۷- نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر
 ۵۸- نجم الثاقب
 ۵۹- ولایت فقیه
 ۶۰- همه در انتظار اویند
 ۶۱- یادواره سید جمال الدین
 ۶۲- یکصد سال مبارزه روحانیت مترقی
 ۶۳- مقالات و نوشته های پراکنده
- نوشته حسین منتظر
 " دکتر علی شریعتی
 " منتسکیو
 " استاد علامه طباطبائی
 " مصطفی زمانی
 " آیت اله کاظمینی
 " جلال آل احمد
 " شیخ طوسی
 " فریدون آدمیت
 " مهدی ابریشم چی
 ترجمه محمد امانی

 نوشته دکتر علی شریعتی
 " استاد مرتضی مطهری
 ترجمه آیت اله کمره ای
 نوشته میرزا ابوالفضل گلپایگانی
 " دکتر علی شریعتی
 " احمد سروش
 " محمد عبده
 " مهدی کامران
 " ترجمه ابوالقاسم پاینده
 نوشته مکارم شیرازی
 " ابوالحسن بنی صدر
 " عماد زاده
 " ابوالقاسم سری
 "
 " جلال آل احمد
 " مرتضی مطهری
 " میرزا حسین طبری
 " امام خمینی
 " حسن سعید
 " محسن عدوان
 " عقیقی بخشایشی
 "

با تاریخ در زندان.....

" مجموعه داستان "

نوشته : جمال عباسی

بازی ، آدم ها و آدمک ها

کله تیزها و کله پوک ها

حرفهائی از آدم های بزرگ با ادعاهای کوچک

از اعماق

کتابی از زبان مردم کوچه و بازار در قالب

داستانهایی نه چندان شیرین